



جمهوری اسلامی ایران
مؤسسه تحقیقات برنامه ریزی علمی و آموزشی
مرکز مدارک علمی

مطبوعات ایران

فهرست تحلیلی نشریات

آتش، آذر، آرزو، آرشیتکت، آزادگان،
آسیا، ایران کنونی، نامه ادراک

(موجود در کتابخانه ملی)

شماره ۱

کار

بیژن بیجاری؛ صادق پورحسن طنابجی

علی اکبر عطرفی؛ محمود معتقدی

محمد باقر مؤمنی

۱۴۴

تهران : ۱۳۵۹

نشریه شماره ۲۳۹

نشر ایراندوک - رایگان
www.irandoc.ac.ir

از انتشارات مرکز مدارک علمی
تهران - خیابان انقلاب چهارراه فلسطین - شماره ۱۱۸۸

شماره برگه مرکز خدمات کتابداری ۳۵۶ - ۵۸ م

این نشریه در ۳۰۰ نسخه در چاپخانه موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی به چاپ رسیده است.

بها: ۱۵۰ ریال

مجموعهٔ تحلیلی مطبوعات فارسی

شماره ۱

فهرست

<u>شماره صفحه</u>	<u>نویسنده</u>	<u>عنوان</u>
۵	محمد باقر مؤمنی	مدخل
۹	" " "	آتش (مجله)
۲۲	بیژن بیجاری	آذر
۴۵	صادق پور حسن طنابچی	آرزو
۶۰	علی اکبر عطفی	آرشیفتک (مجله)
۷۲	محمود معتقدی	آزادگان
۱۰۸	" "	آسیا
۱۲۳	محمد باقر مؤمنی	ایران کنونی
۱۵۳	محمود معتقدی	نامه اراک
۱۶۷	—	ضمیمه

مداخل

خواننده عزیز

کتاب حاضر یکی از سلسله انتشاراتی است که پیش از این يك جلد آن با عنوان "مطبوعات ایران - فهرست تحلیلی کتابخانه مجلس سنا" منتشر شده و جزئی از طرحی است زیر عنوان "فهرست تحلیلی مطبوعات ایران از آغاز تا پایان سال ۱۳۵۰". این طرح و گروهی که مأمور تهیه این فهرست بود از آغاز کار تا امروز دستخوش تغییرات و گرفتاری های فراوان بوده است، و کتابی که از آن یاد شد بعلت فضای حاکم سیاسی و اداری آنزمان، آنطور که میبایست باشد چندان "تحلیلی" هم از آب در نیامد، و ما کار واقعا تحلیلی را گذاشتیم برای روزی و فرصتی که امید میرفت آن فضا از میان رفته باشد. و اینك آن فرصت، که زودتر از امیدها و پیش بینی ها فرا رسید، و اینك ما که داریم عجولانه از این فرصت استفاده میکنیم:

گروهی که اکنون مشغول کار است بدلائیل مختلف و بویژه بر اثر تجربه ای که تا امروز کسب کرده است مصلحت در آن دید که فعلا هرچند گاه، تا آنجا که پیش میرود، نتیجه کار خود را از تحلیل مطبوعات موجود در کتابخانه ملی آماده و منتشر کند. این کار اولاً كمك میکند که فاصله میان زمان تحقیق و تدوین و انتشار کتاب زیاد نشود و منجر به بعضی دوباره کاری ها و نقص های ناشی از گذشت

زمان و بلیات و آفات زمین و آسمان نگرود و ثانیاً تهیه هر مطلب خود تجربتی تازه خواهد شد برای تکامل تحقیق بعدی، بخصوص اگر این تجربه همراه باشد با تذکرات و انتقادات صاحب نظران. و پس از انتشار این جزوات امید داریم روزی توفیق دست دهد تا اثری کامل و تجدید نظر شده از مجموع موجودی مطبوعات "کتابخانه ملی" - که خود جزئی از تحلیل تمامی مطبوعات ایران باید باشد - به علاقمندان تحویل دهیم.

کتاب حاضر شامل تحلیل چند روزنامه و مجله از موجودی کتابخانه ملی است با استفاده از شناسنامه ای که ضمیمه آخر این کتاب است (شناسنامه ای که مطالعه کنندگان "مطبوعات ایران - فهرست تحلیلی کتابخانه مجلس سنا" با آن آشنائی دارند). در این تحلیل ها سعی شده تا یک کار واقعا تحقیقی صورت گیرد بنحوی که محققان را بکار آید و کاملاً توجه داشته ایم که در دست اندازهای ژورنالیسم و سیاست بازی نیفتیم و اگر نقصی در آن دیده شود ناشی از نقص دانش و تجربه ما خواهد بود که امید داریم با تذکر صاحب نظران بتدریج این نقائص نیز از میان بروند. متأسفانه این کتاب چنانکه می بینید، برخلاف گذشته، فاقد تصویر است، شاید زوفن مهربانی پیدا شود و این نقیصه را در جزوه های بعد مرتفع سازد.

سعی کردیم، غیر از مراعات اصول یاد شده در شناسنامه نامبرده، تحلیل ها را براساس سرفصل هایی که تا کنون به علقمان رسیده تنظیم کنیم. این سرفصل ها فعلاً بترتیب زیرند:

۱- مسائل سیاست داخلی کشور (نقش احزاب، شخصیت‌ها، مجلس، دربار، روحانیت و نهادهای دیگر جامعه و تعارضات سیاسی آنها)

۲- مسائل اجتماعی ایران ("طبقات" اجتماعی از قبیل دهقانان، کارگران، زنان و غیره و مسائل مربوط به تحول در نظام اجتماعی کشور)

۳- مسائل اقتصادی (صنعت، کشاورزی، بانکداری و مانند اینها)

۴- مسائل فرهنگی (ادبیات، هنر، ایدئولوژی و غیره)

۵- مسائل مربوط به نهادهای حاکم (نظام اداری، نظامی و غیره)

۶- مسائل سیاست خارجی (جنگ‌های جهانی، استعمار،

سوسیالیسم، جنبش عدم تعهد، نهضت‌های گوناگون و...)

شک نیست که این سرفصل‌ها و نحوه تحلیل‌های ما در قالب آنها آیات منزله و اصول جاودانی نیستند و براساس افزایش تجربیات ما و تذکرات و انتقادات اهل نظر تغییر و تکامل خواهند یافت، و بهر حال ما میکوشیم علاوه بر اینکه موضع هر یک از مطبوعات را در مورد مسائل بالا توضیح دهیم اثری تدوین کنیم که کار تاریخ‌نویسان را در تدوین تواریخ عصر جدید آسان سازد و خود در عین حال تاریخ‌پراکنده عصر جدید ایران باشد. ادعای بزرگی است ولی امیدها و تکیه به یاری و همت یاران و دوستان و صاحب‌نظران است که ما را جسارت پروازی چنین بلند عطا کرده است.

و نخستین یارانی که سبب شدند تا این جزوه به بهترین وجه
ممکن منتشر شود خانم پروین زمانی ، ماشین نویس " مرکز مدارك علی "
و کارکنان چاپخانه " مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علی و آموزشی "
هستند که با همه نقص فنی کمال سعی خود را در تهیه این جزوه
کرده اند ، سعیشان مأجور باد !

مسئول طرح فهرست تحلیلی مطبوعات ایران

محمد باقر مؤمنی

۲۵ مرداد ۱۳۵۹

آتش (مجله)

شناسنامه :

۱- اسم :

آتش (مجله)*

۲- محل انتشار :

تهران

۳- نوع کاغذ :

روزنامه ای زرد

۴- نوع چاپ :

سربی ، سیاه و سفید

۵- قطع :

(۲۷×۲۱ ، ۳۲×۲۴) (از شماره ۲۵)

۶- تعداد صفحات :

(۴۰ ، ۴۸) (از شماره ۲۵)

۷- تصویر :

رنگی (روی جلد) ، سیاه و سفید (داخل مجله)

۸- قیمت :

تک شماره ۵ ریال

۹- صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

سید مهدی میراشرافی

۱۰- مدیر داخلی :

سید یحیی میراشرافی (فقط در شماره ۱ و ۲)

۱۱- مدیر مسئول :

سید شمس الدین قنات آبادی (از شماره ۴)

زیر نظر: سیامک پورزند

۱۲- سردبیر :

احمد سروش (از شماره ۳۱ سال ۳۲) ، نامبرده در

حقیقت جای پورزند را گرفته است.

۱۳- نویسندگان :

سید شمس الدین قنات آبادی ، آشیخ عباس سیف -

الاسلام مجتهد زاده متخلص به ع - پ. شوکا ، بیژن

خرسند ، حبیب الله شاملوئی ، دوشیزه طراوت ،

آزاد ، عطاء الله تدین ، مهندس سروش (مترجم) ،

ماندانا ، بهرام (مترجم) ، کورش پارسای (مترجم) ،

ع. پهلوان ، حسین سرفراز ، رضا عزیزی ، ا. ر.

افسون ، شهاب ، پریرسا ، بیدار ، ح. شیوا ، ق.

پور مرادیان ، عباس فروتن ، پرویز خطیبی ، خ.

مهتاب ،

۱۴- زبان :

فارسی

۱۵- تاریخ شماره اول :

۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۲

۱۶- آخرین شماره:

۴۵

۱۷- تاریخ آخرین شماره:

۲۲ اسفند ۱۳۳۲

۱۸- فاصله انتشار:

هفتگی، یکشنبه ۴

۱۹- نوع:

سرگرم کننده

۲۰- تمایلات سیاسی و اجتماعی و هنری:

ترویج ابتدال و انحراف

۲۱- وابستگی:

ندارد

۲۲- محل دسترسی:

کتابخانه ملی

۲۳- کمبود:

شماره ۲، ۱، ۴**

ملاحظات: * در ۳ مجلد صحافی شده، و جلد اول که شامل شماره

۱ تا ۲۴ است اشتباها از چاپ بر است صحافی شده

است.

** علاوه بر دوره بالا شماره های ۳ تا ۶ و ۲۰ تا ۲۵

بصورت تکراری همراه با شماره ۹۶ در جلد جداگانه ای

صحافی شده است.

کلیات

در مورد هدف مجله نوشته شده که چون هر روزنامه ای در آغاز انتشار وعده و وعید داده و عمل نکرده ما فعلاً "سخنی نمیگوئیم تا شما خودتان کار ما را ببینید و قضاوت کنید". در افاده مرام نوشته شده که سابقه فعالیت داشته اند و "آشنایان هدف و طرز کار ما را میشناسند و شما تازه آشنا هم بدون شك بخوبی متوجه خواهید شد"، و اظهار امید میشود که کار نویسندگان مجله مورد توجه خوانندگان قرار گیرد. در همین زمینه نویسنده یکی از صفحات روزنامه با عنوان "هفت روز و هفت شب" توضیح روشن تری میدهد و میگوید که این مجله "از همه چیز و هیچ چیز" مینویسد و البته "از همه چیز و هیچ چیز، چیزی سر هم کردن مشکل است".

این مجله دارای تصاویر فراوان است و در هر شماره روی جلد عکسی رنگی از یکی از هنرپیشگان زن هالیوود چاپ شده است. من باب مثال در شماره اول عکس روی جلد از "اوا گاردنر" است و در داخل مجله عکس هایی از مردم فقیر و محله های فقیرنشین، اتوبوس - رانی و ترافیک، از رجال کشوری مانند امینی، علم، زاهدی، عکس - هایی سکسی از زنان هنرپیشه، صحنه هایی از بعضی فیلم ها، عکس های مربوط به آگهی ها و چند کاریکاتور چاپ شده است.

در مورد مطالب مجله کافی است به عناوین مندرجه در شماره اول اشاره شود زیرا مجله تا آخرین شماره خود همین روال را حفظ کرده است. عناوین شماره اول به ترتیب زیر است:

"سرمقاله" (که در آن برای فقرا دلسوزی شده است) ،
"آهای ماشین دارها" (که یعنی انتقاد از پولدارها) ، "در محافل
سیاسی" (تفسیر حوادث سیاسی جهان) ، "دیوانه ای از شهر ما"
(داستان مصوری بر اساس فیلمی بنام "طوفان در شهر ما") ، "حقایقی
چند از عشق و زندگی" (بحث درباره مسائل جنسی) ، "شکار
شغال" (از نوع قصه های مبتذل بازاری) ، "در جهان سینما"
(عکس و خبرهای کوتاه. در شماره اول ، این صفحه در حقیقت تبلیغ
برای شرکت مه نور فیلم و سینما ایفل است که هر دو یکی است) ،
"هفت روز و هفت شب" (تحت عنوان شنبه و یکشنبه و . . . اشاراتی
به برخی مسائل دست چنم و مبتذل اجتماعی دارد. نویسنده ،
پس از عنوان ، نوشته این صفحه "نکته بینی" بدون اغراض شخصی
است و "اینجانب در همه موارد و اشخاص حق نکته بینی نامحدود
دارد . . . !!)" ، "دختر شراب" (قصه بازاری) ، "برای شما
خانم ها" (در مورد حالات زنان و طرز رفتار با آنان ، ترجمه از
ریدرز دایجست) ، "برزخ زندگی" (قصه مبتذل) ، "چرا . . . ؟"
(بقول خودش "نوول" یعنی ترجمه یک قصه بازاری خارجی) ، "سایه"
بید و لب کشت" (قطعات ادبی بازاری و شعرهایی از شاعران قدیم
و امروزی) ، "هرز آتش" (خبر و تفسیر ورزشی) ، "مفتول فراری"
(یک قصه بازاری خارجی) ، به علاوه صفحات سینمایی شامل عکسها

و توضیحاتی راجع به فیلم های سینماهای تهران ، صفحه " سرگرمی ها
(جدول و مسابقه "هوش و غیره) ، "یکی بدو" (مصاحبه با يك هنرپیشه
ایرانی) .

این ستون ها و صفحات کم و بیش در تمام طول مدت انتشار
مجله ثابت مانده اند . بجز اینکه صفحاتی مانند "پوزخند" (شوخی) ،
"جوانان" ، "پيك آتش" (مکاتبات با خوانندگان ، " رنگین کمان"
(عکس ها و مطالب كوچك و پراکنده) به این عناوین اضافه شده است .
بعلاوه از شماره های سوم و چهارم ببعد مسائل سیاسی داخلی نیز
مورد بحث و تفسیر در مجله قرار میگیرد و در زمینه " مسائل خارجی نیز
گاهگاه مطالبی علیه دولت اتحاد شوروی دارد .

اما تفصیل مختصری از این عناوین و مقالات :

در دلسوزی برای فقرا و اعتراض به تضاد اجتماعی مینویسد :
" هزار بار گفتند ولی نشان نشان بآن نشانی که روز بروز تهران گل و گشادتر
شد ، تا دامنه " کوههای البرز دامن کشید . جای صد عمارت شيك ،
اکنون هزارها ساختمان آخرین سیستم وجود دارد و هنوز هم
عده ای با اهل و عیال برای يك اطاق کاه گلی باین در و آن در —
میزنند . هنوز هم عده ای از گرسنگی با عزرائیل حساب جاری دارند ."
و این اوج توضیح و اعتراض و نمونه ای از لحن روزنامه در مسائل
اجتماعی است .

۱- مجله "آتش" ، شماره اول ، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۲

در مورد مسائل مربوط به "عشق و زندگی"، مجله در سلسله مطالبی که بقول خودش "کلیه" موضوعاتی را که در زندگی جنسی افراد دخالت دارند . . . مورد بحث قرار میدهد بیفایده نمیداند از پیش تذکر دهد "که این مطالب بهیچوجه جنبه نزاکت را از دست نداده و در نگارش آن رعایت عفت قلم شده است". و اما چند جمله از نکات این "سلسله مطالب".

بلوغ مرحله ای از رشد جسمانی است که در اثر مرور زمان انجام گرفته و نشانه تکامل ساختمان دستگاه های تناسلی بدن است. . . اغلب اتفاق افتاده دختران جوان از برآمدن پستان های خود که عضوی کاملاً عادی از بدنشان است احساس غرور و افتخار کرده . . . برخی از دختران که آتششان خیلی تند است و عجله زیادی دارند به طبیعت مجال کار نداده و قبل از رشد طبیعی و کامل سینه خود با گذاردن سینه مصنوعی که این روزها در بازار فراوان است خود را میآریند . . . دختران جوان باید در این مرحله از بلوغ در انتخاب سینه بند دقت لازم و کافی مبذول دارند. . . ضمناً چون مقارن با این تغییرات جسمانی، ناحیه باسن نیز بزرگ شده و شکم هم اندکی پیش میآید بایستی مراقب بود که در موارد غیر ضروری و بدون تجویز طبیب از پوشیدن انواع و اقسام کمرست ها خودداری شود که هم از نظر طبیی مضراست و هم فرم طبیعی و زیبای بدن را از بین میبرد". ۲

۲- همان شماره

در نقد اجتماعی ، که عنوان " هفت روز و هفت شب " به آن اختصاص دارد ، میتوان نمونه زیر را ذکر کرد :

" دوشنبه ، امروز با خواهرم بازار رفته بودیم تا چند متر پارچه بخرد . تمام بازار را زیر پا گذاشتیم تا بالاخره در مغازه ای توقف کرد و پس از چانه بسیار در قیمت جنس توافق کردند . او مشغول شمردن پول شد و صاحب مغازه که ته ریش مشکی با حالتی داشت بآهستگی پارچه زرع میکرد و من هم در تابلویی که بالای مغازه زده شده بود خیره ماندم که با خطی خوش نوشته بود :

ای آنکه ترا غیرت مردی است بسر مگذار عیالت شود از خانه بدر هر شاخه که از باغ برون آرد سر بر میوه او طمع کند راهگذر برگشتم تا باو در مورد انتخاب شعر چیزی بگویم دیدم بعله ، " مرد موئن " فرصت غنیمت شمرده و با دست پارچه زرع میکند و با چشم در سر و سینه خواهرم غرق شده گفتم دای ، ایمن " میوه ها " را پدرم سالهاست به یک مادر مرده دیگ فروخته ! برو خدا روزیت را جای دیگ حواله کند . . . ۳ "

و باز هم در همین زمینه بعدها صفحه ای با عنوان " ۳ موضوع " ابداع میکند که در هر شماره ، چنانکه از اسم آن مستفاد میشود ، سه موضوع روز را بشکل انتقادی مورد بحث قرار میدهد ، اینک نمونه ای از این انتقاد زیر عنوان " یخ " :

" ای یخ کنی تابستان که خلق الله را از بی یخی دیوانه کردی ! وضع یخ میدانید چگونه است ؟ درست مثل اینکه در یکی از

شبهای برفی زمستان شما را در یخچال بگذارند تا خدای ناکرده گرمای زده نشوید!! حالا بفرمائید با ۲۴ ساعت کار مداوم در ایمن هوای کشنده، ظهر هم باید از آب داغی که برای اصلاح صورتتان فراهم کرده اید جرعه ای بحسب استیصال میل بفرمائید. واقعا مسخره است. دیگر مردم دلشان را به چه خوش کنند؟... چه کسی باید وضع یخ را درست کند؟ همان کسانی که بهترین آبهای تصفیه شده را در یخچال های خود سفت میکنند و توی شامپانی میاندازند. می فهمید چه میگویم؟ وقتی که مردم تشنه و گرمای زده لب بشکایست بکشایند دیگر هیچی تمام دستگاه ها فریاد میکشند که توهین شده، اهانت شده و...» ۴

در عالم سیاست، مجله معتقد است که همزیستی مسالمت آمیز افسانه ای بیش نیست و اظهار عقیده میکند که "در زیر سایه مرگبار موشک های قاره پیما و در پناه اسلحه های سنگین و مرگ زا دم از صلح خواهی زدن کار مسخره، زمامداران شرق و غرب شده است!... آیا این مسئله را کسی باور میکند که ایالات متحده، امریکا چیس— کمونیست را برسمیت بشناسد و یا در صورت فراخواندن نیروهای ارتش سرخ از آلمان شرقی، دول غرب جمهوری فدرال آلمان را از صورت يك پایگاه اتمی علیه ارمای شرقی بیرون آورند؟ و آیا شوروی قبول میکند که نظارت سازمان ملل بر قطب شمال عملی گردد؟... " مجله پس از طرح سئوالهایی از این دست، خود پاسخ میدهد که "اینها

خیالات است که بیشتر بصورت مانورهای سیاسی جهت کسب وجهه
و احیاناً زمینه تجلی نموده است.^۵

در باره فیلم و سینما بیشتر به اندازه های پست و بلندیهایی
بدن زنان هنرپیشه توجه دارد تا به هنر آنان. برای مثال کافی است
به اولین خبر صفحه سینمایی شماره اول زیر عنوان "ستاره ای
بدرخشید و ماه مجلس شد" اشاره ای بشود :
"خانم آرن روان با اینکه بیش از هفده سال از سنشان
نمیگذرد مع هذا دارای برجستگی های لازم بوده و بكمك زیبایی
خدادادی خود دل و دین از عارف و عامی میبرد. وی با اینکه
چندان اصراری در پوشاندن نقاط حساس بدن خود را ندارد، با
وجود این میگوید که من میل ندارم بریزیت یارد وی شانی باشم،
میخواهم همه مرا روی شهرت خودم بشناسند! ایشان تا کنون در
چهار فیلم شرکت کرده و استعداد نهانی خود را بمعرض نمایش
گذاشته اند. ما هم از خداوند توفیق ایشان را آرزو داریم و
میخواهیم که از گزند چشم بدور باشند!"^۶
چنانکه گفته شد مجله آتش يك صفحه شوخی هم دارد که
غیر از نکته ها و لطیفه ها و کاریکاتورهاى ترجمه های گاه مطالب ابتکاری
نیز در آن بچشم میخورد و اینك نمونه ای از این شوخی ها :
"مهربانم! آرزویم اینست که "حواله" تلگرافى غیرقابل
انتقال" میبودی و در "متن" دلت تنها نام من مہجر ثبت میشد."

۵- مجله آتش، شماره ۱، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۷

۶- همانجا

اما افسوس ، افسوس که همچون " چك در وجه حامل " صدها دست گشته ای ، " اثر انگشت " و " نیش قلم " بر وجودت هویداست .
معبودم ! مهر " باطل شد " پیری و فرسودگی بر جبین نازنینت خود نمائی مینماید و چال های صورتت بیننده را بیاد " ابر آبی " میاندازد .

معشوقم ! با اوصاف بالا تصدیق میکنی که جز با " پشت - نویسی " توالت برای احدی قابل قبول نیستی ۷
برای آگاهی از موضع مجله در مورد مسائل و پدیده های سیاسی داخلی ذکر قطعه " زیر که با عکس محمدرضا شاه همراه است بنظر کافی میآید :

" شاهنشاه محبوب و مدبر ما در هفته " گذشته بنا بدعوت رسمی دولتهای خار در در به آن سامان سفر فرمودند . با اینکه دوری پدر تاجدار برای مردم ناراحت کننده است ولی چون موجب این خواهد بود که مردم سایر کشورها هم از نزدیک و در نتیجه بیشتر و بهتر پادشاه والا مقام ما را بشناسند و با فضائل رهبر کشور ایران آشنا شوند لذا ایرانیان این رنج دوری را تحمل میکنند و مشتاقانه در انتظار بازگشت محبوب خود هستند . ۸

باین ترتیب ملاحظه میشود که مجله " آتش يك نمونه " تمام عیار از مطبوعات مبتذل است که وظیفه دارد که خوانندگان خود را در همه زمینه ها با ابتذال خوگر سازد و آنان را با مطالب غیر اساسی و بشکلی غیر اصولی و انحرافی بخود مشغول دارد .

محمد باقر مؤمنی
فروردین ۱۳۵۹

۷- همان شماره

۸- شماره ۳ ، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۷

آذر

شناسنامه

۱- اسم:

آذر

۲- محل انتشار:

تهران

۳- نوع کاغذ:

روزنامه ای زرر

۴- نوع چاپ:

سری سیاه و سفید

۵- قطع:

۵۳×۳۹

۶- تعداد صفحات:

۲

۷- تصویر:

ندارد

۸- قیمت:

تک شماره: ۴ شاهی*

آبونمان: یکساله ۴۰ قران ششماهه: ۲۵ قران

شهرستانها یکساله: ۵۰ قران ششماهه: ۳۰ قران

۹- صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

حسن زمانی

۱۰- زبان :

فارسی

۱۱- تاریخ شماره اول :

دوشنبه ۱۲ رجب المرجب ۱۳۴۲**

۱۲- آخرین شماره :

شماره ۹

۱۳- تاریخ آخرین شماره :

پنج شنبه ۱۴ ذالحجه ۱۳۴۲ و برابر با ۲۶

سرطان ۱۳۰۳ مطابق ۱۷ ژوئیه ۱۹۲۴

۱۴- فاصله انتشار :

هر هفته دو شماره

۱۵- وقفه ها :

بین شماره ۶ تا ۷ که می بایست طبق روال طبیعی دو روز

فاصله باشد ، مدت هفت روز فاصله افتاده است ، همچنین

بین شماره های ۸ و ۹ نیز چهار ماه روزنامه منتشر نشده

است.***

۱۶- نوع :

خبری است و به طرح مسائل سیاسی - اجتماعی نیز گرایش

دارد .

۱۷- تمایلات سیاسی و اجتماعی :

خط مشی اصلی روزنامه طرفداری از
استقرار رژیم جمهوری در ایران است
و از همین موضع است که از رضاخان
جانبداری می کند .

۱۸- محل دسترسی :

کتابخانه ملی ****

۱۹- کمبود :

ندارد

ملاحظات:

* قیمت روزنامه "آذر" شماره ۵ ، تک شماره ۵ شاهی ذکر شده
است.

** برابر ۲۹ دلو ۱۳۰۲ که مطابق با ۱۸ فوریه ۱۹۲۴ می باشد.

*** تاریخ روزنامه "آذر" شماره ۸ ، دوشنبه ۱۱ شعبان ۱۳۴۲

برابر ۲۷ حوت ۱۳۰۲ مطابق ۱۷ مارس ۱۹۲۴ ذکر شده

و شماره بعدی (آذر شماره ۹) تاریخ پنجشنبه ۱۴ ذالحجه

۱۳۴۲ برابر ۲۶ سرطان ۱۳۰۳ مطابق ۱۷ ژوئیه ۱۹۲۴

را داراست.

**** ۹ شماره روزنامه "آذر" که این شناسنامه و تحلیل براساس

آن تهیه و نوشته شده است در مجموعه "کتابخانه ملی"

(شماره $\frac{۸-۲}{۸-۲}$) در مجلدی همراه با روزنامه های
"اصلاح بشر"، "جبات ۱۳۴۰"، "اصلاح"، "پیکان"،
"حلاج"، "بهارستان نویخت"، "سیاست اسلامی"،
"نجات ایران"، "ایران آزاد" و "فریاد" گرد آمده
است. در ضمن لازم بتذکر است که از روزنامه دیگری نیز
با نام "آذر" - با مشخصات دیگر البته - در "فهرست
روزنامه های موجود در کتابخانه ملی ایران" یاد شده
است.

کلیات

نخستین شماره روزنامه "آذر" در روزهای عروج سریع سردار سپه منتشر شده است. در این روزها مطبوعات در آگاهی مردم از سوئی، و در ساختن سرنوشت اجتماعی - سیاسی ملت ایران از سوی دیگر، نقش عمده ای داشته اند.

روزنامه "آذر" در هر شماره، از يك سرمقاله* و چند ستون اخبار داخله و خارجه شکل گرفته است. بعبارت دیگر، گردانندگان روزنامه، پنداری، قصد این داشته اند که در کنار موضع گیریهای سیاسی و اجتماعی - بویژه در سرمقاله ها -، در گزینش زندگی سیاسی و اجتماعی خوانندگان خود، عاملی اساسی بحساب آمده و نیز از سوی دیگر، من خواسته اند آنان را از خبرهای پیرامون و همچنین جهانشان بیگانهانند. گذشته از سرمقاله و اخبار در بیشتر شماره های "آذر"، مطالب کوتاهی که مضمون شکوائیه دارد نیز، بجاپرسیده و روزنامه هم در همانجا و عموماً بیپایانگی توضیح شکایت، جهت گیری خاص خود را کرده است.

* البته در شماره اول "آذر"، بغیر از سرمقاله، مقاله ای هم آمده است، لیکن دیگر شماره های این روزنامه بجز اخبار و ... فقط دارای همان يك سرمقاله است.

روزنامه با تأکید بر پشـتوانه فرهنگی و یادگارهای با عظمت تاریخی و آثار گرانبهای بزرگان ایران در این زمینه، در سر مقاله شماره اول سال نخست خود، زیر عنوان "بنام مقدس وطن" پیرامون مشی کلی و سیاستی که در طول حیات مطبوعاتی خویش پی خواهد گرفت و هدفی را که برای نیل به آن کوشش خواهد کرد، اینچنین توضیح می دهد: "بـاری، به استناد همین اصل مسلم، در ایامی که در جبین کشتی طوفان زده و شکست خورده ایران، نورستـگاری هویدا است، در دقایقی که اجتماعات بشری داخل در مرحله رشد و کمال شده و حیات انفرادی بنی البشر در پرتو تساوی حقوق ملل تأمین می گردد، در روزگاری که روح جوانی و حیات نهی در کمون و طبیعت هموطنان عزیز ما دمیده شده و نسیم روحبخش ترقی، آنها را از خواب مرگ و بیچارگی بیدار نموده است، ما نیز خود را بقاطع ترین اسلحه برنده هدایت افکار و تنویر راه ترقی و عظمت، یعنی خامه آتشین، مجهز نموده و برای خدمت به نوع، حاضر می نمائیم. ما معتقد هستیم که باید گفتنی ها را گفته و برای سیاه کاری ماجراجویان خیانت پیشه حدی قائل شد و از همین نقطه نظر از ذکر عقاید و نظریات خود نسبت به مفتخواران هیئت اجتماع و هرزه درایان سبک پای بهیچوجه دریغ و مضایقه نخواهیم نمود."

مسئله جمهوریت

موضوع اصلی بیشتر سرمقاله های "آذر"، مسئله خلع آخرین شاه سلسله قاجار از سلطنت است و در نتیجه، روزنامه

همراه موافقت با براندازی سلطنت احمد شاه قاجار، از استقرار رژیم جمهوری در ایران دفاع می‌کند. هر چند، در برخورد نخست با مطالب روزنامه اینچنین بنظر می‌آید که گردانندگان "آذر" قصد این دارند که در پوشش خلع احمد شاه از سلطنت، از سردار سپه — جانبداری کنند، لیکن تأکید اولیا" روزنامه بر مسئله جمهوریت و نیز درج مطالبی در این رابطه و همچنین آگاهی دادن به مردم، پیرامون خود پدیده جمهوریت و یا اختصاص دادن مقاله هائی به این مهم و حتی درج اخباری در جهت موافقت با جمهوریت مبین این موضوع است که بطور کلی، روزنامه "آذر"، در عمل روی کار آمدن "رضاخان" را با استقرار رژیم جمهوری در ایران مغایر ندانسته و حتی بگونه ای پنداری، اولیا" این روزنامه می‌اندیشند که روی کار آمدن "رضاخان" می‌تواند آرزوی دیرینه آنان را که همانا برقراری سیستم جمهوری در ایران است جامه عمل بپوشاند.^۱

۱- در این رهگذر، روزنامه "آذر" در زیر ستون اخبار خارجه حتی، از پرداختن به "جمهوریت" روی نمی‌تابد چنانکه در شماره ۵ روزنامه (دوشنبه ۱۳ حوت ۱۳۰۲ برابر مارس ۱۹۲۴) می‌خوانیم: "روتر مورخه ۲ مارس از طهران گزارش می‌دهد: به استثنای روزنامه "ایران" کلیه جراید طهران شروع به تبلیغات و انتشارات بر علیه شاه (احمد شاه) نموده و برای تشکیل جمهوری هیاهو و داد و بیداد برپا کرده اند. علماء هم از قوار معلوم اظهار موافقت با حکومت جمهوری نموده اند."

و بر همین اساس است که روزنامه فی المثل در زیر عنوان خبر " موافقت
 ایل بختیاری " اینچنین می نویسد : " مکتوب ذیل از طرف آقای صمصام
 السلطنه بختیاری بعنوان آقای سردار سپه رئیس الوزراء فرستاده شده
 است : مقام منبع بنده گان حضرت اشرف اعظم آقای سردار سپه رئیس
 الوزراء و فرمانده کل قوا . . . این بنده با بنی اعمام . . . و ایل خود
 را در طریق ترقی و تعالی ملت و حفظ استقلال مملکت ایران در هر
 موقع عملاً بمنصه ظهیر آورده و در هر مورد در راه آزادی و حصول
 آمال ملی برای فداکاری پیش قدم بوده در این موقع نیز بحکم السابقون
 السابقون فرض نامه دانسته معروض می دارد . . . " آنگاه صمصام -
 السلطنه پس از اشاره به آمادگی افراد خانواده و ایل بختیاری
 " برای حصول آمال ملی " در تلگراف خود چنین نتیجه می گیرد که :
 " . . . لذا این هنگام که ملت آرزومند ایران در اثر جدیت های
 خستگی ناپذیر حضرت اشرف مملکت در امن و امان و از شر اجانب
 محفوظ شده به فکر اصلاح بزرگترین بدبختی های خود افتشاده
 تقاضای الغای سلطنت و تشکیل حکومت جمهوری که یگانه اسباب
 فلاح کامل ملی است نموده اند . . . " ۲ .

به این ترتیب مسئله جمهوریت - که مسئله روز است -
 مضمون اصلی مقالات و تفسیرها و خبرهای روزنامه قرار گرفته و
 گردانندگان روزنامه که - " . . . بنام مقدس وطن (و برای نیل به)
 سعادت ، استقلال ابدی سرزمین نیاکان - " قلم بدست گرفته اند

و می‌کوشند تا بسهم خود و با امکاناتی که دارند، بنوعی با استقرار حکومت جمهوری در سرزمین ایران در ارتباط باشند و ظاهراً معیار آنان برای ذکر خیر از سردار سپه و بدگوئی از مدرس * چیز دیگری جز علاقه به جمهوریت نیست.

در رابطه با جمهوریت در مقاله ای زیر عنوان "نغمه جمهوریت" چنین می‌خوانیم: "این روزها در اطراف جمهوریت ایران آوازه‌ها از جرائد ایران بلند شد و در تمام دول دنیا انعکاس پیدا کرده و بلکه جرائد بزرگ عالم گوش خود را باز داشته که وقوع آن را به قارئین جریده خود اعلام دارند. ما در اظهار عقیده فعلاً خودداری می‌کنیم و فقط اکتفا به قضاوت در نگارشات پاره (ای) از جراید خواهیم کرد. پاره (ای) از جراید نگاران خیلی تند و ناموزون قدم های خود را در اطراف جمهوریت ایران برداشته بطوریکه هر دهاتی و خارج از شهری را گمان رسید که بیرق جمهوریت ایران در سرتاسر خاک ایران در

* - مدرس Modarres: سید حسن بن اسماعیل بن میر عبدالباقی

قمشه ای از طایفه "میرعابدین از سادات طباطبائی و از رجال روحانی و سیاسی دوره" مشروطیت و پهلوی (ولادت: قریه "سرابه کچو" در اردستان به سال ۱۲۸۷ ه. ق. فوت: کاشمر ۲۶ رمضان ۱۳۵۲ ه. ق. مطابق ۲۳ آذر ماه ۱۳۱۶ خورشیدی) ... در دوره "دوم مجلس و ادوار بعد نمایندگی بود ... (معین، محمد. فرهنگ فارسی. ج ۲۰. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸. ص: ۱۹۳۷).

اهتزاز است. . . ۳

روزنامه "آذر" در ادامه این مقال بر قدرت توده ها تأکید کرده و در راه رسیدن به آزادی بیان عقیده ، فدا کردن جان و مال و ناموس را نیز ، حتی ، روا می پندارد :

" . . . سلطنت استبدادی و حکومت شوروی (شورائی) و فرمان -

فرمائی جمهوری بسته به قابلیت و استعداد ملت است. عقیده ملت مدخلیت تام و تمامی در حکومت به اقسام مختلفه آن داشته و دارد، زیرا اساس و پایه حکومت بسته بوجود او بوده و بس. البته پر واضح است در صورتیکه زبان يك ملتی به طعن دولت گشوده شد ، هیچ مشت آهنی نمی تواند آن دهان را کوبیده و هیچ دست با قدرتی نمی تواند حلقوم او را بفشارد و احساسات او را خفه کند . . . در این صورت نفیس ترین چیزی که در نظر انسان مقام عزت و گرانبهائی را داراست تنها عقیده است و بس. عقیده چیزی است که ممکن نیست او را مخفی و مستور داشت. . . ۴

در دنباله مطالب همین مقاله ، نویسنده ، باز بر احترام بر عقیده مردم در انتخاب نوع حکومت و رژیم حاکم بر سر نوشتشان و همچنین روشن کردن اذهان عمومی ، پیرامون رژیمی که در آینده در ایران حکومت خواهد کرد ، اصرار ورزیده و می نویسد :

۳ - شماره اول سال نخست روزنامه ی "آذر" بتاريخ دوشنبه ۲۹

دلو ۱۳۰۲ برابر ۱۸ فوریه ۱۹۲۴ .

۴ - همان شماره و همان مقاله .

"... باید سعی نمایند که اذهان عمومی را با خود همراه نموده و به مساعدت آنها قدم پیش گذاشته و از روی عقیده، رژیم و اصول حکومت را تغییر داده و با هر قوه و استعدادی ستیزگی کرده و مخالفین عقیده خود را بواسطه فداکاری و بذل هستی نیست و ناپود نمایند. حال می خواهیم بدانیم که حکومت جمهوری در ایران نافع است یا بقاء و ادامه حکومت فعلی..." °

روزنامه ی "آذر" برای تجزیه و تحلیل وضع حکومت قاجار از سوئی، و همچنین تشریح پدیده "جمهوریت" - با توجه به رسالتی که پیرامون آگاه و روشن کردن اذهان عمومی برگزیده مطبوعات بوده است - از سوی دیگر، خود را ناگزیر می بیند که برای روشنتر شدن موضوع، تاریخ دوره قاجار و چگونگی به حکومت رسیدن آنها و موجباتی را که باعث قوام یافتن پایه های رژیم پدران احمد شاه و همچنین سائلی که موجب بروز مخالفتها با ادامه استقرار حکومت سلطنتی در ایران شد، در سر مقاله های آینده روزنامه میرد بررسی قرار داده و در نهایت می کوشد ذهن خوانندگان را برای پذیرفتن رژیم جمهوری و در انجام، براندازی رژیم قاجار آماده سازد. از همین روی، "آذر" در سرمقاله های شماره های بعدی (از شماره دوم به بعد) به ترتیب به تاریخچه و فعالیت های سلسله قاجاریه در ایران می پردازد. این سلسله مقاله ها در شماره هفتم - و پس از ذکر "... شمه (ای) از اخلاق آقا محمد خان

° - همان شماره و همان مقاله ایضا.

سرمشاء سیاه روزی و بدبختی ایران... ۶ هنگامی که می‌بایست
 قاعدتا زندگی جانشینان آقا محمد خان مورد تجزیه و تحلیل قرار
 گیرد، به ناگاه (برخلاف قولی که حتی نویسنده این سلسله
 مقالات در پایان سرمقاله شماره هفتم به خوانندگان خود می‌دهد)
 قطع شده و پنداری گردانندگان روزنامه، اینطور تشخیص می‌دهند
 که بهتر است در روزهای پایانی ماه حوت ۱۳۰۲ در شماره‌های
 هشتم و نهم خود در سرمقاله‌ها به سائلی که در آن روزها، بیشتر
 در جامعه مطرح است بپردازند و از همین روست که در سرمقاله
 شماره هشتم، زیر عنوان "طهران مرده" روزنامه پس از ذکر مقدمه‌ای
 که خبر از بتنگ آمدگی تمامی طبقات زحمتکش شهرهای ایران دارد،
 و پس از یادآوری "سیه کاری"ها و "شنایع" یک شاهان و
 امیرزادگان قاجار، شهر طهران یعنی پایتخت ایران را اینگونه
 مخاطب قرار می‌دهد:

"ای طهران، ای کانون فساد! اگر این فضاخ را دیده
 و از مشاهده آنها متأثر شده (ای)، اگر هنوز احساسات وطن‌پرستی
 و علاقه مندی بزندگانی در تو باقی است... و ساکنین کابوس زده
 تو دارای حس و حرکت هستند، بجوش و حرکت کن!... حیات
 برای سعادت و سربلندی است. پس با هموطنان در دست خود
 همصدا شو و برای سرنگون کردن این اساس و بنیاد غلط پیش برو!" ۷

۶- "آذر" شماره هفتم، سال یکم: پنج شنبه ۲۳ حوت ۱۳۰۲ برابر
 ۱۳ ۱۹۲۴.

۷- "آذر" شماره هشتم، سال یکم: دوشنبه ۲۷ حوت ۱۳۰۲ برابر
 ۱۷ مارس ۱۹۲۴.

روزنامه "آذر" در سرمقاله شماره نهم خود تحت عنوان "آتیه خطرناك" به چگونگی اوضاع مجلس و نیز دولت می پردازد. در این رابطه، روزنامه پس از پرداختن به واقعیت‌هایی در مورد پیدائی آشفتگی در سطح مملکت، به وضعیت مجلس اشاره کرده و می‌کوشد - البته با نوعی جهت‌گیری مغرضانه - تا از درگیریهایی علنی "اقلیت" با "اکثریت" در درون مجلس تصویری کلی بدست دهد:

"... اکثریتی که عده نمایندگان آن قریب ۹۰ نفر است و خود را ملجا و پشتیبان دولت می‌داند چرا بایستی در مقابل يك "اقلیت" ۱۵ نفری زانوبه زمین زده و در عرض این شش ماهی که از عمر پارلمان می‌گذرد، سر تعظیم پیش "اقلیت" فرود آورده اجازه دهند که بر اثر تحریکات و اقدامات اقلیتی که لیدر آن "مدرس" است و اعضاء آن از عناصر ضد اصلاح و خائن و منفور جامعه هستند با کمک ایادی خارجی موثر تزئید فقر و پریشانی و تکثیر خرابیهای مملکتی گردیده امنیت و آسایش که پس از سنوات متعددی در مملکت ایران ایجاد شده است عملیاتی در اختفاء و آشکار بکنند که امنیت امروزی که با مصرف شصت کرویر پول تهیه شده است سلب کنند!"^۸

بطور کلی، نویسنده گویا با طرح این مطالب در سرمقاله، قصد این دارد که در پوشش مفاهیم این مقال و حمله به اقلیت مجلس

۸ - "آذر" شماره نهم، سال یکم: پنج شنبه ۲۶ سرطان ۱۳۰۳

برابر ۱۷ ژوئیه ۱۹۲۴.

پنجم بهانه‌ای نیز، برای تبلیغ و تحکیم مبانی حکومت رضاخان سردار سپه بدست آورد. در اینجا ذکر این مطلب ضروری است که اگرچه روزنامه "آذر" در شماره‌های اول خود، هنگامی که از سوئی از احمدشاه انتقاد می‌کرد و از سوی دیگر روی کار آمدن رضاخان را با استقرار جمهوری در ایران مغایر نمی‌دانست و در مجموع، برقراری رژیم جمهوری را تبلیغ می‌کرد، لیکن در سرمقاله شماره نهم - گردانندگان "آذر" - آنجا که از وضعیت مجلس انتقاد می‌کنند، پنداری دیگر، برایشان آنقدر که مبانی حکومت رضاخان مهم است برقراری جمهوریت از اهمیت برخوردار نیست و اصولاً آنچنان که از مطالب روزنامه از شماره هشتم بعد - و پس از چهار ماه فاصله انتشار بین شماره‌های هفتم و هشتم - بر می‌آید مثل اینست که این وقفه چهار ماهه در انتشار روزنامه، در تغییر مشی گردانندگان "آذر" بسیار مؤثر بوده است. چنانکه در همین سرمقاله - شماره ۹ - که می‌تواند برای تبلیغ و توضیح پیرامون دموکراسی و جایگاه مجلس در رژیم جمهوری جای مناسبی بحساب آید، دیگر سخنی از برقراری رژیم جمهوری در میان نیست. بعبارت دیگر، پیرامون این تغییر سیاست گردانندگان روزنامه، شاید بتوان گفت: در فاصله چهار ماه وقفه - از ۱۱ شعبان ۱۳۴۲ تا ۱۴ ذیحجه ۱۳۴۲ - دیگر مسئله "جمهوریت" خارج از موضوع بوده و البته این تغییر مشی روزنامه - در این حالت - را باید در تغییر سیاست سردار سپه جستجو کرد.

در ادامه این سرمقاله، نویسندگان از ابراز هیچگونه توهینی نسبت به گروه "اقلیت" مجلس پنجم خوداری نکرده و به بیانی روشنتر،

است که می نویسد :

... و لیکن بدبختانه از وقتی که پارلمان دوره پنجم مفتوح شد آن اتفاق و روح وحدت و امیدواریها مبدل به نفاق و تفرقه مردم و یأس گردید و همینطور روز بروز در نتیجه طمع روزی و اغراض خصوصی و جاه طلبی نمایندگان و ضدیت و خصومت بی حد و حصر مدرسیان

گذشته از سرمقاله که در هر شماره روزنامه "آذر" بچاپ رسیده است، بیشترین مطالب روزنامه را "اخبار داخله" و اخبار خارجه" شکل می دهند. در مورد ستونهای اخبار "آذر" با توجه به دشواریهایی که در این رهگذر، مطبوعات آن دوره با آن روبرو بوده اند می توان با در نظر داشتن منابع مختلف خبری "آذر" - که روزنامه در راه کسب اخبار خارجی از آنها یاری می گرفته است مثل خبرگزاریهای مهم دنیا در آن زمان - می توان نتیجه گرفت که این روزنامه به رسالت رساندن اخبار صحیح به جامعه آگاهی داشته و لذا از همین روی بوده است که در بعضی شماره ها حتی تا دوسوم از جای صفحات خود را به اخبار گوناگون از منابع مختلف خبری اختصاص می داده است.

اصولا اخبار داخله ی روزنامه "آذر" شامل خبرهایی بوده است که مربوط به وزارتخانه ها می شد یا به مسائلی که با نمایندگان مجلس و بطور کلی با مجلس در ارتباط بود ربط پیدا می کرد. همچنین عنوان خبرهایی پیرامون بازار، انتخابات و مصائب طبیعی - مثل سیل، زلزله و ... - در روزنامه پنداری خواننده بسیاری داشته است.

اخبار خارجه

خبرهای خارجی در ستونهای تحت عنوان "بی سیم مسکو"، "بی سیم پاریس" * و "اخبار روتر" چاپ می رسد. اینگونه خبرها در روزنامه "آذر" بطور کلی هیچگونه تفسیری را به دنبال نداشته و اولیا روزنامه می کوشند در برابر حوادث خارجی موضع گیری بخصوصی نداشته باشند و اینچنین است که در زیر عنوان خبرها سعی می شود خبرها هرچه خلاصه تر و فشرده تر به اطلاع خوانندگان برسد. در ضمن اغلب خبرهای خارجی با تاریخ مخابره ی خبر همراه است. در ضمن در برخی شماره ها، نرخ مبادلات نیز براساس خبرهای که از این خبرگزاریها رسیده است چاپ شده است. * و چون روزنامه

* پس از بررسی خبرهای خارجی روزنامه "آذر"، ذکر این نکته نیز ضروری است که خبرهایی که در زیر عناوین مثلاً "بی سیم پاریس" یا "بی سیم مسکو" می آمده لزوماً این معنا را بدنبال نداشته است که فی المثل "بی سیم پاریس" تنها به نقل خبرهای فرانسه یا "بی سیم مسکو" فقط به حوادثی که در شمولی اتفاق می افتاده پرداخت، بلکه - اینگونه که از بررسی خبرها بر می آید - هر يك از این خبرگزاریها، اخبار دنیا را به شکلی که خبرنگاران آنها مخابره می کرده اند - و یا به عبارت دیگر از دیدگاه خود - بررسی و به سراسر جهان مخابره می نموده اند.

** برای اینکه موضوع روشنتر شود عیناً عنوان خبرها - و همچنین نرخ ارز - را به ترتیبی که در "آذر" شماره ۴ (پنج شنبه ۹

در هفته دو بار منتشر می شود ، اغلب ، تفاوت تاریخ انتشار روزنامه با تاریخ مخابره خبر بین يك تا دو روز است. و گفتن ندارد كه روزنامه ی "آذر" با امکاناتی كه داشته است و وضعیتی كه روزنامه های خبری آن روزگار دارا بوده اند ، در حقیقت "آذر" خبرهای رسیده را در كمترین زمان ممكن به آگاهی خوانندگانش می رسانده است.

حوت ۱۳۰۲ برابر ۲۸ فوریه ۱۹۲۴) ، در زیر ستون "بی سیم پاریس" مورخه سه شنبه ۲۶ فوریه ۱۹۲۴ آمده نقل می کنیم: اول عنوان، خبری است پیرامون "تخریب کارخانجات ایالات شمالی فرانسه" و سپس زیر عنوان "محاکمه ژنرالهای آلمانی" خبری از برلن بچاپ رسیده و پس از این خبر، خبری است تحت عنوان "ادامه حفريات توتانخ آمَن" - توتانخامن - از مصر، بعد خبری است از پاریس در مورد "نتیجه عملیات کمیسیون متخصصین" و آخرین خبر از فرانکفورت مخابره شده شده است و پیرامون "قرارداد آلمان و اسپانی" است. بعد از درج این اخبار، "آذر" در زیر عنوان "میزان مبادلات" نرخ خرید و فروش ارز را به این شکل چاپ زده است:

"میزان مبادلات"

فروش	خرید	
۴۶	۴۰-۴۵	برات لیره لندن تلگرافى
۴۶	۴۰-۴۵	" " " پستى
۴۶	۴۵	فرانك پاریس
۱۹۳	-	سهیل

اخبار داخله

اخبار داخله، در روزنامه "آذر" خبرهای مربوط به تهران و دیگر شهرستانها و حتی در بعضی شماره ها اخبار نقاط دور افتاده را شامل می شده است. روزنامه در این رهگذر، می کوشد نه تنها خبرهای مهم مملکتی - مثل خبرهایی در ارتباط با "انتخابات"، "بازار"، "ارگانهای اداری"، "الغاء" و بستن قراردادهای خارجی و داخلی و "اشاعه مرض" - را بلکه اخبار متنوعی که احتمالاً از لحاظ کیفیت از اهمیت کمتری برخوردار می باشند - مثل "تشریف يك ارضی به دین اسلام"، "ورود پیشکار مالیه بنادر" و . . . - به آگاهی خوانندگان خود برساند. روزنامه "آذر" در ارتباط با "اخبار داخله"، برای خبرهای مربوط به وزارتخانه ها و ارگانهای حکومتی، نیز اهمیت در خور توجهی قائل است و از همین جاست که در تمامی شماره ها اخبار ارگانهای دولتی در رأس خبرهای داخلی است.

"آذر" در شماره ششم خود پس از "اخبار داخله" زیر عنوان "مخبرین ولایات از قول مخبر روزنامه پیرامون "اوضاع امنیت" و "وضع اداره مالیه" مطالبی را عنوان می کند. همچنین، در شماره هفتم، پس از درج "اخبار داخلی" ستون تازه ای بنام "نهضت ولایات" - هر چند این ستون و ستون "مخبرین ولایات" هر کدام يك شماره بیشتر دوام نداشتند - می گشاید که در زیر ستون "نهضت ولایات"، خبرهایی را در ارتباط با خلع سلطنت احمد شاه و استقرار رژیم جمهوری، از کرمانشاه، خمین، ساری، عراق، خوی، سلماس، شیراز، اصفهان و مرافه بچاپ رسانده است.

مطالب دیگر

گذشته از "سرمقاله" و "اخبار"، روزنامه "آذر" در برخی شماره ها در ستونهای نیز - که بیشتر به آگهی شباहत دارند - به مسائل متفرقه مثل تذکر دادن به فلان^۱ نویسنده یا توضیحاتی - تحت عنوان "اخطار"^{۱۱} - در باب نویسندگان روزنامه و اینکه چگونه می توان مشترک روزنامه شد و یا تغییر منزل یکی از اشخاص^{۱۲} می پردازد و همچنین از شماره پنجم به بعد، در اغلب شماره ها "اعلاناتی" تحت عنوان "قابل توجه" آمده است که عموماً در آن "اعلانات" اشخاصی قصد این دارند که - به شخصیت های حقیقی یا حقوقی مثل وزارت فوائد عامه، دکتر میل سپو* و مجلس شورای ملی - بوسیله روزنامه "آذر"، شکایت خود را اعلام کنند. و روزنامه نیز

۱۰- روزنامه "آذر" شماره دوم سال یکم - پنج شنبه ۲ حوت ۱۳۰۲ برابر ۲۱ فوریه ۱۹۲۴ - : "تذکر" ! حضرت آقای دشتی شما هم از این نویسندگان دبی که دوستانه افکار ارباب قلم را می رزدند کناره جوئی و احتراز نمائید .

۱۱- روزنامه "آذر"، شماره ی دوم.

۱۲- روزنامه "آذر"، شماره پنجم - در باب "تغییر منزل" - :
حضرت مستطاب شریعتمدار مروج الاحکام ملازالا نام آقای نجم العلماء طباطبائی، از کوچه وزیر نظام به قنات آباد جنب سربازخانه محمدیه انتقال یافته . علی الحسینی .
* مستشار مالی آمریکائی در وزارت دارائی ایران .

در پایان این "اعلانات" طی یکی دو سطر مطلب، از شاکسی
جانبداری کرده و توجه مقام یا دستگاه مسئول را به مضمون آن شکایت
جلب کرده است. در این رهگذر، روزنامه بر اینکه این شکوائیه ها
می بایست نام حقیقی داشته اصراری ندارد کما اینکه پاره ای از این
اعلانات بی امضاء بوده یا امضای مشخصی ندارند.

بیژن بیجاری

خرداد ۱۳۵۹

آرزو

شناسنامه:

۱- اسم:

آرزو *

۲- محل انتشار:

تهران - خیابان لاله زار کوی ممتاز

۳- نوع کاغذ:

روزنامه ای زرد

۴- نوع چاپ:

۱- سربی ۲- سیاه و سفید

۵- قطع:

۴۸×۳۴/۵

۶- تعداد صفحات:

۲

۷- تصویر:

سیاه و سفید

۸- قیمت:

۱- تک شماره: ۱ ریال ۲- وجه اشتراک: یکساله ۲۰۰ ریال

۹- صاحب امتیاز، مدیر و سردبیر:

اسدالله میرسپاهی

۱۰- مدیر داخلی:

شکوه اقدس میرسپاهی

۱۱- زبان:

فارسی

۱۲- تاریخ اولین شماره موجود (۴۶):

(شماره مسلسل ۳۸۹) سال ششم:

۵ شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۲۷

۱۳- آخرین شماره:

۶۰ (شماره مسلسل ۴۰۳)

۱۴- تاریخ آخرین شماره:

یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۲۷

۱۵- فاصله انتشار:

روزانه

۱۶- نوع:

خبری، سیاسی

۱۷- تمایلات سیاسی و اجتماعی:

سلطنت طلب

۱۸- شعار سرلوحه :

صفحه آخر (صفحه دوم) پشتیبان دهگان

۱۹- محل دسترسی :

کتابخانه ملی

۲۰- موجودی :

۴۶ و ۵۱- ۵۴ و ۵۶ و ۵۷ و ۶۰

ملاحظات: * با روزنامه های "انسانیت" و "ایران نو" در يك
جلد صحافی شده

کلیات:

در صفحه اول بالای روزنامه طرف راست در يك مربع مستطیل نام صاحب امتیاز، مدیر و سردبیر و مدیر داخلی و نشانی روزنامه، در طرف چپ بالای صفحه تاریخ انتشار، دوره و شماره روزنامه و سلسل و مبلغ آبونمان سالانه نوشته شده و زیر آن توضیح داده است: "مقالاتیکه با ایمان و عقیده نوشته شود و با مرام ما بستگی دارد چاپ میشود". در صفحه دوم (صفحه آخر) گوشه سمت راست بالای صفحه سنبله گندمی از میان حروف نام روزنامه (آرزو) گذرانده و زیر آن "پشتیبان دهگان" "تك فروشی يك ريال" آمده است. اما در ۸ شماره موجود در کتابخانه ملی حتی يك کلمه هم در شماره "دهگان" یا "دهقان" مطلبی به تحریر در نیامده است.

در هیچکدام از شماره های موجود هدف روزنامه بروشنی بیان نگردیده است. بطور کلی از مطالب مندرج در روزنامه و در برخورد با مسائل روز چنین استنباط می شود که کوشش دست اندر کاران روزنامه بر این است که خوانندگان خود را به تأیید سلطنت و قوام بخشیدن بآن تشویق کنند. در کنار آن به بازگو کردن مسائل مملکتی در سطح احزاب و گروهها، مذاکرات مجلس، و بعضی

شخصیت ها می پردازد .

مسائل سیاسی داخلی

زمان انتشار روزنامه مصادف است با پایان عمر مجلس پانزدهم و نزدیک شدن انتخابات دوره آینده . بهمین دلیل مسائلی که در روزنامه مطرح می شود کم و بیش در ارتباط با همین مسئله می باشد . " مشروطه ایرانی " عنوان سرمقاله اولین شماره موجود است که مسائل گوناگون کشور در آن مطرح گردیده است . از جمله در مورد قانون اساسی اعتقاد روزنامه بر این است که از بدو مشروطیت تا کنون ، قانون اساسی اجرا نشده و در این باره می نویسد : " . . . علت عدم اجرا " قانون اساسی و تعطیل مشروطیت ، در بعضی از ادوار ، فقط و فقط جهل و بی اطلاعی مردم و ندانستن معنی مشروطیت و حکومت ملی بوده است . در این کشور بهرج و مرج و نافرمانی و حمله و فحاشی و خلافکاری و حزب بازی و اتحادیه سازی نام مشروطه داده اند " .^۱ بمنظور اثبات نظر خود بذکر چند شاهد پرداخته که برای نمونه یکی از آنها این چنین است : " . . . یکمده از همه جا گریخته نیز در هر جمیع میشوند ، لانه فساد ی بنام حزب توده تشکیل میدهند و بنام آزادی و مشروطیت تیشه بریشه آزادی و قانون و

۱- آرزو، سال ۶، شماره ۴۶ (شماره مسلسل ۳۸۹)، پنجشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۲۲. حزب توده ایران، در ۱۵ بهمن همین سال، یعنی چند روز پیش از نوشتن این مقاله، بدنبال تیراندازی به طرف پادشاه وقت در دانشگاه، از طرف دولت غیرقانونی اعلام شده بود.

استقلال و حق حاکمیت ملی میزنند ، آذربایجان را از کشور جدا میکنند ، مملکت را بخطر تجزیه میاندازند ، دستور قتل و غارت و اعتصاب های احمقانه بیجا صادر میکنند و نام این خلافکارها و وطن فروشها را آزادی نهاده و یکعده مردم بدبخت را آلت مقاصد شوم و پلید خود میکنند^۲ روزنامه معتقد است که برای کارهای اصلاحی در مملکت هیئت حاکمه باید جلوی آزادیها را بگیرد . و همینطور برای جلوگیری از عنان گسیختگی و هرج و مرج و نافرمانی باید آزادیهای اجتماعی را محدود کرد . بعبارت دیگر محدود کردن آزادیها توسط هیئت حاکمه را توجیه کرده می نویسد : " . . . بهمین مناسبت است که هرگاه مرد اصلاح طلبی تصمیم گرفت در اینکشور کاری انجام دهد ، خود را ناچار دید که از عنان گسیختگی و زیاده رویها جلوگیری کند و آزادی مردم را هرچه محدودتر سازد^۳

در برخورد با احزاب سیاسی فقط به حزب توده اشاره و موضع گیری شده و به چگونگی برخورد با احزاب و گروههای دیگر در روزنامه اشاره ای نگردیده است . حزب توده از طرف روزنامه به سو^۴ استفاده از آزادیها و خیانت متهم شده : " . . . شما ببینید که در این چند ساله که از شهربرار ماه میگذرد ، رهبران حزب توده از آزادی نامحدود چه سو^۵ استفاده ها که نکردند ، چه خونها که نریختند ، چه خیانتها که مرتکب نشدند ، بطور کلی اینها هستند که در لباس آزادیخواهس بزرگترین لطمه را با آزادی و مشروطیت و قانون اساسی در این کشور

۲- همان شماره

۳- همان شماره

زده اند و نمی گذارند مردم در سایه دموکراسی و مشروطیت بسرشود
سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهند . . . ۴

در مقاله ای تحت عنوان "اصلاح قانون انتخابات" نواقص
و ایراد های قانون موجود انتخابات را بر شمرده و بر این باور است که
نداشتن حق شرکت گروه های بسیاری از مردم در انتخابات، آن را از
شکل مردمی و دموکراتیک دور می کند . طبق این قانون انتخابات، زنان
که نیمی از مردم این کشورند، جوانان هیجده تا بیست سال، افراد
نظامی، اقلیتهای مذهبی، از شرکت در انتخابات محروم هستند
و شرط ششماه سکونت در حوزه انتخابیه عده زیادی را از شرکت در
انتخابات محروم می سازد . با علم باین موضوع چند تن از نمایندگان
مجلس پیشنهاد می کنند که بی سوادان هم حق انتخاب کردن نداشته
باشند . در این مورد روزنامه می نویسد : " . . . جای بسی شگفتی
است که در چنین صورتی، با چنین قانونی و اوضاعی که از پانزده
ملیون ایرانی، بیش از يك ملیون نفر در انتخابات شرکت نمیکنند،
رجالی چون جناب آقای دکتر مصدق السلطنه، جناب آقای
حکیم الملک، جناب آقای تقی زاده نیز جدا معتقد هستند که
بی سوادان باید از حق انتخاب کردن محروم شوند . . . " ۵

۴- آرزو، سال ۶، شماره ۴۶ (شماره مسلسل ۳۸۹)، پنجشنبه
۲۸ بهمن ۱۳۲۷

۵- آرزو، سال ۶، شماره ۵۷ (شماره مسلسل ۴۰۰)، چهارشنبه
۱۱ اسفند ۱۳۲۷

در پایان این مقاله - مانند اغلب مقاله ها - اشاره ای دارد به نقش شهریار جوان و دمکرات در پیشرفت و آرامش کشور: "... در هر حال آنچه مسلم است شهریار جوان و محبوب و دانشور و دمکرات کشور بیش از هرکس بفکر ملت و کشور هستند و یقین دارم که تحت توجهات این پادشاه جوان تمام آرزوهای ملت ایران رخت عمل بخود خواهد پوشید و مردم باید خود را برای هرگونه فداکاری حاضر کنند تا منوهای ملت پرورانه شهریار جوان هرچه زودتر و بهتر اجرا شود. ۶"

مطبوعات

روزنامه در رویا روی با مسئله آزادی مطبوعات شیوه آزادخواهان در دموکراتیک در پیش می گیرد. مطبوعات را رکن چهارم مشروطیت می خواند و از آن دفاع می کند. در رابطه با همین مسئله مقاله ای دارد با عنوان "ملت بمجلس پانزدهم هم امیدوار شد" که در حقیقت نقل بحث هایی است که در مجلس پیرامون لایحه مطبوعات صورت گرفته است. روزنامه معتقد است که مجلس با تصویب این لایحه بجای تحدید مطبوعات آزادی مطلق بمطبوعات داد. در ارتباط با جلسه مجلس شورای ملی می نویسد: "... اساسا از روز پنجشنبه ببعد نظر مردم نسبت بمجلس کاملاً عوض شده و همگی بآینده کشور خود امیدوار شده اند. میخواستند لایحه ای مخالف قانون اساسی از مجلس شورا بگذرانند. میخواستند رکن چهارم مشروطیت را زیر پا

نهاد و بگذرند . میخواستند حق آزادی فکر و عقیده را از مردم بگیرند، که مجلس تکان خورد و نقش مخالفین آزادی را برآب زد. فرامرز نویسنده شجاع و وکیل آزاده ملت، چون سربازی رشید آنقدر ایستادگی کرد تا کار خود را انجام داد، نمایندگان مجلس شورای ملی نیز با تصویب پیشنهاد او، نشان دادند که بسوگند و شرافت خود پای بند هستند ۷

مسائل سیاسی خارجی

بطور کلی در برخورد با مسائل خارجی می توان دو خط اصلی در آن مشاهده کرد . یکی مسائل مربوط به کشورهای کمونیستی (بلوک شرق) دیگری مسائل مربوط به کشورهای غرب (غیر کمونیستی) . با توجه باین مسئله حوادث کشورهای شوروی و آمریکا همواره موضوع مورد بحث نویسندگان روزنامه است. در سر مقاله شماره ۵۲ روزنامه تحت عنوان "اوضاع جهان رو بخامت می رود" اوضاع جهان را مورد بررسی قرار داده در قسمتهایی از این مقاله چنین آمده است: " . . . جنگ، جنگ با همه مصائب و مشقات جانکاهش، یکبار دیگر فرزندان دافدار انسان را تهدید میکند . . . همین دیشب رادیوسکو همه را از ارتش خود لاف میزد و ارتش سرخ را بهترین و نیرومندترین و منظم ترین ارتشهای جهان مینامید . از طرف دیگر "موریس تورز" رئیس حزب کمونیست فرانسه رسماً گفته است که اگر جنگی پیش آید و قوای نظامی شوروی برای بیرون کردن نیروهای مهاجم داخل خاک فرانسه بشوند شك نیست که در آن هنگام کارگران و زحمتکشان فرانسه ریه

۷- آرزو، سال ۶، شماره ۵۳ (شماره مسلسل ۳۹۶) شنبه ۷ اسفند

۱۳۲۷

کارگران یوگسلاوی و رمانی (رومانی) را پیش خواهند گرفت. . . بطور کلی
 موریس ترز (ترز) همانطور که رسم کمونیست هاست ملیت و استقلال
 کشور خود را از یاد برده و همه را بمنافع شهری میاندیشد. . . ۸

چنانکه دیده می شود کمونیستها را بدون ملیت و غیر مستقل
 و در خدمت شهری می داند. اما از طرفی آمریکا را در رأس کشورهای
 آزاد دنیا جای می دهد. ممالك غیر کمونیستی را کشورهای "آزاد"
 و ممالك کمونیستی (بلوک شرق) را کشورهای غیر آزاد خوانده مینویسد:
 " . . . از سوی دیگر دولت آمریکا تقاضای اعتبار بمیزان چند هزار
 ملیون دلار از کنگره خواهد کرد و با این مبلغ بکشورهای "آزاد"،
 یعنی کشورهایی که تحت سلطه کمونیست ها در نیامده اند بیش از
 پیش کمک خواهد کرد و مخصوصا يك ملیارد دلار بمنظور کمک نظامی
 باضا کنندگان پیمان آتلانتیک و مبلغ یکهزار ملیون دلار بمنظور تجهیز
 ارتش های یونان و ترکیه و کره و کشورهای آمریکای جنوبی و چیه
 بتصویب خواهد رسید. . . ۹

باین ترتیب مخالفت خود را با گسترش کمونیسم در جهان از
 يك سو و حمایت بهد ریخ خود از ایجاد پیمان آتلانتیک را از طرف دیگر
 نشان می دهد. روزنامه وخامت اوضاع جهان را نتیجه تجاوزات
 شورویها میداند. در این باره چنین می نویسد: " . . . و بطور کلی
 امضا پیمان آتلانتیک و ایجاد اتحادیه هایی در برابر اتحادیه شرقی

۸- آرزو، سال ۶، شماره ۵۲ (شماره مسلسل ۳۹۵) پنجشنبه

۵ اسفند ۱۳۲۲

۹- همان شماره

و تجاویزات خارج از حد شمولیهها و وضع عمومی جهان نشان میدهد که اوضاع جهان رو به وخامت می‌رود^{۱۰} همچنین معتقد است که دولت شمولی برخلاف کلیه عهود و مقررات بین المللی در امور داخلی ایران مداخله کرده است.

عنوان های دیگر

دوستون مشخص یکی "مهمترین اخبار" و دیگری "تفسیر خبرهای جهان"، "گوشه ای از زندگی ایزن هاور"، "دادگستران بیدادگر"، "سرانجام فلسطین و اتحادیه خاورمیانه" بقلم جمیل - قوزانلو، "دستگیری سارقین در زرگنده"، داستان دنباله داری با نام "عصا شکسته" نوشته اسدالله میرسپاهی (مدیر و سردبیر روزنامه)، چند آگهی دولتی عمده مطالب روزنامه را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این مطالب دیگری هم بچشم می‌خورد که اشاره بیک نمونه تحت عنوان "بشکرانه سلامتی شاهنشاه" بیفایده نخواهد بود: "روز سه شنبه گذشته آقای امیر سعادت مدیر مؤسسه جهانتور، که یکی از مؤسسات آبرومند و عام المنفعه کشور است، بشکرانه سلامتی شهریار جوان، دعوتی از کلیه رجال و معاریف و نامه نگاران بعمل آورده بودند. از مدعوین با نهایت احترام پذیرائی بعمل آمد و مجلس جشنی تا پاسی از شب گذشته ادامه داشت - تمام مدعوین با قیافه های خندان و با یک دنیا شادمانی وارد شده و در مراسم جشن شرکت میکردند، در آن محیط گرم و پر حرارت قلبهای مدعوین از مهر

شهریار جوان می‌پهید . همه خرم و شادمان بودند و آقای امیرسعادت با کمال مهر از مدعوین شاه دوست پذیرائی میکردند . این احساسات از هر حیث قابل تقدیر و مایه امیدواری است . امیدواریم از این قبیل مردان شاه دوست میهن پرست در کشور فراوان داشته باشیم . " ۱۱

ستون "تفسیر خبرهای جهان" در واقع خبر است نه تفسیر . برای نمونه میتوان خبری را زیر عنوان "رویه آمریکا نسبت به پیمان اتلانتیک تغییر نیافته" نقل کرد : "دیروز مستر اچسن وزیر امور خارجه آمریکا رویه دولت متبوع خود را نسبت به پیمان اتلانتیک تشریح نموده و گفت که تصمیم آمریکا در خصوص عقد پیمان اتلانتیک هیچگونه تغییری نیافته و باید دول آزادیخواه تصمیم مشترکی بر ضد هر گونه تعدی و تجاوز اتخاذ کنند . . . " ۱۲

و اما در ستون "مهمترین اخبار" بعنوان نمونه در صفحه اول شماره ۴۶ این عنوانها با تیتر بزرگ بچاپ رسیده است : فرمان انتخابات در هنگام خود صادر خواهد شد - آقای دکتر شادمان از شرکت در جلسات مذاکرات نفت خودداری کرده و استعفا دادند - یکنفر که اقدام بانتشار شب نامه کرده بود محکوم شد - نمایندگان دولت و شرکت نفت مشغول گفتگو هستند - يك مرد پنجاه ساله خود را بدار آویخته است - پرداخت حقوق کارمندان دولت - يك اقدام مفید شورای عالی ثبت - لایحه درخواست اعتبار جهت انتخابات

۱۱- آرزو، سال ۶، شماره ۴۶ (شماره مسلسل ۳۸۹) پنجشنبه

۲۸ بهمن ۱۳۲۷

۱۲- همان شماره

دوره شانزدهم. کلیه خبرها مربوط بایران است و برای هر کدام توضیح
مختصری داده است.

صادق پورحسن طنابچی

خرداد ۱۳۵۹

مجله آرشیتکت

شماره ۱۰۰

مجله آرشیتکت

شماره ۱۰۰

آرشیتکت (مجله)

شناسنامه:

۱- اسم:

آرشیفتکت (مجله) *

۲- محل انتشار:

تهران

۳- قطع:

۲۸×۲۰

۴- تعداد صفحات:

۴۰

۵- تصویر:

سیاه و سفید

۶- قیمت:

۱- تکشماره: ۳۰ ریال (با جلد مقوایی ۵ ریال به بهای هر

شماره افزوده می شود)

۲- وجه اشتراك: ششماهه ۱۸۰ ریال

۷- ناشر:

انجمن آرشیفتکتهای ایران

۸- صاحب امتیاز:

ایرج مشیری

همکاران :

- ۱- نویسندگان ثابت : ۱. مشیری ، منوچهر خورشند ،
وارطان ، عباس اژدری ، سراج الدین نوین ، ملک
ایرج غفاری ، فلامرضا خواجوی ، منوچهر بهمنیار ،
علی صادق ، اسماعیل مهندس ، ناصر بدیع ،
بوداخیان ، ح . اصغرزاده ، مهدی نراقی .

۱۰- تاریخ شماره اول :

مرداد ۱۳۲۵

۱۱- آخرین شماره :

۶

۱۲- تاریخ آخرین شماره :

تیر ۱۳۲۷

۱۳- فاصله انتشار :

فصلنامه

۱۴- نوع :

هنری ، فنی و تزیینی

۱۵- تمایلات :

طرفدار و اشاعه دهنده معماری مدرن

۱۶- وابستگی :

انجمن آرشیستهای ایرانی دیپلمه

۱۷- محل دسترسی :

کتابخانه ملی

۱۸- موجودی :

۱-۶ (از شماره ۲ تا ۵ هر کدام دو نسخه و از شماره

۱ يك نسخه)

ملاحظات:

* در زیر عنوان اصلی مجله کلمات "ابهتیه"، شهرسازی، بهداشت فنی، تزئینات نیز آمده است.

انجمن آرشیکت:

انجمن آرشیکت های ایرانی دیپلمه، در تاریخ دهم بهمن ماه هزار و سیصد و بیست و سه توسط کیقباد ظفر، محسن فروغی، علی صادق، منوچهر خورشید، وارطان هوانسیان، عباس اژدری، ناصر بدیع و ایرج مشیری که اعضای مؤسس انجمن بودند، تشکیل شد. بعداً آرشیکتکتهای دیپلمه، مقیم تهران به عضویت آن درآمدند و در تاریخ هفدهم بهمن ماه هزار و سیصد و بیست و سه اساسنامه، انجمن در مجمع عمومی طرح شده و به تصویب رسید. سپس ضمن انتخابات، کیقباد ظفر به سمت رئیس و علی صادق نایب رئیس و اژدری و خورشید به سمت منشی انجمن و ناصر بدیع خزانه دار و وارطان هوانسیان و ایرج مشیری به سمت نماینده، انتشارات و تبلیغات انتخاب گردیدند.

بعد در تاریخ هفده اردیبهشت ماه هزار و سیصد و بیست و پنج مجمع عمومی سالیانه^۱ انجمن جهت تجدید انتخابات هیئت رئیسه تشکیل شد و پس از خواندن گزارش کارهای سالیانه^۲ انجمن تغییراتی در هیئت مدیره ایجاد شد. همچنین اعضای فراوان جدیدی به انجمن اضافه شدند.

هدف و روش

مجله^۳ آرشیکتک مسایل مربوط به فنون معماری و شهرسازی را بررسی می کند و می خواهد آخرین پیشرفتهای این فنون را منعکس کند. انجمن آرشیکتکهای ایرانی که ناشر این مجله است در سرمقاله^۴ نخستین شماره خاطرنشان می کند که: "منظور عمده^۵ انجمن منبر این است که افتخارات صنعتی ایران را تجدید (کرده) و نقائص عارضه بر آنرا رفع نماید. مجله^۶ آرشیکتک منظوری جز عملی کردن مقاصد فوق ندارد و نشریه ای است کاملاً فنی و زوقی که اصلاً نمی تواند و نمی خواهد کوچکترین تماسی با عالم سیاست داشته باشد."

گردانندگان مجله^۷ آرشیکتک، معماران و شهرسازان جوان بوده اند که اغلب تحصیلات تخصصی خودشان را در کشورهای اروپایی گذرانده و خواسته اند آگاهیهای خود و رموز معماری و شهرسازی جدید را در دسترس مشتاقان و نیازمندان قرار دهند و اشتباهاتی را که در این زمینه در کشور رخ می داده، گوشزد کنند.

نویسندگان مجله^۸ آرشیکتک معتقدند، در گذشته اشتباههای زیادی در زمینه^۹ شهرسازی و معماری در ایران رخ داده و این

اشتباهات یا اصلاً مورد توجه قرار نگرفته و یا با وجود توجه امکان تذکر و گفتگو حاصل نشده است. و اکنون که این امکان گفتگو بوجود آمده است، کوشش می شود اشتباههای گذشته و کنونی را درک کرده و در تشریح و توضیح آن بکوشند. نویسندگان مجله سعی می کنند از بردن نام اشخاص بهره یزند مگر در مواردی که اشخاصی مرتکب خطاهای عمدی شده اند. انجمن آرشیستکها متذکر شده برای حفظ منافع عمومی و برحسب وظیفه اجتماعی خود در مواردی که سوء استفاده هایی را مشاهده می کنند، بدون جانب داری یا غرض ورزی اشتباهات را گوشزد کرده و از سببین آنها توضیح بخواهند، و معتقدند که اشخاص غیر مطلع باید از کارهای حسّاس عمران و آبادی کشور برکنار شده و جوانان دانشمند و فعال در حیطه تخصص خود بکارها گمارده شوند.

هرج و مرج ساختمانی را انجمن آرشیستکهای ایرانی عمده ترین عامل وحدت خود میدانند و معتقدند که باید تمام نیروهای پراکنده در یکجا جمع شوند و نابسامانیهای ساختمانی و بهداشتی شهرها را سامان ببخشند، و دوباره فن و هنر دیرین معماری ایران را احیا کنند.

مباحث مجله

نمونه هایی از مباحثی که در مجله آرشیستکت مورد بحث قرار گرفته است:

شهرسازی در عصر کنونی، مسجد شاه اصفهان، سألّه

تهیه مسکن در تهران و شهرستانها، مهمانخانه، آب گرم لاریجان، نقشه برداری و طرح اصلاحی شهر تهران، ساختمان شعبه بانك ملی اصفهان، تهویه مطبوع، پیدایش فكر تهیه ساختمان خانه های ارزان بها، تزیینات باغها، تاریخچه دانشکده هنرهای زیبا، معرفی آرشیوکتکها، آگهی ها و تزیینات بوسیله برق، برنامه ۷ ساله اصلاحات ساختمانی شهرها، تصویب نقشه ساختمان هزارخانه در تهران...

برای نشان دادن محتوای مطالب مجله دو نمونه آورده میشود، یکی مربوط به سایل ایران باستان و دیگری مربوط به آخرین سالی که این مجله منتشر می شده است:

داریوش هنگام احداث کاخ خویش در شوش کیفیت ساختمان آنرا ضمن کتیبه شرح داده است:

”من در شوش کاخی ساختم، تزیینات آنرا از جاهای دور آوردند. زمین را تا آنجا که به خاک سفت برسد کردند، پس از آنکه زمین کنده و شن بقدر کافی فرا آورده شد شالوده بنا در يك قسمت به بلندی چهل بازو و در قسمت دیگری به بلندی بیست بازو از شن انباشته گشت و بر روی این شن بنیاد کاخ نهاده شد. آنگاه در باب لوازم ساختمانی و مصالح کاخ می گوید:

”گود برداری زمین و انباشتن شن و قالب زدن خشت را مردم بابل انجام دادند. چوبهای سدر که در اینجا بکار رفتند از کوهستانهای لبنان آورده شده مردم آشور آنها را تا بابل و مردم بابل و کرسا و جزیره ایونی آنها را تا سرزمین شوش آوردند. چوب

بلوطی که در اینجا بکار رفته از کوهستانهای هندوکش و ارمنستان آورده شده است. طلایی که در اینجا بکار رفته از سارد و باختسر آورده شده و اینجا ساخته و پرداخته شده است. لاجورد بدخشان و سنگ ماری که در اینجا بکار رفته از سرزمین سفد آورده شده. سنگ آهن گرانبهائی که در اینجا بکار رفته از خوارزم آورده اند. نقره ای که در اینجا بکار رفته از کشور مصر آورده اند. تزیینات آجری نقش برجسته دیوارهای این کاخ از سرزمین ایونی آورده شده است. حاجی را که اینجا بکار رفته از حبشه و هندوستان و سرزمین رخج (استان قندهار فعلی در افغانستان) آورده اند. ستونهای مرمری که در اینجا بکار رفته در شهر آفرودیز پاس درست کرده اند و مردم ایونی و سارد آنها را تا شوش آورده اند. با بررسی این کتیبه و مشاهده آثاری که کم و بیش از کاخهای تخت جمشید و شوش بدست آمده نمونه هایی از صنایع اقوام تابع ایران که از سراسر ایران باستان برای احداث کاخ هخامنشیان آورده شده است، در دسترس هنرشناسان و پژوهشگران مسایل تاریخی و معماری باستانی قرار دارد.

در مجله آرشیتکت به تاریخ تیر ماه ۱۳۲۷ تأسیسات داخلی يك آشپزخانه از اینقرار است: کلیدهای برق، جایگاه تأسیسات الکتریکی برای یخچال و گرمخانه و غیره، پرده، محل کاردهای آشپزخانه، محل تهویه، ظرف شوئی، فرها، روشنائی مصنوعی غیر مستقیم روی میز کار، ایشقابهها، وسیله تخلیه خودکار فضولات آشپزخانه به خارج، فردیواری، فرش کف قابل شستشو ولی غیر قابل

لغزش ، چهارپایه ، اسباب اعلام خطر در موقع حریق ، دربها در
دو جهت باز می شوند . ۱

در شماره ششم مجله آرشیتکت نوخ مصالح ساختمان و اجرت
کارگر در آخر خرداد ماه ۱۳۲۷ ذکر شده و از نظر تطبیق نوخها
قابل ملاحظه است و عیناً نقل می شود .

نرخ مصالح ساختمانی معمولی و اجرت کارگر آخر خرداد ماه ۱۳۲۷

مصالح			
ریال	هزار	قالب	آجر قزاقی سفید
۷۵۰/-	"	"	" ابلق ۲۰/۲۰
۶۵۰/-	"	"	" ابلق فشاری
۴۵۰/-	"	"	" جوش دانه شمار
۵۰۰/-	"	"	" خطائی سفید
۲۸۰۰/-	"	"	" " ابلق
۱۸۰۰/-	"	"	" گچ معمولی
۹۵/-	"	"	" آهک
۱۰۰/-	"	"	" سیمان ایرانی (نوخ کارخانه)
۲۲۴۰/-	"	"	" " (نوخ بازار)
۳۰۰۰/-	"	"	" سیمان پورتلند سفید
۹۰۰۰/-	"	"	" سیمان الوان
۴۵-۳۵/-	کیلو		

۱- آرشیتکت ، سال ۱ ، ش ۶ ، تیر ۱۳۲۷ ، ص ۲۰۴

ریال	۲۸/-	متری	بیتوم مشمع قیراندود
"	۷۰/-	متر مکعب	شن و ماسه
"	۱۲۰/-	"	سنگ لاشه
"	۲۰۰/-	مترمربع	سنگ تلو بادبر
"	۳۰۰/-	"	" " تیشه
"	۳۰۰/-	"	سنگ بادبر بی بی شهربانو
"	۴۰۰/-	"	" " تیشه
"	۷۰۰/-	"	" " سیاه
"	۹۰/-	متر طول	سنگ رگه* زیر بنا
"	۵۰/-	"	سنگ پله ۲۴/۲۰
"	۶۰/-	مترمربع	کاشی سیمانی ساده
"	۱۲۰/-۱۰۰/-	"	" " موزائیک ایرانی
"	۸۰۰/-۷۵۰/-	خرواری	تبر و دستک
"	۱۶/۵۰	کیلوشی	تبر آهن جبر
"	۱۵/-	"	آهن گرد
"	۲۸/-	"	لوله سفید
"	۱۰/-	"	لوله سیاه
"	۳۳/-	"	آهن ورق سفید موجی
"	۱۱۰/-	مترمربع	شیشه پنجره با اجرت نصب

اجرت

کارگر	روزانه	۳۵/-	ریال
بنای معمولی	"	۱۰۰/-	"
بنای ظریف کار	"	۱۵۰/-	"
سر کارگر متخصص	"	۲۰۰/-	"
خریاکوب و آهن کوب	"	۱۲۰/-	"
آهنگر	"	۱۴۰-۸۰/-	"
نقاش ساختمانی	"	۱۲۰-۸۰/-	"
لوله کشی	"	۱۱۰-۷۰/-	"
دستمزد لوله کشی	متر طول کار	۴۵/-	"
نجار	روزانه	۱۲۰-۸۰/-	"
دستمزد نجار مترمربع درب و پنجره	"	۱۲۰	"
سیمکش	روزانه	۱۴۰/-	"
دستمزد سیمکش	هر شعله	۳۵/-	"
رنگ لعابی با مصالح و اجرت	مترمربع	۸-۵/-	"
رنگ روغنی	"	۷۰-۵۰/-	۲"

علی اکبر عطرفی

خرداد ۱۳۵۹

۲- آرشیتکت ش ۶، تیر ۱۳۲۷، ص ۲۴۰

آزادگان

شناسنامه

۱- اسم:

آزارگان

۲- محل انتشار:

تهران

۳- نوع کاغذ:

روزنامه ای زرد و سفید *

۴- نوع چاپ:

سربی، سیاه و سفید

۵- قطع:

۴۹×۳۵

۶- تعداد صفحات: **

۴

۷- تصویر:

سیاه و سفید، رنگی

۸- قیمت:

تک شماره: ده شاهی - يك ريال (از شماره ۱۷۲ به بعد)

وجه اشتراك: يكساله سيمد ريال

۹- صاحب امتياز:

عزت پور

۱۰- همکاران :

نویسنده ثابت : پارسا توپسرکانی (شاعر)

۱۱- زبان :

فارسی

۱۲- تاریخ شماره اول :

۱۵۱ (سال ۲۲) : ۱۵ فروردین ۱۳۲۷

۱۳- آخرین شماره :

۷۱ (سال ۲۳)

۱۴- تاریخ آخرین شماره :

۱۵ اسفند ۱۳۲۷

۱۵- فاصله انتشار: ***

"یومیه، عصرها" (از شماره ۹ خرداد ۱۳۲۷

صبحها منتشر می شود، پس از مدتی دوباره

عصرها منتشر گردید.

۱۶- وقفه ها :

از هشتم بهمن تا اول اسفند ۱۳۲۷ چاپ روزنامه

به خاطر دستگیری مدیر آن متوقف گردید.

۱۷- نوع :

سیاسی، خبری

۱۸- تمایلات سیاسی و اجتماعی :

اصلاح طلب، آزادیخواه، انتقادی،
مخالف دولتهای وقت (حکیمی - هژیر)
طرفدار جدی قوام السلطنه

۱۹- شعار سرلوحه :

خوشامرغی که دربند قفس نیست . به جز آزادگان دلشادکس نیست

۲۰- محل دسترسی :

کتابخانه ملی

۲۱- کمبود :

شماره های ۱۵۲-۱۶۶ ، ۱۶۸-۱۷۱ (نیمه اول سال
۱۳۲۷) ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۵۸ (نیمه دوم سال ۱۳۲۷)
و ۱۸ (۴) .

ملاحظات :

* از شماره ۱۷۳ (سال ۲۲ ، ۲۳ خرداد ۱۳۲۷) تا شماره
۳۹ (سال ۲۳ ، ۲۱ شهریور ۱۳۲۷) نوع کاغذ سفید
معمولی است.

** در اولین شماره در کتابخانه ملی از ۴ صفحه روزنامه دو
صفحه افتادگی دارد . همچنین از شماره ۶ (سال ۲۳)
تعداد صفحات روزنامه کاهش یافته است.

*** عیرغم عنوان "یومیه" از فاصله انتشار چنین پیدا است که
هفته ای دو شماره (یکشنبه ، چهارشنبه) منتشر می شد .

کلیات

روزنامه ایست سیاسی که بار خبری چندانی ندارد ، با این همه ستونهای از روزنامه اختصاص به چاپ اخبار داخل و خارج کشور- آنها بصورت فشرده - دارد . این روزنامه بیشتر سنگری است برای مبارزه سیاسی و طرفداری و یا احیانا مخالفت با اشخاص و یا جریان- های مشخص سیاسی . بهمین جهت صفحات روزنامه عرصه درگیریهـا و اختلاف سلیقه های مدیر و گردانندگان آن با نمایندگان مجلس و عوامل حکومتی بخصوص نخست وزیرانی چون حکیمی ، هژیر و ساعد مرافه ای است .

سابقه انتشار روزنامه نسبتا طولانی است ، در کتاب " تاریخ جراید و مجلات ایران " تالیف محمد صدرهاشمی ، عنوان روزنامه " نامه آزادگان " ذکر شده . همچنین در این کتاب در مورد گذشته روزنامه چنین آمده است : " نامه آزادگان در طهران به مدیریت و مؤسسی (عزت پور) تأسیس و در سال ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است . شماره اول نامه آزادگان در دو صفحه به قطع وزیری بزرگ در مطبعه سربی (باقرزاده) طبع و در تاریخ شنبه ۸ بهمن ۱۳۰۵ مطابق ۲۴ رجب ۱۳۴۵ و ۲۹ ژانویه ۱۹۲۷ به صاحب امتیازی

و مدیر مسئولی (عزت پور) و نگارندگی (میراحمدیان) منتشر شده است. محل اداره: طهران. خیابان چراغ برق - کوچه سراج الملك و عنوان تلگرافی: طهران نامه آزادگان معین گردیده. مقاله افتتاحی روزنامه بدین قسم شروع می گردد: "بنام خدا. آغاز سخن کرده گوئیم برارباب بصیرت پوشیده نیست، هرکسی از هر راه و بهر مقدار که بتواند باید به وطن و جامعه خود خدمت. . . شماره دوم روزنامه در تاریخ شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۰۵ و سرمقاله آن تحت عنوان (عقیده ما) نوشته شده. از شماره دهم قطع روزنامه بزرگتر شده شماره ۳۵ سال اول در تاریخ ۲ دی ماه ۱۳۰۶ انتشار یافته است. نامه آزادگان معمولا در چهار صفحه به قطع بزرگ و با چاپ سربی طبع و منتشر شده. نامه آزادگان در مطابع مختلف سربی طهران از قبیل مطبعه (برادران باقرزاده) و (مهر) چاپ شده و این شعر در دو طرف اسم روزنامه بعنوان شعار درج گردیده است: (خوشا مرغی که در بند قفس نیست - بجز آزادگان دلشاد کس نیست) محل اداره: طهران میدان سرچشمه دست چاپ وجه اشتراك روزنامه: داخله ۶۰، در معالك خارجه ۲۰ ریال. به خدام معارف تخفیف کلی داده می شود. تك شماره ۶ شاهی. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و روزهای شنبه منتشر می شده است. شماره ۸، سال دهم نامه آزادگان در چهار صفحه به قطع بزرگ و با چاپ سربی در تاریخ شنبه ۸ دی ماه ۱۳۱۴ مطابق ۲ شوال ۱۳۵۴ قمری منتشر شده. سرمقاله این شماره تحت عنوان (بوسه) و بقیه مقالات و مندرجات آن عبارت است از مقاله (فطریه) و (گلهای خوشبو) و (آیا میدانید که؟) و (اخبار جهان) و مقاله (بمناسبت عزاداری حضرت

مولای متقیان علی) و چند خبر داخله و (مسابقه نو مشتمل بر یک جدول) و چند اعلان. روزنامه نسیم شمال تجدید سال دهم نامه آزادگان را اینطور تبریک گفته است: "نامه نامی آزادگان که از جراید مصر هفتگی و آبرومند است و همه هفته با مطالب سودمند ادبی و اجتماعی و گراورهای از وقایع روزمره و اخبار مهمه هفتگی منتشر میشود در هفته های اخیر وارد دهمین مرحله عمر مطبوعاتی خود گردیده و بر مزایای همیشگی آن در این سال نو افزوده شده است ما این موفقیت بزرگ را بهم قلم دانشمند خود آقای عزت پور و کارکنان آن تبریک می گوئیم". شماره ۱۹، سال یازدهم نامه آزادگان در چهار صفحه با چاپ سربی در تاریخ چهارشنبه ۶ مرداد ۱۳۱۶ انتشار یافته و تاریخ انتشار آن در هفته روزهای چهارشنبه معین شده است. سرمقاله این شماره تحت عنوان (شخص عجیب) است. صفحه چهارم روزنامه مشتمل بر یک جدول و شرح حال (فاتح دریا یا جون سیب زمینی) است. اینها نمونه از مقالات جراید دوره دیکتاتوری رضاشاه است.^۱

این روزنامه همانند بسیاری از نشریات دیگر در فضای پس از شهریور ۱۳۲۰، به انتقاد از دیکتاتوری رضاشاهی پرداخته ولی با شاه یا دربار وقت نه تنها هیچگونه درگیری نداشته بلکه در بسیاری از ستونهای روزنامه از وی و اطرافیانش به نیکی یاد کرده. در مجموع بیشتر درگیری روزنامه با نمایندگان مجلس و دولتهای وقت بوده است.

۱- صدرهاشمی، محمد. تاریخ جرائد و مجلات ایران، ج ۴.

مدیر روزنامه تا حد زیادی با کسانی که به حوزه قدرت و حکومت نزدیک بودند — بخصوص از میان روزنامه نگاران — همواره درگیری داشته است. در این زمینه اختلافش با عباس مسعودی (مدیر روزنامه اطلاعات) به شدیدترین شکلی به صفحات روزنامه های طرفین کشیده شده. در یکی از شماره ها مدیر روزنامه آزادگان ضمن پاسخگویی به شکایت مدیر روزنامه اطلاعات علیه خود و حملات شدید به وی می نویسد: "اسرار پیدایش ثروت مسعودی ها مکتوم نماند و اگر دادگاههای ما به جای عرضحال مسعودی که معترض است چرا تقاضای تعقیب قاتلین ارباب کیهنخسرو و مسعود (منظور محمد مسعود) را نموده ایم به اعلام جرم های شش ساله جراید توجه و رسیدگی می کردند فصل روشنی در تاریخ قضائی ما باز میشد ولی چه باید کرد؟! بهرحال ما خود را برای مبارزه با بیدادگری آماده کرده ایم... خدا با ماست و روشنفکران کشور نیز همعنان ما هستند آیندگان فراموش نخواهند کرد که ما با دست تهی، با دزدی و سوء استفاده با نادرستی و دورویی با بیدادگری و استعماری مبارزه کردیم و ما را به دادگاه خواندند که چرا گفته ایم قاتل باید مجازات شود و سارق باید بسزا برسد".^۲ در ارتباط با این سلسله مقالات بود که مدیر روزنامه آزادگان دستگیر شد در مورد بازداشت وی همان وقت روزنامه اطلاعات نوشت: "آقای عزت پور مدیر روزنامه آزادگان بمناسبت فحش و تهمت هایی که در این چند روز اخیر زده... بر اثر شکایت اداره

۲- آزادگان، س ۲۲، ش ۱۵۱ (۱۵ فروردین ۱۳۲۷): ص ۱-۲

روزنامه اطلاعات تحت تعقیب قرار گرفته . . . و بالنتیجه . . . (به) سه ماه حبس و پرداخت پنج هزار ریال محکوم گردید . . . (این حبس غیرقابل ابتیاع است) ۳۰

توضیح اینکه روزنامه اطلاعات طرفدار نخست وزیر وقت (حکیمی) بوده و از سوی دیگر روزنامه آزادگان طرفدار جدی و سرسخت قوام - السلطنه بود . در این میان چون روابط حکیمی و قوام تیره بود و حکیمی برای تعقیب و محاکمه قوام مدارکی به کمیسیون دادگستری مجلس ارائه داد ، بهمین جهت این دو روزنامه هر یک به طرفداری از شخص مورد نظر خود ، طرف مقابل را مورد حمله قرار دادند . از این مقوله که بگذریم بطور کلی خط اصلی روزنامه - اصلاح طلب ، انتقاد از دولتهای وقت (حکیمی - هژیر) و همچنین دفاع از آزادیهای فردی و اجتماعی ، بخصوص در زمینه مطبوعات است .

سرمقاله ها ، تقریبا همیشه توسط مدیر روزنامه نوشته می شود و غالب اوقات در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی است . دریافت و چاپ آگهی روزنامه ، معمولا از دادگستری وثیت اسناد است . در چند شماره آخر ، از دو صفحه روزنامه یک صفحه کامل به چاپ آگهی اختصاص دارد .

مدیر روزنامه در آغاز بیست و سومین سالروز انتشار "آزادگان" تا حد زیادی هدف و روش روزنامه را توضیح داده است: "افتخار داریم، و خود را سعادتمند می‌دانیم از اینکه در بیست و دو سال پیش درست در روزی مثل امروز قلم در دست گرفته و مردانه وارد میدان شده ایم. . . . اکنون که به مبارکی و میمنت سال جدید و دوره بیست و سوم خود را آغاز می‌نمائیم نزد خود و در پیشگاه تاریخ شرمناک و منفعل نیستیم، شادیم از اینکه بیست و دو سال عمر نامه نگاری را با متانت و پاکی دامن سر برده ایم. هرکس و هر روزنامه‌ای حقا ملزم است در آغاز سال و شروع بکار مرام و روش خود را آشکارا بپایان و خویشتن را بمردم بشناساند. اما ما امروز به معرفی خود نیازی نداریم. . . . شاد و مسروریم از اینکه امروز پس از بیست و دو سال خدمت می‌بینیم حتی دشمنان سیاسی ما هم نمی‌توانند کوچکترین تهمت و ناروایی بما نسبت دهند یا خدای ناکرده وصله‌ای بچسبانند. آری هیچکس در پاکی و پاکدامنی آزادگان حرفی ندارد. . . . "، "۲۲ سال پیش نوشتیم، اکنون نیز تکرار می‌کنیم ما پیش از هر چیز ایرانی و مسلمانیم، ما به خدای یگانه اعتقاد داریم، ما یکنا پرستیم، ما همیشه خدا را بر آثار و گفتار و کردار خود ناظر می‌بینیم، ما وطن را از جان و دل دوست داریم. . . . آزادگان در هیچ دوره‌ای از ادوار گذشته فحاش و ناسزاگو و همچنین مداح و متعلق نبوده. . . . هرچه گفته ایم یا نوشته ایم فقط و فقط بخاطر ایران بوده و این هم چیزی نیست که بتوانیم از آن دست برداریم. . . . محبوب ما ایران و

معمشوق ما آزادی است. . . . ما هیچگاه جز خدا کسی را پرستش نکرده و نخواهیم کرد، ما با هریت و هر نوع شرک و بت پرستی مخالفیم. . . . پشتیبان ما خدا و نیروی ما خداپرستی است. این است سرعظیم موفقیت و اطمینان ما به پیروزی".^۴ همچنین مدیر روزنامه در بخشی از یکی از مقالات، مبارزه سیاسی خود را در ارتباط با انتشار روزنامه چنین بیان می کند: "یادآور می شوم که در حیات سیاسی خود، یازده مرتبه دچار زندان شده ام و علت آن مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و - جمهوری قلابی و مخالفت با دستگاه دیکتاتوری بوده و بیست و دو سال هم روزنامه آزادگان را منتشر کرده ام که اوراق آن شاهد است. همیشه با اصول بیدادگری مخالف و طرفدار آن مردم و عظمت کشور بوده ام".^۵

عنوان بعضی از سرمقاله ها و مقالات

"پریکلس یونان - قوام السلطنه ایران - پریکلس چه گفت؟
دوستان قوام السلطنه هم همان پیشنهاد را دارند"^۶، "عزل و نصب دولتها و سلاطین در شرق و حیات و مرگ آنها وابستگی به نفت دارد"^۷، "قدرت مجلس مافوق تمام قدرتهاست. . . همین آزادی

۴- آزادگان، س ۲۳، ش ۱ (۱۶ خرداد ۱۳۲۷): ص ۱ و ۴

۵- " " س ۲۲، ش ۳۲ (۶ شهریور ۱۳۲۷)

۶- " " س ۲۳، ش ۲۸ (۲۶ مرداد ۱۳۲۷): ص ۱

۷- " " " ش ۶۷ (۸ بهمن ۱۳۲۷): ص ۱

کوفتی هم مرهون و مدیون همین مشروطه نیم جانی است که داریم^{۸۰۰}،
 "تصویب بودجه یکساله کشور اولین و مهمترین وظیفه مجلس است، با
 الکی خوش بودن و در سایه برق سرنیزه و صدها مسلسل جشن مشروطه
 گرفتن!... که کار را پیش نمی برد"،^۹ "فرزند ملت - بمناسبت
 پنجاه و ششمین سال تولد مارشال تیتو"، "قوام السلطنه به ملت
 ایران پیام می فرستد"، "جریان محاکمه آقای خسرو روزه"، "هشتاد
 ورقه کبود در انتظار حکیم الملك"، "دیروز هم مجلس کاری صورت
 ندارد، مجلسیان چه می کنند؟ با این وضع کشور را به کجا سوق
 می دهند؟".

مطالب خبری

خبرهای داخلی غالباً بصورت فشرده و کوتاه تحت عنوان
 "در کشور" چاپ می شود که بیشتر اختصاص به چاپ خبرهای مجلس،
 مسافرت وزرا، و رؤسای ادارات به مناطق کشور دارد، اما گاه بصورت
 پراکنده به خبرهایی از شهرستانها و درج خواسته های افراد و
 سازمانها برخورد می کنیم از جمله: "تقاضای فوری کارگران کارخانه
 پشمباف اصفهان"^{۱۰} در زمینه دریافت شش ماه دستمزد و خطـر
 تعطیل شدن و اخراج کارگران. همچنین "شکایت و اعلام جرم علما

۸- آزادگان، س ۲۳، ش ۵۶ (۴ آبان ۱۳۲۷): ص ۱

۹- " " " ش ۲۳ (۱۷ مرداد ۱۳۲۷): ص ۱

۱۰- " " " ش ۴۶ (۸ مهر ۱۳۲۷)

و تجار و معارف سقز علیه آقای مدیر روزنامه کارزار" ۱۱ در ارتباط با اهانت مدیر روزنامه مزبور به خلیفه دوم. همچنین گاهی در زمینه "درج اخبار داخلی، بخشهایی از نامه ها و تلگرافهای مردم بخصوص اهالی تهران در مورد مسائل رفاهی که خطاب به مسئولین ارسال می داشتند در روزنامه چاپ می شود، از جمله در این زمینه نامه ایست تحت عنوان "فریاد و ناله اهالی اکبرآباد و سلسبیل تهران".

از خبرهای جالب و در عین حال تأثرانگیزی که در یکی از شماره های روزنامه آمده است "فارت يك گاری يخ" است: "دو روز است که تا ساعت ۶ بعد از ظهر يخ در شهر پیدا نمی شود. دیروز يك گاری يخ محتوی خرده يخ از خیابان قزوین عبور می کرد جمعیت زیادی بگاری هجوم آورده و خرده يخها را به فارت بردند". ۱۲

خبرهای کوتاه از کشورهای جهان بخصوص کشورهای ارضای شرقی و کشورهای عربی، بویژه سرزمین "فلسطين" تحت عنوان "در کشورهای بیگانه" يك ستون از روزنامه را در بر می گیرد.

عنوان بعضی از خبرها: "اعتصاب فرانسه هنوز ادامه دارد، مذاکرات با نمایندگان کارگران به نتیجه نرسیده است"، "پیروزی کمونیستها در منچوری"، "كمك دولت شوروی به پاکستان"، "دعوت از نویسندگان در انجمن یونسکو"، "نقشه فلاحتی پانزده ساله در اتحاد جماهیر شوروی"، "هیات نمایندگی هندوستان در سومین کنفرانس یونسکو"

۱۱- آزادگان، س ۲۳، ش ۴۸ (۱۲ مهر ۱۳۲۷): ص ۱

۱۲- " " ش ۲۵ (۲۰ مرداد ۱۳۲۷): ص ۱

در زمینه مسائل سیاسی داخلی روزنامه در برابر مجلس و حکومت برخوردی کاملاً اعتراض‌آمیز دارد و از میان شخصیت‌های سیاسی تنها برای قوام السلطنه اعتبار قائل است. همچنین از میان احزاب بیش از هر تشکیلات سیاسی دیگر به حزب توده توجه و عنایت نشان می‌دهد.

در مورد مجلس و نمایندگان آن، ضمن انتقاد شدید از آنها به عملکرد و طرح‌های پیشنهادی نمایندگان مخالفت می‌ورزد و مینویسد: "جمعی از وکلای صد درصد ملی و آزادیخواه دوره پانزدهم برای قانون اساسی خوابهای تازه ای دیده اند." ۱۳ در کنار این عنوان، به مقاله دیگری در همین شماره برمیخوریم با عنوان "مشروطه ما روز بروز تکمیل می‌گردد!" باز هم قانون اساسی را تفسیر می‌کنند! تفسیر است یا تغییر؟ ۱۴.

از جمله درگیریهای مهم روزنامه با نمایندگان مجلس در زمان نخست‌وزیری هژیر است که مجلس وضع آشفته ای داشته. در انتقاد از این وضع در یکی از سرمقاله‌های روزنامه آمده است: "می‌گویند دیروز جمعی از وکلای نازک نارنجی، چون برای بدرقه اعلیحضرت شاه صبح زود از خواب برخاسته بودند اظهار خستگی کردند. رئیس‌هی طرف و بی‌نظر مجلس هم عذر آنها را پذیرفت و بهمین علت جلسه تشکیل

۱۳- آزادگان، س ۲۳، ش ۲ (۱۸ خرداد ۱۳۲۷)

۱۴- " " ش ۹ (۱۴ تیر ۱۳۲۷)

نشد . . . این نازك نارنجیها با این عمل مچ خود را هم باز کردند . معلوم شد چهار بعد از نصف شب ، بیدار شدن برای آنها تازگی داشته . . . و به عمرشان باین زودی از خواب برنخاسته اند . . . این آقاها که از هول حلیم توی دیگ افتاده و بی آنکه به قبح این عذر و اعتراف صریح پی ببرند به منظر اینکه بهر قیمتی شده نباید جلسه تشکیل گردد ، مبادا گزارش کمیون عرایض راجع به آقای قوام السلطنه خوانده شود ، از بی خوابی و صبح زود بیدار شدن نالیدند " ۱۵ همچنین در مقاله دیگری تحت عنوان " فرع زائد بر اصل " ضمن حملات شدید خود به مجلس و وکلای آن : " فاتحه مشروطیت " را خوانده می داند و می نویسد :

" در حالیکه از مشروطیت و آزادی خبری نیست دستمرا انعقاد جشن مشروطیت صادر شد . اگر بجای این زرق و برق و تظاهر در تحکیم بنیان مشروطیت بکوشیم بهتر است . چند روز دیگر یکمده وکیل بی موکل و یکمده موکل بی وکیل در هم جمع می شوند و جشن مشروطیت !! را بهم تبریک می گویند . . . آخر کدام مشروطیت و کدام آزادی است که مردم نشانه ای از آن نمی بینند . مگر با گفتن حلاوا دهن شیرین می شود و با اجتماع چند تن مرده خمر و ولگرد می توان مشروطیت و آزادی بوجود آورد ؟ مشروطیت ایران ، از ماه آخر ۱۲۹۹ بنیانش سست گردید و از وقتی وکیل بزور سرنیزه از صندوق بیرون آمد و وزیر دستمال در دست گرفت و کفش پاك كن شد و روزنامه نهیس

را به تازیانه بستند و ناطق را گلوله باران کردند کارش تمام شد و این تذکری که هر ساله در ماه مرداد می دهند بمنزله مجلس ختم و فاتحه مشروطیت است". ۱۶ در موضع گیری و مخالفت روزنامه در برابر حکومت، باید گفت که این دوره مصادف است با زمامداری حکیمی و هژیر و ساعد مراغه ای. در مورد دولت حکیم الملک می نویسد: "امروز یا فردا، حکیم الملک خواهد رفت. ما همان روزی که این پیرمرد ساده و خوش باهر را، با آن طرز مضحک روی کار آوردند نوشتیم از این آقا و این دولتی که با این وضع تشکیل می گردد کاری ساخته نیست، بلکه هر روز مشکلی بر مشکلات ما خواهد افزود. ما می دانستیم کسانی که مصدق السلطنه را گذاشتند و دامن حکیم الملک را دو دستی چسبیدند چه نقشه هایی دارند، و چه خواب هایی برای این مردم بدبخت دیده اند. آنها خوب می دانستند که مصدق السلطنه آلت بشو نیست، اراده دارد، ... حکیم الملک آمد و قریب شش ماه با مقدرات این کشور بازی کرد اگر برای مردم کاری نکرد، نتوانست یا نخواست گرهی از مشکلات کشور بگشاید، در عوض برای ارتجاع خدمتگزار لایقی بود ... امنیت از محیط کشور رخت بر بست هر که را خواستند به بدترین وضعی کشتند، خانه ها را غارت کردند، دزد های مسلح در جاده ها مردم را لخت کردند، هر که را میل کردند حبس و یا آواره نمودند. مطبوعات را تهدید و تحدید کردند ... در عین حال می ترسیم از اینکه باز ارتجاع به جای این

پیرمرد علیل، یکی از آن پاچه ورمالیده های پاردم سائیده و مورد اعتماد و اطمینانش را بمیدان بفرستند. ارتجاع از این نوع نوکبران وفادار و حاضر خدمت بسیار دارد." ۱۷ در جایی دیگر در مخالفت با حکیمی آمده است: "در لایحه تاسیس سنا، دولت آقای حکیم‌الملک برای سناتورها قید و شرط داشتن سواد فارسی را حذف نموده و لازم ندانسته‌اند. از همین جا باید پی برد که می‌خواهند چسبه حامل‌های نفهمی را بجای سناتور بعردم ایران تحمیل نمایند." ۱۸

سرانجام پس از سقوط دولت حکیمی، عبدالحسین هژیر به مقام نخست‌وزیری رسید. در زمان وی بود که لایحه محدود کردن مطبوعات به مجلس داده شد و باعث درگیری بعضی از روزنامه نگاران با شخص وی گردید تا جایی که برای مبارزه با وی "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری" به ابتکار مدیر روزنامه آزادگان تشکیل گردید. روزنامه آزادگان درباره دولت هژیر می‌نویسد: "حکومت ایران رسواترین حکومت‌ها و ملت خواب‌آلوده ایران مسخره‌ترین ملت‌هاست شما فهرست اسامی هیأت حاکمه ایران را در قرون اخیر از نظر بگذرانید، ببینید جز چند نفر بقیه يك مشت فاسد الاخلاق و تریاکی و میخواره و جلاد و میرفضب بوده‌اند و با نهایت بی‌پروائی هر غلطی که خواسته‌اند کرده‌اند." ۱۹ سرانجام اوضاع آشفته مملکت و عدم

۱۷- آزادگان، س ۲۲، ش ۱۷۳ (۱۲ خرداد ۱۳۲۷): ص ۱ و ۴

۱۸- " " ش ۱۶۷ (۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۷): ص ۱

۱۹- " " ش ۲۸ (۲۶ مرداد ۱۳۲۷): ص ۱

مسئولیت نمایندگان مجلس، منجر به سقوط کابینه هژیر گردید و بدنبال آن ساعد مراغه ای مأمور تشکیل دولت شد. آزادگان درباره ساعد خطاب به مجلس می نویسد: "دولت ساعد رفتنی، و در حال احتضار است بسراغ کسی بروید که بشود گفت مرد، و مرد کار است" ۲۰ همچنین در بخشی از سرمقاله شماره ۶۰ در ارتباط با روی کار آمدن ساعد آمده است: "برنامه ای را که آقای ساعد به مجلس تقدیم کرده اند مثل برنامه دولت های گذشته خوب است. مگر برنامه هژیر چه عیبی داشت؟ هژیر هم همین مطالبی را که برای آقای ساعد نوشته اند، نوشته بود، صحبت بر سر عمل است، بر سر اشخاص و سوابق آنهاست... من از کابینه ساعد مایوسم و اطمینان دارم از اینکه دولت (هم) کاری ساخته نیست... ۲۱"

میتوان گفت قوام السلطنه تنها رجل سیاسی است که مورد تأیید و حمایت شدید گردانندگان روزنامه است، مخصوصاً مدیر روزنامه در برابر شخصیت سیاسی قوام آن چنان دچار شیفتگی است که وی را با عنوان "پریکلس ایران" تنها ناجی اوضاع آشفته مملکت می داند، تقریباً در این دوره از انتشار روزنامه، در هر شماره مقاله ای و مطلبی در تأیید و حمایت از وی چاپ می کند. گردانندگان روزنامه در ارتباط با اوضاع نابسامان کشور - ضمن بر شمردن راه حلهای قوام برای پایان دادن به این وضع، غیر مستقیم برای به حکومت رسیدن وی

۲۰- آزادگان، س ۲۳، ش ۶۲ (۱۶ آذر ۱۳۲۷): ص ۱

۲۱- " " " ش ۶۰ (۳ آذر ۱۳۲۷): ص ۱

تبلیغ می کنند . " قوام السلطنه می گوید باید هزینه سرسام آور زندگی هرچه زودتر تنزل نماید ، باید به مطبوعات آزادی کامل داد ، باید متفقین دین خودشان را به ما اداء نمایند ، باید مردم از روئی و صد دستگی دست بردارند ، احترام مقام شامخ سلطنت و حفظ قانون اساسی وظیفه هر ایرانی وطن دوستی است " . ۲۲

دفاع از قوام برای گردانندگان روزنامه چون يك وظیفه مقدس است ، به محض اینکه روزنامه ای بر علیه قوام مطلبی انتشار می داد روزنامه آزادگان خود را موظف می دانست جواب آن را بدهد به نمونه ای در این زمینه با عنوان " تکذیب " توجه می کنیم :

" در روزنامه های ایران ما و میهن خبری منتشر شده به سود مبنی بر اینکه بین آقای قوام السلطنه و آقای سیدضیاءالدین طباطبائی عقد اتحادی بسته شده و با هم همکاری خواهند کرد ، این خبر به کلی عاری از حقیقت و دروغ محض است و بدینوسیله تکذیب می شود " . ۲۳

(لازم به یادآوری است که در این دوره " حزب دمکرات ایران " به سرکردگی قوام ، و حزب اراده ملی به قیادت سیدضیاءالدین طباطبائی با هم رقابت های سخت سیاسی داشتند ، بخصوص " حزب دمکرات ایران " که فراکسیونی هم در مجلس شورا داشت ، ظاهراً این تکذیب نامه در ارتباط با این قبیل رقابت ها آمده است .)

۲۲- آزادگان ، س ۲۲ ، ش ۱۷۲ (۹ خرداد ۱۳۲۷) : ص ۱

۲۳- " س ۲۳ ، ش ۱۹ (۲ مرداد ۱۳۲۷) : ص ۱

در مقاله دیگری در حمایت از قوام السلطنه، در جواب به حملات احمد دهقان وکیل مجلس که بنام دفاع از آذربایجان، علیه قوام اعلام جرم کرده بود، این روزنامه — با چاپ دستخط شاه مبنی بر تشکر از قوام در جریان آذربایجان — ضمن حمله شدید به نویسنده آن به پاسخگویی برمی خیزد و از قوام چنین یاد می کند: "غائله آذربایجان و تمرکز قشون بیگانه در آن سامان و تیرگی روابط ایران و شهوری و افشاش و ناامنی در اغلب نقاط این کشور افسانه و رویا نبوده و مردم ایران و جهان شاهد آنند که یا دیده و یا شنیده اند و مشکل گشای این کار هم قوام السلطنه بود. مطبوعات و خبرگزاریها و رادیوهای جهان شاهد این مدعا هستند و از همه مهمتر دستخط شاهانه است که بنام يك خدمتگذار واقعی کشور صادر شد و قوام السلطنه هم بهترین یادگار و خاطره این خدمت بزرگ را همین دستخط می شمارد و گواه این عاشق صادق در آستین او و زینت بخش جراید است. امروز نام آذربایجان را هر کس بیاورد نام قوام السلطنه را هم توأم با آن خواهد گفت. ۲۴.۳.۲۴"

در برخورد با شاه و دربار روزنامه جانب احترام و تحسین را میگیرد. اصولاً جو حاکم در آن روزگار، قدرت زیادی به شاه و اطرافیانش نمی داد، مخصوصاً شخص شاه که چندان کاره ای هم نبود. گردانندگان روزنامه به جز موارد معینی از قبیل سفر و بازگشت اعیان و انتصاب و... از شاه و دربار چیزی نمی گفتند، البته وقتی هم که

می نوشتند ، بقول معروف سنگ تمام می گذاشتند . در بخشی از سرمقاله ش ۴۰ (۲۴ شهریور ۱۳۲۷) آزادگان آمده است : " شاهی که شاه و محبوب مردم است از کسی راضی است که خلق از او راضی باشند ، شاهی که رعایای خود را چون فرزند دلبند دوست دارد و بعهده و قبول پابند است و به حفظ قانون اساسی در برابر دنیا و مجلس شورای ملی قسم خورده ... " همچنین در شماره ۶۸ (اول اسفند ۱۳۲۷) ضمن چاپ عکس بزرگی از شاه از اینکه در روز ۱۵ بهمن به وی سوء قصد شده اظهار تأسف کرده و می نویسد : " ... امروز به جای اظهار تالم و تأسف ، جا دارد و بسیار هم به جاست که بمناسبت بهبود کامل حال شاهنشاه معظم و از اینکه سلامت و به میمنت توانسته اند شروع به کار کنند شادی کنیم ... "

در این دوره حزب توده قوی ترین حزب بود و تا قبل از پانزدهم بهمن ۱۳۲۷ و تیراندازی به شاه فعالیت علنی داشت . از سوی دیگر روزنامه های زیادی را با عنوانهای گوناگون برد و ش می کشید ، بهمین جهت همواره مورد موافقت با مخالفت روزنامه ها و صاحبان جراید قرار می گرفت . روزنامه آزادگان در جبهه ضد دیکتاتوری و ضد استعماری از سیاست حزب توده و روزنامه های آن به جز یکی دو مورد تقریباً همیشه حمایت می کند و همواره روزنامه " مردم " ارگان حزب توده را در ردیف جرائد ملی و آزادیخواه می داند و هرچند گاه مقالاتی از این روزنامه نقل می کند . همچنین مدیر روزنامه در آغاز هشتمین سال تأسیس حزب توده ، خطاب به کمیته مرکزی حزب چنین می نویسد : " آغاز هشتمین سال تأسیس حزب مبارز توده ایران را

بمردم ستم‌دیده ایران تبریک گفته و توفیق حزب نیرومند توده ایران را در خدمت به آزادی و استقلال ایران از خدای محمد (ص) خواستارم". ۲۵ در زمینه تشکیل "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری" که مبتکرش روزنامه آزادگان بود در نخستین جلسه آن از قول دکتر فریدون کشاورز (عضو کمیته مرکزی حزب توده) آمده است: "مژده دادند که مطبوعات حزب توده محال است تا این مبارزه را مظفرانه بپایان نرسانند از پای نشینند...". ۲۶ تنها موردی که گردانندگان روزنامه در برابر حزب توده و مطبوعات آن جبهه‌گیری کردند مقاله ایست تحت عنوان "ما و مطبوعات حزب توده".

در این مقاله آمده است: "در هنگامی که از چهار جهت به پیکر آزادی و آزادخواهان دشنه خونخوار ارتجاع فرو می‌رود و در موقعی که طرفداران آزادی و دمکراسی باید اختلاف جزئی را برای یک منظور کلی و مقدس کنار بگذارند، مطبوعات حزب توده با ایراد — های بنی اسرائیلی در صفوف آزادی خواهان تفرقه ایجاد می‌کنند". ۲۷ ظاهراً علل این برخورد را باید در موضع‌گیریهای سیاسی طرفین در برابر قوام السلطنه و حزب دموکرات جستجو کرد. از جمله مطبوعات حزب توده از نفوذ جراید طرفدار قوام و "حزب دمکرات ایران" در مجلس خشنود نبودند بهمین جهت آزادگان

۲۵ — آزادگان، س ۲۳، ش ۴۸ (۱۲ مهر ۱۳۲۷): ص ۱

۲۶ — " " ش ۳۰ (۳ شهریور ۱۳۲۷): ص ۱

۲۷ — " " ش ۳۲ (۶ شهریور ۱۳۲۷):

در جواب ایراد های روزنامه " رزم " یکی از روزنامه های حزب توده می نویسد : " ما مکرر نوشته ایم که عضو حزب دمکرات ایران نیستیم ". ۲۸ از این مورد که بگذریم رابطه آزادگان با حزب توده کاملاً حسنه بوده و همواره سیاست های حزب مزبور مورد توجه گردانندگان روزنامه بوده است.

مسائل اجتماعی و فرهنگی

برخورد روزنامه نسبت به اوضاع نابسامان و آشفته مملکت در زمینه کمبود ارزاق عمومی ، عدم عدالت در دادگستری ، نبودن بهداشت و دارو، توقیف ها و تبعیدها ، عدم امنیت اجتماعی و دهها مورد دیگر برخوردی کاملاً انتقادی و جدی است. در بخشی از سرمقاله شماره ۲۵ ، معضلات اجتماعی را چنین بیان می کند :

" از کجا شروع کنم ، درد یکی دو تا نیست ، کشته از بس که فزون است کفن نتوان کرد ، از یخ شهر ، از برق ، از عدالت و دادگستری ، از توقیف بی در پی روزنامه ها ، از تبعیدیه های بندرعباس ، از وضع دلخراش مردم خوزستان و عملیات استاندار مطلق العنان استان ششم ، از شایعه تجدید امتیاز بانک شاهسی ، از قتل فلان جوان بدست فلان دژبان بوالهوس ، از اختناق مطبوعات و احتکار کاغذها ، از تجار محترک ، از خرپولهای از خدا بی خبر ، از بی آبی شهر ، از گرانی قماش و چلوار ، از لخت و عور بودن

دهاتیها، از قحط و غلای ولایات، از حادثه قزوین و یا اعتصاب اردبیل و از صدها درد بی درمان دیگر از کدام يك صحبت كنم، مردم از جان سیر و از زندگی به تنگ آمده اند. دولت با تمام دستگاه عریض و طویل و قدرتی که دارد معلوم نیست چرا يك قدم مفید و مؤثری برای ارزانی نرخها و راحت مردم بر نمی دارد. . . . ۲۹

در دفاع از آزادیهای سیاسی - اجتماعی از اینکه حکومت حقوق اساسی مردم ایران را در رابطه با آزادی عقیده و فکر و تشکیل انجمن های ولایتی و همچنین انتخاب نمایندگان مجلس نادیده گرفته، به شدت انتقاد کرده و در سلسله مقالاتی تحت عنوان "ایران تهران نیست" - در بخشی از قسمت سوم این بحث - در زمینه دفاع آزادیهای سیاسی می نویسد: "دولت مرکزی، وکیل سفارشی و مجلس قلابی درست می کند و مجلس قلابی هم دولت حامی منافع شخص خود را به قالب می زند و ملت ایران هم سماع می مكد و در حال انتظار است اما انتظار چه روزی را می کشد؟! خودش هم بی خبر است. . . . در قانون اساسی ایران بخود مردم اختیاراتی داده شده که در تعیین سرنوشت خود سهم و شریك باشند، و با اینکه طبعا و حقا می بایستی حقوق مردم در ظرف ۴۲ سال که از عمر مشروطیت می گذرد و سطح افکار بالا رفته است بیشتر شود و توسعه یابد در این مدت بتدریج حقوق ملی ما از ملت سلب گردیده و اگر هم اسما برای ملت ایران حق قائل باشند رسما و علنا حق قائل نیستند، حقوق اولیه که آزادی

عقیده و فکر باشد تقریباً افسانه شده است و کرارا صاحبان افکار و عقیده بخصوص حتی در بعضی موارد بدون آنکه اثری بافکارشان مرتب شود تسلیم سیاه چالهای زندان و چوبه دار و گلوله شده اند

حکومت مرکزی بعض اختیاراتی را که قانون اساسی به ملت ایران تفویض کرد از مردم سلب نموده و قسمتی را از قبیل تشکیل انجمن های ولایتی مسکوت گذاشته و قسمتی را از قبیل انتخاب نماینده پارلمان خود در دست گرفته و قسمتی را مانند انتخاب اعضا انجمن شهر ——— باراده و انتخاب دولت واگذار کرده است". ۳۰ در برخورد با مبانی مذهبی ضمن یادآوری وظایف مسلمانان ، غالباً به ستایش از آن می پردازد . در تولد حضرت محمد (ص) مقاله ای دارد تحت عنوان "در ۱۳۷۹ سال پیش ، ۲۷ رجب" ، در بخشی از آن آمده است:

" . . . به فاصله سه سال از بعثت ، حضرت مامور گردید که قریش را رسماً و علناً به اسلام دعوت نماید ، هرچند قبول نبوت حضرت در آغاز امر ، بروسای قریش خیلی گران بود ، و بهمین نظر به مخالفت با حضرت و استهزاء مسلمین می پرداختند و به انواع مختلف علیه آن جناب قیام نمودند ، اما حضرت از دعوت و هدایت ایشان دست برنداشت . . . به لذات دنیا و ثروت بی اعتناء و در عقیده دعوتش پایدار است ، هر بدی و نامالایمی که می بیند تحمل می کند

هنگامی که بر اثر شدت معاندت دشمنان جناب پیغمبر تا حدی در معرض خطر بود تمام دوستان و یاران رسول خدا هم از این باب

نگران و متوحش بودند ، د و نفر از بزرگان و مشاهیر رؤسای عرب حمزه و عمر بن خطاب به اسلام گرویدند . این د و نفر از متنفذین و مردمی با عزم و اراده بشمار می رفتند عداوتشان مضر و موثر بود و دوستی شان هم موجب تقویت کار اسلام گردید . ۳۱

در برخورد با روحانیت ضمن رعایت احترام به شعایر دینی در بعضی موارد نسبت به بعضی شخصیت‌های سیاسی - مذهبی انتقاداتی بعمل می آورد . از جمله در سرمقاله‌ای تحت عنوان " اصول را حفظ و رعایت کنید " به انتقاد از وضع آشفته جامعه و دخالت‌های بی جای افراد ، پرداخته و می نویسد : " امور مذهبی را باید از امور سیاسی جدا ساخت و راستش را بخواهید حساب گروهی متظاهر بدیانت را هم باید از هر دو جدا دانست ، از روزی که گروهی از روحانیون تحقیقات و تبلیغات در حقایق عالیه اسلام را به مشاجرات در عزل و نصب عمرو و زید و منازعات در باره اموری که در حدود صلاحیت آنها نبود تبدیل کردند ، مقام روحانیت متزلزل و در انظار جلوه قدسی و معنویت خود را از دست داد یا اقلاً کوچک نمود . . . من به بی طمعی آقای سید ابوالقاسم

کاشانی اطمینان دارم ولی ایشان را مرد ساده و زود بهاموری
 می دانم و متأسفم از اینکه این شخصیت روحانی چرا در امور
 پافشاری و لجاج می کند که مسئولش دیگرانند و نتیجه اش را هم
 دیگران می برد روزی که قوام السلطنه ، داوطلب بازگرداندن
 بحرین بایران شد و موضوع تجدید نظر در امتیاز نفت جنوب را
 پیش کشید و خواست بساط بانک انگلیس را در ایران برچیند آقای
 کاشانی مخالفت آغاز کرد و امروز هم که هژیر وعده داده است این
 مطالب را دنبال کند آقای کاشانی ، همان مخالفت ها را از سر
 گرفته است عزل و نصب ایشان (هژیر) و هر نخست وزیری
 وابسته برآی مجلس و امیر پادشاه است ما معجبیم که آقای
 کاشانی با کدام صلاحیت و کدام قوه قانونی می خواهند نخست وزیری
 را که با رأی مجلس و فرمان شاه منصوب شده عزل کند برای
 آقای کاشانی چه فرق خواهد کرد که هژیر نخست وزیر باشد یا
 سهیلی و ساعد ، و کسانی دیگر از این قماش که نامشان برای
 نخست وزیری برده می شود . ۳۲

روزنامه "گزارش هیات عامل بانک ملی ایران به نوزدهمین مجمع عمومی
سالیان"ه راجع به ترازنامه سال ۱۳۲۶ مشکلات و پیشرفتهای اقتصادی
کشور را طی آمارهای بدست آمده نشان می دهد .

در زمینه طرح مسائل صنعتی در یکی از شماره ها مقاله ای
آمده است تحت عنوان "سیاست و صنعت" به قلم حمید مطهری ،
در بخشی از این مقاله در مورد تمرکز صنایع و نقش آن چنین می نویسد:
" اصولا تمرکز و تجمع در امور صنعتی نقش بسیار مهمی را بازی می کند ،
کارتلها و تروستهای صنعتی در کلیه معالک به منظور رسیدن به همین
نتیجه بوده و می باشد بطوری که امروزه علاوه بر اینکه امور کلیه
کارخانجات و مؤسسات صنعتی دولتی در تحت اداره يك سازمان قرار
گرفته اکثر از کارخانجات و مؤسسات صنعتی دولتی در تحت اداره
يك سازمان قرار گرفته ، اکثر از کارخانجات ملی نیز جهت توسعه
صنایع و پیشرفت امور خود با یکدیگر متحد شده و امر اداره خود را به
مدیر گردانی می سپارند تا از کارشکنی و اختلافات حتمی الوقع در
آمان باشند " . ۳۵

بطور کلی برخورد مسئولین روزنامه در انتقاد و ارشاد اولیای
امور با توجه به موضع گیریهای خود روزنامه در زمینه مسائل اجتماعی ،
سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی - جنبه کاملا ملی و آزادمنشانه ای
دارد .

جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری

برای مقابله با فشارهای دولت هژیر که بر سر مطبوعات وارد می‌آمد، به ابتکار مدیر روزنامه آزادگان "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری" بوجود آمد، بهمین مناسب از شماره ۲۷ (۲۵ مرداد ۱۳۲۷) در بالای صفحه ۲ روزنامه تیترا نسبتا درشتی با این عبارت آمده است: "هموطنان... مظاهر دیکتاتوری را بشناسید و با تمام قوا با آنها مبارزه کنید. حکومت نظامی - توقیف مطبوعات - حبس و تبعید مردم بیگناه - تجاوز افراد و مقامات از حدود و وظایف قانونی آن - نقض آزادی نطق و بیان - جلوگیری از احزاب و اجتماعات - در فشار گذاشتن اتحادیه های کارگری". بدنبال تشکیل چنین جبهه ای موج اعتراضات از سوی عده ای از روزنامه نگاران، بعضی از احزاب، سندیکاها و کارگری و کارکنان دولت بالا گرفت. نخستین اعلامیه از سوی جامعه مطبوعات ایران انتشار یافت. در بخشی از این اعلامیه آمده است: "جامعه مطبوعات مرکب از جراید مختلف المسالك بدینوسیله اعلام می‌دارد که تصویبنامه مورخه هشتم شهریور ماه ۱۳۲۷ دولت آقای هژیر راجع به محرومیت کارمندان دولت از يك قسمت از حقوق اجتماعی و شرکت در مطبوعات ناقض اصل شانزدهم قانون اساسی و اصل نهم و بیستم و هفتاد و نهم متمم آن و سایر قوانین مصوبه مجلس شورای ملی است. لذا جامعه مطبوعات این عمل ظالمانه دولت را مایه اختناق افکار عمومی و موجب محو آزادی مطبوعات و سلب حقوق فردی، اجتماعی و توسعه محیط سوء ظن و فساد و تعطیل رکن چهارم مشروطیت می‌داند و تا موقعی که این تصویبنامه غلط و خلاف

قانون الفاء نشود از مبارزه صرف نظر نخواهند کرد". ۳۶ در همین زمینه شورای کارمندان دولت هم اطلاعیه ای تحت عنوان "شورای کارمندان از تصویبنامه اخیر دولت مربوط به منع کارمندان از دخالت در امر مطبوعات شدیداً اظهار تنفر و انزجار کرده و لغو فوری آن را خواستارند". ۳۷ انتشار دادند.

در مورد تشکیل جلسه "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری" گزارشی در روزنامه آمده که بخشی از آن چنین است: "بر حسب دعوت آقای عزت پور مدیر این روزنامه . . . جمعی متجاوز از سیصد نفر از مدیران جرائد عضو جبهه ضد دیکتاتوری، نویسندگان و وکلای آزادی خواه مجلس شورای ملی حضور بهم رسانده بودند". در این جلسه عده ای از مدیران جراید در مورد شیوه های مبارزه صحبت کردند، از جمله مدیر روزنامه "آزادگان" گفت: "... محال است که بگذاریم تجربیات و امتحانات تلخ گذشته تکرار شود". ۳۸ در ارتباط با همین مساله (مبارزه مطبوعات) مدیر روزنامه از توطئه قتل خود و حمله ای که در تاریکی شب به وی شده، پرده برمی دارد و غیر مستقیم دولت را متهم به دست داشتن در قضیه می داند و می نویسد: "... هیئت حاکمه و مغزهای پوکی که برای ادامه حکومت و زمامداری خود، با توسل به ماده ۴۹ قانون محمد علیشاهی متجاوز از بیست

۳۶- آزادگان، س ۲۳، ش ۳۷ (۱۷ شهریور ۱۳۲۷): ص ۱ و ۲

۳۷- " " " ش ۴۳ (۳۰ شهریور ۱۳۲۷): ص ۱

۳۸- " " " ش ۳۰ (۳ شهریور ۱۳۲۷): ص ۱

روزنامه را توقیف کرده اند یا با تهدید من و چند مدیر روزنامه دیگر می خواهند ملتی را خفه و ارباب نمایند ، سخت در اشتباهند هیئت حاکمه ما باید بدانند مخالف و دشمن آنها یک نفر و ده نفر نیست که بشود آنها را به قتل و یا حبس و تهدید از میدان بدر برد . طرف آنها سی کرور مردم ایرانند ، سی کرور مردم بدبخت ، فقیر ، بینوا ، دست از جان شسته ، گرسنه و از زندگی سیر . . . شما برخلاف عقل ، منطق صرفه دولت ، صلاح مملکت آگهی های دولتی را از روزنامه های ملی گرفتید ، سهمیه کاغذشان را لوطی خور کردید ، بزور و بنا توسل به ماده ۴۹ قانون محمد علیشاهی آنها را توقیف می نمائید." ۳۹

سرانجام علیرغم کوششهای "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری" لایحه مورد نظر دولت در مجلس به تصویب رسید. در آخرین شماره موجود (۱۵ اسفند ۱۳۲۷) دو مطلب در مورد مطبوعات دارد اولی تحت عنوان "بمناسبت تصویب لایحه مطبوعات" و دومی "متن لایحه مطبوعات" است.

سیاست خارجی

در زمینه انعکاس مسائل کشورهای خارجی، "آزادگان" طرفدار سرسخت کشورهای سوسیالیستی بخصوص کشور شوروی است و همواره از سیاست ها و پیشرفتهای فرهنگی و سیاسی این قبیل کشورها به نیکی یاد می کند و در ستایش از توسعه و تعالی کشورهای یاد شده پیوسته

اتحاد جماهیر شوروی مقالات و گفتارهای فراوانی دارد البته به جز در يك مورد و آن در ارتباط دفاع از قوام است که هم شوروی را مورد حمله، قرار می دهد و هم انگلستان را: "این تعجب ندارد، تازگی هم ندارد... هم روس، هم انگلیس، هم مزدوران شوروی و هم قره نوک‌های انگلستان همگی با کسی که خدمتگزار صمیمی مملکت باشد و حاضر نشود منافع آنها را بضرر و زیان کشور تامین نماید مخالف هم باید باشند. قوام السلطنه در حینی که آذربایجان و ایران را از خطر تجزیه و زوال نجات داد تصمیم داشت بحرین را هم بایران برگرداند، دکان بانک شاهی را هم تخته کند، و در امتیاز نفت جنوب نیز تجدید نظر نماید". ۴۰ از این مورد که بگذریم، دیگر مقالات روزنامه همواره در دفاع از منافع شوروی و تأیید انقلاب و سران آن و نكوهش از سیاست انگلیس و امریکاست و حتی در یکی از سرمقاله های خود در "زهر آزمائی"، دولتهای انگلیس و امریکا از یکسو - و دولت شوروی از سوی دیگر، به دولت ایران پیشنهاد می کند که طرف شوروی را بگیرد: "... مصلحت ما نیست که در زهر آزمائی بین امریکا و انگلیس و شوروی شرکت و اظهار علاقه کنیم. رجال و زمامداران ما سعی می کنند که بلندگو و مبلغ سیاست یکطرف باشند و بدبختانه کوشش دارند که بهر نحوی شده است دولت شوروی را از ملت ایران آزرده خاطر سازند و این عمل درست مخالف نظر و عقیده و مصلحت کشور و مردم ایران است... اگر روابط تجاری "پایپای" با آن کشور

برقرار سازیم اوضاع اقتصادی ما بهبودی حاصل می‌کند با این وصف چه ایجاب می‌کند که در این جنگ تبلیغاتی بین دو انگلو ساکسون و شوروی ما بد لغابی کنیم و حرفهائی بزنیم که موجب کدورت دولت شوروی گردد. . . . ۴۱ همچنین به مناسبت سی و یکمین سالگرد انقلاب اکتبر، دو صفحه از روزنامه به چاپ عکس رهبران شوروی و مطالبی درباره ویژگی‌های انقلاب این کشور، اختصاص یافته است در مقاله‌ای دیگر در مورد تاجیکستان شوروی می‌نویسد: . . . قبل از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر اکثریت اهالی تاجیکستان فعلی جزو امارات بخارا بود، انقلاب سوسیالیستی برای ملت تاجیکستان آزادی کامل به ارمغان آورد. . . . ۴۲ در مورد سایر کشورهای سوسیالیستی هم هرچند گاه مقالاتی دارد، از جمله در مورد چهارمین سال "رستاخیز" لهستان مطلبی دارد. در این گفتار ابتدا به مصائب و مشکلات لهستان در اثر جنگ جهانی دوم اشاراتی دارد و پس از آن به اصلاحات و سیاست خارجی و پیشرفتهای صنعتی و کشاورزی این کشور می‌پردازد و از آنها به تحسین یاد می‌کند. در شماره ۱۶۲ (۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۷) نیز مقاله "نسبتا مفضلی درباره" "فعالیت جوانان آلبانی در راه آبادی کشور خود" و فعالیت کارگران جوان "رومانی"، چاپ شده است.

۴۱- آزادگان، س ۲۳، ش ۴۷ (۱۰ مهر ۱۳۲۷): ص ۱

۴۲- " " " ش ۱۶ (۲۷ تیر ۱۳۲۷):

انعکاس اخبار و تفسیر حوادث سایر کشورها بخصوص " فلسطین " —
که با اسرائیل در جنگ بود — در درجات بعدی قرار دارد .

مسائل تاریخی و ادبی

از آنجائیکه " آزادگان " یک نشریه " سیاسی — خبری " است
به جزئیکی دومورد ، خالی از طرح و چاپ مسائل تاریخی و ادبی
می باشد از جمله مطلبی که جنبه تاریخی دارد ، سلسله مطالبی است
تحت عنوان : " جمس فریزر — نویسنده " مشهور انگلیسی — زندگی
بزرگترین نوابغ شرق ، نادرشاه افشار را برای شما بیان می نماید " که
بطور مرتب در هر شماره ، در قسمتی از صفحه ۲ روزنامه چاپ می شد .
همچنین مطلب دنباله دار دیگری تحت عنوان " اخبار روز —
سپاهیان انگلیس در حبشه " دارد که آنهم جنبه تاریخی دارد و به
نظر می رسد از منابع خارجی ترجمه شده است .
از نظر مطالب ادبی ، تنها گاهی به چاپ شعری بر می خوریم
که غالباً با نام " پارسا نویسگانی " همراه است .

محمود معتقدی

تیر ۱۳۵۹

آسيا (مجله)

شناسنامه:

۱- اسم:

آسیا (مجله)

۲- عناوین دیگر:

صبح وصال ، عقاب شرق ، انقلاب کبیر *

۳- محل انتشار:

تهران

۴- نوع چاپ:

سری ، سیاه و سفید ، رنگی

۵- قطع:

۳۵×۲۵ ، ۵۰×۳۵ (از شماره سیام سوم شهریور ۱۳۳۲)

۶- تعداد صفحات:

۲۴ ، ۱۲ ص (از شماره سیام)

۷- تصویر:

سیاه و سفید ، رنگی

۸- قیمت:

تک شماره از شماره اول هریال و بعد از آن ۶ ریال

۹- صاحب امتیاز:

امیرحسین صدری پور

۱۰- سردبیر:

کاظم مسعودی (از شماره سی ام، سوم شهریور ۱۳۳۲)

۱۱- همکاران:

کاظم مسعودی، کاظم اسماعیلی، علی اکبر کسمائی،

بهرام شاهرخ، جلال نعمت اللهی، رضا عزیزی

۱۲- زبان:

فارسی

۱۳- تاریخ شماره اول:

۹ آذر ۱۳۳۱

۱۴- آخرین شماره:

۴۱

۱۵- تاریخ آخرین شماره:

۲۶ آبان ۱۳۳۲

۱۶- فاصله انتشار:

هفتگی (یکشنبه ها)

۱۷- نوع:

سیاسی - خبری، ادبی

۱۸- تعاملات سیاسی و اجتماعی:

سلطنت طلب، ضد مصدق، مخالف

حزب توده، طرفدار امریکا، مخالف

انگلستان

۱۹- محل دسترس :

کتابخانه ملی

۲۰- موجودی :

از شماره ۱ دوره جدید الی شماره ۴۱**

ملاحظات :

* شماره ۲۴ آسیا (۱۷ خرداد ۱۳۳۲) تحت عنوان
"شماره مخصوص صبح وصال" منتشر شده و در محل نام
آسیا نوشته شده است: "آگهی، آسیا بدستور کاراگاهی
نباید منتشر شود". شماره ۲۵ بهمن ترتیب اما با نام
"شماره" مخصوص عقاب شرق" منتشر گردیده و صاحب
امتیاز آن قوام شیرازی است. شماره ۲۶ دوباره بنام
"صبح وصال"، شماره های ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ تیر با نام
"انقلاب کبیر" (صاحب امتیاز ب- شمس ابهرکی) انتشار
می یابد. از شماره ۳۰ سوم شهریور ۱۳۳۲ تحت
عنوان "نامه هفتگی آسیا" منتشر می شود.

** از شماره ۱ الی ۱۶ در قسمت مجلات و از شماره ۱۷
الی ۴۱ در قسمت روزنامه ها ثبت و بایگانی شده است.

کلیات

این مجله با اینکه در هیچ جایی (برابر موجودی کتابخانه ملی) هدف خود را بازگونی کند ولی بطور کلی از قرائین و شواهد و نوع برخوردش با مسائل روز، چنین پیدا است که با توجه به حاد بودن مسائل سیاسی سعی دارد با موضع گیری خاص خود، افکار عمومی را — در مجموع — به تأیید سیاست هیات حاکمه تشویق نماید. از جمله در مساله نفت شدیداً با استعمار انگلستان مخالفت می کند اما بدنبالش حکومت زاهدی را از کانال کمک های امریکا تأیید می نماید، و با حکومت مصدق را در ارتباط با دربار و مجلس شورای ملی به شدیدترین وجهی مورد حمله قرار می دهد. ظاهراً حالتی ملی و دمکرات منش بخود می گیرد، ولی در باطن طرح و جبهه گیری اش به نفع امریکا و دربار و حکومت زاهدی تمام می شود. همچنین در برخورد با مسائل سیاسی، بیشتر به مسائلی در سطح درگیری احزاب و نمایندگان مجلس و بعضی شخصیتها می پردازد و نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی و اقتصادی و مشکلات اداری کاملاً بی توجه است. دریافت آگهی از مؤسسات دولتی و خصوصی از جمله منابع مهم گردش کار مجله است.

مسائل سیاسی داخلی

در رویارویی با مسائل سیاسی جامعه با توجه به درگیری سیاسی سال ۱۳۳۲ این مجله یکی از هواداران رژیم سلطنتی — حساب می‌آید و در ایجاد توطئه علیه نیروهای مرفی و ملی با دیگر روزنامه‌ها و مجلات وابسته هم صدائی می‌کند تا جائی که قوام‌السلطنه را نیز مورد دشنام قرار می‌دهد. در برخورد با جناحهای سیاسی، مخالف سرسخت حزب توده است و همواره با انتقاد از سیاست شوروی، این حزب را مورد نکوهش قرار می‌دهد، و حتی ادعا می‌کند که مصدق پنهانی برای سرنگونی رژیم شاه با حزب توده تماس‌هایی دارد.

همچنین در رابطه با دربار پیدون اینکه رسماً از شخص شاه و یا اطرافیان‌اش، اسمی به‌میان آورد، از دستورات و عملکرد دربار و عوامل آن مخصوصاً زاهدی حمایت کامل می‌کند. در مورد زاهدی می‌نویسد: "داوطلب مقام نخست‌وزیری عقیده دارد با این طرز ادامه حکومت دکتر مصدق جزرنج و مذلت و بدبختی و ناکامی حاصل دیگری برای ملت ستم‌دیده ایران ندارد. سرلشکر زاهدی خود را به‌عنوان یک سرباز برای فدا شدن در راه کشوری که زندگانی‌اش مدیون آنست معرفی می‌کند و می‌گوید: معنی سرباز واقعی همین است".^۱

مصدق و جبهه ملی

در شماره ۳۰ (سوم شهریور ۱۳۳۲) ضمن شرح کامل ماجرای ۲۸ مرداد در مورد مصدق می‌نویسد: "دکتر مصدق چون از راه

(— آسیا (با عنوان صبح وصال)، ش ۲۴ (خرداد ۱۳۳۲))

رفراندوم قلابی مجلس ۱۷ را تعطیل کرد و از زیر بار استیضاح زهری
 شانه خالی نمود، موقع را بسیار مناسب دید که منظر اصلی خویش را
 که عبارت از تخییر رژیم باشد بمرحله اجرا در آورد. . . .
 از جمله مسائل عمده دیگر این دوره، اختلافات مصدق با
 مجلس شورا و مخصوصاً آیت اله کاشانی، در گرفتن اختیارات یکساله
 و تمدید آن بود. از جهتی دیگر، میان دربار و بسیاری از نمایندگان
 مجلس - که مخالف مصدق و اقدامات وی بوده اند - در و نزدیک
 ارتباط هائی وجود داشته تا جائی که این گروه به تائید بعضی از
 شخصیت های سیاسی - مذهبی مخالف خروج شاه (در اسفند ۱۳۳۱)
 از کشور بوده اند. در این میان عواملی برای جلوگیری از خروج شاه،
 با کمک زاهدی به مرجع تقلید شیعیان در آن زمان یعنی آیت اله
 بروجردی متوسل شدند. در این زمینه آیت اله بروجردی پیامی
 به این شرح از طریق رادیو به ملت ایران فرستاد: "با اظهار تأسف
 از واقعه اخیر چون اطمینان کامل دارم که اعلیحضرت همایونی و جناب
 آقای نخست وزیر کمال علاقه را به استقلال و عظمت کشور ایران دارند،
 امید و انتظار دارم که کما فی السابق وحدت نظر و اتحاد و اتفاق را
 حفظ فرموده که عناصر منحرف و اخلاک فرستی بدست نیاورند تا موجب
 اغتشاش و بی نظمی در کشور فراهم گردد".^۲ در تشدید اختلاف
 مصدق و کاشانی بر روی جلد (شماره ۱۱) این مجله، تصاویری از
 مصدق و کاشانی روبروی هم آمده که باهم دارند دست می دهند، اما هر

۲- آسیا، ش ۱۶ (۲۴ اسفند ۱۳۳۱): ص ۲

خارجی"، "محمد رضا شاه ملك فاروق نیست"، "وصیت نامه دکتر مصدق"، "گریه شاه در مقابل ضریح امام حسین (ع) در کربلا"، "نظر آقای فلسفی خطیب شهیر برای برانداختن ریشه تبلیغات مسموم کننده کمونیست ها و استحکام مبانی دین مبین اسلام"، "شرح جزئیات محاکمه دکتر مصدق".

مسائل سیاسی خارجی

الف - انگلستان: موضع گیری گردانندگان آسیا در ارتباط با مساله نفت و کوتاه شدن دست استعمارگران انگلیسی، کاملاً ضد انگلیسی است، اما این مخالفت درست زمانی است که زاهدی توسط امریکائی ها به قدرت می رسد. در واقع گردانندگان مجله خواستار سیاست جدیدی به نام امریکا هستند و در این راه برای اینکسره راه نفوذ این سیاست هموار شود به سیاست انگلیسیها حمله می کنند: "ملت ایران هرگز اجازه نخواهد داد نفوذ انگلیسیها در ایران تجدید شود... موضوع قابل ملاحظه فروش نفت است"^۴ [ظاهراً نه به انگلیسیها]. در جایی دیگر می خوانیم: "انگلیسیها می خواهند پس از برقراری رابطه سیاسی دولت زاهدی را سرنگون و دولت دست نشانده ای را بر روی کار بیاورند...".^۵

ب - آمریکا و حمایت از زاهدی: پس از کودتای ۲۸ مرداد آسیا به دفاع از دربار و طرفداری از آمریکا و دولت زاهدی بر می خیزد.

۴ - آسیا، ش ۳۸ (۲۸ مهر ۱۳۳۲):

۵ - آسیا، ش ۳۹ (۱۲ آبان ۱۳۳۲):

در این زمینه مقالات فراوانی به حمایت از امریکا و حل مساله نفت بدست امریکا، به وضوح دیده می شود: "... در این جریسان [فروش نفت] افکار کسانی که به حل مساله نفت و فروش آن علاقه نشان می دهند، متوجه امریکائی ها می شود. دولت امریکا در گذشته همواره روابط دوستانه خود را با ایران حفظ کرده است و اکنون نیز می کوشد قدمی را که در خصوص موضوع نفت به جلو می گذارد با رعایت تعاملات ملی ایران باشد." ۶. "هوبر [متخصص نفت وزارت خارجه امریکا] از دولت اسناد و مدارك و سوابق نفت را برای رسیدگی از طریق سفارت امریکا خواسته است" و "مسافرت نمایندگان جمهوری خواه امریکا به ایران مربوط به كمك نظامی امریکا است" ۷ و یا "دولت زاهدی وارث این وضع درهم و آشفته شد، وضعی که هرج و مرج به جای امنیت و فقر و تنگدستی در عوض ثروت و آرامش بر آن حکمفرما بود، اولین و مهمترین قدمی که سپهبد زاهدی طی دوازده روز اول حکومت خود برداشت این بود که نظر آیزنهاور را برای اخذ كمك قابل توجهی به ایران آنهم بلاعوض و بدون قید و شرط جلب نماید" ۸.

پ - شوروی و کمونیسم: گردانندگان آسیا در ارتباط با نفوذ حزب توده و وابستگی اش به شوروی، با این دولت همواره مخالف بوده و در لابلای صفحات مجله هراز گاه به مقالات و عناوینی برمیخوریم که گویای این نوع مخالفت است: "زاهدی دشمن شماره یک

۶- آسیا، ش ۳۸ (۲۸ مهر ۱۳۳۲):

۷- آسیا، ش ۳۲ (۱۷ شهریور ۱۳۳۲): ص ۱۲

۸- آسیا، ش ۳۳ (۲۴ شهریور ۱۳۳۲): ص ۳

انگلستان و کمونیستها، سپهبد زاهدی از انگلیسی ها و کمونیست ها و مصدق بیزار است و در عوض آواز و کیاب را دوست دارد".^۹ همچنین برای برانگیختن و تقویت روحیه ضد شمری در ایران عنوان یکی از مقالاتش چنین است: "وزارت امنیت و پلیس شمری بتعام مامورینش در دنیا دستور داده است که لاهوتی شاعر ایرانی را ترور کنند، لاهوتی که روزی از کمونیست های د و آتش بود، اکنون استغفار کرده و گویا از راه افغانستان و پاکستان به سفارت ایران در کراچی پناهنده شده است".^{۱۰} یا پس از سقوط دولت مصدق بعنوان يك خبر مهم می نویسد: "دیشب سفیر کبیر شمری در تهران اقدام به خودکشی کرد، وضع مزاجی اورضایت بخش نیست. . . علت این خودکشی را مطلعین تلگرافی می دانند که از مسکو برای احضار وی بتهران مخابره شده است چون لاورنیتف — در نبردی که به همدستی مصدق علیه ملت ایران آغاز نموده بود — در جریانات اخیر با شکست سختی مواجه گردید و نتوانست ایران را به پشت پرده آهین بکشد. . . این عمل سفیر شمری کاملاً رابطه مصدق السلطنه را با کمونیست ها تقویت می کند".^{۱۱} همچنین برای مشروع جلوه دادن دخالت امریکا در ایران خطر "کمونیزم" را به میان می کشد و می نویسد: "بزرگترین تأسیسات خاورمیانه برای مبارزه با کمونیزم در ایران تشکیل شد، امریکائی ها

۹- آسیا، ش ۴۰ (۱۹ آبان ۱۳۳۲): ص ۵

۱۰- آسیا، ش ۳۱ (۱۰ شهریور ۱۳۳۲): ص ۲

۱۱- آسیا، ش ۳۶ (۲۱ مهر ۱۳۳۲):

۱۰۰ میلیون ریال برای این منظور پرداختند ، در تمام شهرستانها و دهات ایران شعبات مؤسسه ضد کمونیزم تشکیل می شود . ۱۲۰

مسائل تاریخی ، ادبی و هنری

در زمینه مسائل تاریخی و سیر بعضی از آنها - در صد سال اخیر - گاهی به مطالبی بر می خوریم که کم و بیش جنبه تحلیلی دارد ولی غالباً روش وقایع نگاری بیشتر مورد نظر نویسندگان آن می باشد، از جمله " سیر تاریخی دانشگاه تهران " - ۱۳ " تاریخچه " تقلیل بودجه در کشور شاهنشاهی " ۱۴ [به قلم ناصرالدین شاه حسینی] - " رویترا چگونه امتیاز نامه بانك شاهنشاهی را بدست آورد ؟ " ۱۵ [از خان ملك ساسانی] - " تاریخچه " زد و خورد های محمد علی شاه و مصدق - السلطنه با مجلس شورای ملی " - ۱۶ " قوانین ظالمانه از عهد هخامنشیان تا زمان پیشوا - تاریخچه " مجازات های سنگین " ۱۷

در زمینه مسائل ادبی ، بیشتر به درج داستانهای درجه سه ارومائی - که غالباً نویسندگان آنها چندان شناخته شده نیستند - پرداخته

۱۲- آسیا ، ش ۵ (۷ دی ۱۳۳۱) :

۱۳- آسیا ، ش ۶ (۱۴ دی ۱۳۳۱) :

۱۴- آسیا ، ش ۳۳ (۲۴ شهریور ۱۳۳۲) : ص ۲۵

۱۵- آسیا ، ش ۱۸ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۲)

۱۶- آسیا ، ش ۱۸ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۲) :

۱۷- آسیا ، ش ۲۴

است از جمله (آرسن لوپین دزد جنتلمن ، مقلد از الکساندر دوما) ، همچنین در چاپ داستانهای ایرانی سعی شده است - با برداشت از وقایع تاریخی و جنایات روزمره - داستانهای سرهم بندی شود که هیچکدام از لحاظ سبك و مایه های هنری چنگی به دل نمی زنند ، مانند (معشوقه آغامحمد خان و . . .) .

چاپ شعر به نسبت داستان کمتر است و غالباً از شعریای متقدم یا کسانی که در آن قالب ها شعر می سروده اند ، درج می شود . در مورد سینما و فیلم و همچنین بسیاری از پدیده های علمی (شامل اختراعات - اکتشافات) گاهی به مطالبی بر می خوریم که به جز چند مورد خاص ، در مجموع چندان قابل اعتنا و اعتماد نیستند و اصولاً جنبه سرگرمی و تفریح دارند .

زنان و مسائل زندگی

در مورد مسائل جدی زندگی و نقش زنان گاهی به مطالبی نیمه جدی بر میخوریم که غالباً جنبه سرگرمی و وقت گذرانی آن نسبت به سایر جنبه های دیگر آن می چربد . از جمله آخرین تحولات در زمینه مسائل آرایشی و مسائلی از قبیل زیبایی و حفظ آن ، بیشتر مورد توجه مسئولین مجله است ، بعنوان مثال در یکی از شماره های آن ، گفتاری دارد تحت عنوان " جنگ ماتيك " ، در این مقاله آمده است : " هر سر تملك ميليونها لب جنگ شديدي در گرفته است . . . اگر زن این سلمانی مريض نشده بود هرگز رولب اختراع نمی شد ، خانم هیچ میدانید این ماتيكی که به لبهایتان می مالید مرکب از چه

مواردی است؟" ۱۸. از جمله مقاله "جدی آن، به این عنوان برمیخوریم:
"صد هزار زن مسلمان می‌خواهند ارتشی تشکیل دهند و با استعمار
و فرنگی مآبی و مدپرستی مبارزه کنند." ۱۹. در مجموع مسائل زنان در
این مجله هیچگونه آموزش و جهان‌نگری‌ای را دربر ندارد و با توجه
به زمان (سال ۳۲) جو حاکم چنین و اوضاعی را تقویت می‌کرد، مانند
بسیاری از جنبه‌های دیگر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن روزگار.

محمود معتقدی

بهمن ۵۸

۱۸- آسیا، ش ۴۰ (۱۹ آبان ۱۳۳۲): ص ۵

۱۹- آسیا، ش ۳۷ (۲۸ مهر ۱۳۳۲): ص ۵

ایران کنونی

شناسنامه:

۱- اسم:

ایران کنونی

۲- محل انتشار:

تهران، میدان مخابراتدوله

۳- قطع:

۲۴/۵۰×۳۵/۵۰

۴- تعداد صفحات:

۸ صفحه، گاهی که آگهی زیاد دارد ۴ صفحه
لایق به آن اضافه میشود.

۵- تصویر:

بندرت تصویر چاپ میکند و عکسهای جنگی است که معمولاً
ادارات انتشارات و اطلاعات سفارتخانه های انگلیس و
شروی در آنزمان برای مطبوعات میفرستادند.

۶- قیمت:

تک شماره: ابتدا ۲ ریال، از شماره ۲۳ موخ ۱۶ شهریه

۳ ریال

وجه اشتراك سالانه تا شماره ۲۳ قید نشده. از این شماره

بعد ۲۰۰ ریال

۷- صاحب امتیاز و مدیر:

گ. یقیکیان

۸- همکاران :

۱- نویسندگان ثابت: مرتضی خجندپور، مرتضی چهاردهی

علی اصغر محمدی (افسرده)

۲- نویسندگان اتفاقی: احمد اردلان، مجتبی مینوی،

سجادی

۹- زبان :

فارسی

۱- تاریخ شماره دوم سال نهم (شماره سلسل ۱۳۴) :

۱۷ فروردین ۱۳۲۲ و چون هفتگی است میتوان تاریخ شماره

اول دوره جدید را فروردین ۱۳۲۲ تصور کرد .

۱۱- آخرین شماره :

۴۶ سال نهم (۱۷۷)

۱۲- تاریخ :

۱۷ اسفند ۱۳۲۲

۱۳- فاصله انتشار :

هفتگی است ولی گهگاه انتشارش نامنظم میشود و

فاصله میان دو شماره از ۱۰ تا ۱۴ روز تفاوت

میکند .

۱۴- نوع :

سیاسی، خبری، اجتماعی است گاه بحث های تئوریک دارد و

گاه به قصه و ادبیات هم میپردازد .

روزنامه ای نسبتاً سنگین و اصولی است ولی

روزنامه های حزب، بسیار نابینا تر است.

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران

قسمتی از این روزنامه که مورد مطالعه است دقیقاً از ۱۷ فروردین ۱۳۲۲ آغاز و در ۱۷ اسفند همین سال خاتمه مییابد و سال ۱۳۲۲ همچنان یکی از سالهای جنگ و اشغال است: جنگ جهانی دوم که از روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ با حملهٔ بدون اعلان جنگ آلمان هیتلری به لهستان شروع میشود، و اشغال ایران که در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ توسط نیروی متفقین یعنی شروی و انگلیس صورت میگیرد (که بعدها نیروی نظامی آمریکا نیز به آنان ملحق میشود). این اشغال برای ایران عوارضی دارد که بطور عمده استعفا و تبعیض رضاشاه، آزادی مطلق بیان و قلم در انتقاد از رژیم گذشته و تا حدود بسیاری از وضع موجود، پیدایش روزنامه‌ها، احزاب و سازمانهای سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی و مخالفان رژیم رضاشاه اعم از روشنفکر کمونیست تا خان عشایر، بی‌ثباتی دولت‌ها، نابسامانی و بی‌نظمی اقتصادی از آنجمله است.

در آغاز سال ۱۳۲۲ دولت قوام السلطنه جای خود را به سهیلی میدهد، ناصرخان قشقایی قدرت مسلحانه خود را بر سراسر قلمرو ایل اعمال میکند، مجلس دوره سیزدهم به پایان میرسد و مجلس چهاردهم پس از انتخابات عمومی برای مدت دو سال تشکیل میشود.

دکتر میلسپو، مستشار مالی امریکائی که همراه با عده ای دیگر از مستشاران هموطن خود به دعوت دولت قوام السلطنه و با تصویب مجلس شورا بعنوان رئیس کل دارائی به ایران آمده بود برای تنظیم امور اقتصادی کشور بسلیقه خود همچنان با قدرت کامل و اختیارات تام مشغول کار است. دولت سهیلی در عین حال بفکر استقراض از امریکا میافتد.

هم در این سال عده ای از رجال و افسران ارتش و کارمندان راه آهن باتهام همکاری با آلمانها که قصد خرابکاری در راه آهن و اخلال در مناسبات ایران با متفقین داشتند دستگیر و به سلطان آباد اراک تبعید میشوند. در ۱۷ شهریور این سال دولت ایران، پس از توقیف عده بالا و تسلیم ایتالیا رسماً به آلمان اعلان جنگ میدهد و مقررات زمان جنگ را در کشور برقرار میکند. در همین سال کنفرانس سران دول متفق - چرچیل، استالین، روزولت - در تهران تشکیل میشود و بالاخره کارگران کارخانه سلطنت آباد دست به اعتصاب میزنند.

از خصوصیات این دوران ابراز شخصیت طبقه کارگر و تبلیغ بسود کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان از جانب بعضی روزنامه ها و سازمان های سیاسی است و بهمین دلیل مسائل و گرفتاری های این طبقات مورد توجه دولت ها قرار میگیرد و فی المثل در این سال لایحه قانونی تعلیمات عمومی اجباری و بیمه کارگران عنوان میشود.

روزنامه ایران کنونی که يك روزنامه سیاسی - اجتماعی است در مورد تمام این مسائل موضع گیری خاص خود را دارد و به علاوه دارای پاروق هائی نیز هست که میتوان از بعضی از آنها با عنوان "تاریخ ارمنستان" اثر موسی خورنی، "مسافرت به ایران" بقلم "سر ولیام فوتسر" نخست وزیر بریتانیای کبیر" نوشته "موریس باقللی" نام برد.

از محتویات شماره دوم روزنامه (که اولین شماره موجود در کتابخانه ملی است) "سه لایحه"، "آلمان میخواهد بوسیله جنگ زیر دریائی خود را از شکست نجات دهد"، "در فارس امنیت نیست"، "گزارش ماهیانه رئیس کل دارائی"، "مسلمانان هندوستان" - باضافه چند آگهی است. نمونه هائی از عناوین مقالات شماره های دیگر عبارتند از: "آزادی انضباط است نه هرج و مرج یا خودسری"، "برای پیشرفت فلاح لازم است زارع دارای اراضی باشد"، "نخستین روز ماه مه"، "بدون بالا بردن سطح زندگانی دهقانان و کارگران قانون تعلیمات عمومی بی اثر خواهد ماند"، "دولتهای مستبد و مرتجع دیکتاتوری مقتدر نیستند"، "لایحه قانون مالیات بردرآمد دکتور میلسپو بر نیست و آدم نمیخورد"، "سعی میکنیم که از پیشرفت زنان جلوگیری کرده و آنها را دوباره در بین چهار دیوار منزلشان زندانی نمائیم". گذشته از اینها يك رشته مقالات اجتماعی نیز در روزنامه دیده میشود. نمونه: "منابع سوسیالیزم علمی"، "انقلاب"، "طبقاتی که انقلاب بنفع آنها میباشد".

با اینهمه روزنامه مسائل معینی را با علاقه خاصی تعقیب میکند که از آنجمله میتوان مسئله قدرت، آزادی، مرکزیت حکومت، مستشاران امریکائی، کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان و را نام برد که بترتیب مورد بحث قرار میگیرد:

مسئله قدرت

"ایران کنونی" یکی از علل ضعف دولتهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ را عدم دوام وثبات آنها میدانند و مینویسد "هیچ دولتی که فقط چند روز سر کار میماند قادر به اداره کشور در این ایام سخت نخواهد شد." "۱ برای اداره کشور، دولت باید مقتدر باشد اما "قدرت دولت نه در ارتجاع، نه در استبداد و نه در دیکتاتوری است." دولت های دیکتاتور اگر چه بظاهر نیرومند بنظر میرسند "ولی اولین ضربه که از خارج و یا داخل کشور بر آنها وارد آید اساس و اصولشان را واژگون نموده از بیخ میکند و کلیه سازمان ها و تشکیلاتی را که ایجاد کرده اند از بین میبرد" همانطور که تمام نظامات ناپلئونی پس از شکست او مطلقاً از میان رفت، و همانطور که توسل به سر نیزه و پلیس مخفی سیاسی نتوانست رضاشاه را نجات بدهد و "در اثر کوچکترین حمله ای از بین رفت و قدرت وی نابود گشت و اکثر سازمانها و تشکیلاتی را که ایجاد کرده بود متزلزل گردید."

۱- سرمقاله شماره ۳ سال نهم، ۲۴ فروردین ۱۳۲۲

برعکس ، دولتی نیرومند است که برای اجرای برنامه و مرام خود به سرنیزه نیاز نداشته باشد و به افکار عامه اتکا کند . اما يك دولت هنگامی میتواند به پشتیبانی افکار عامه متکی باشد که "اولا" مرام ثابت داشته و او را اعلام و تضمین عملی شدن آنرا بنماید ، ثانیا در کلیه اقدامات خود منافع اکثریت ملت را در نظر دارد نه منافع يك مشت مردم با نفوذ ، ثالثا دروغ نگوید و وعده های عملی نشدنی به مردم ندهد و حقیقت اوضاع مملکت را از مردم کشور مخفی نکند رابعا از اقدامات خود افکار عامه را مطلع سازد و . . . صحت عمل خویش را ثابت نماید . " ۲ روزنامه پس از این توضیحات به این نتیجه میرسد که قدرت واقعی در دموکراسی است و دولتهای دموکرات مقتدرترین حکومت های جهان هستند .

اما آنچه که به مردم مربوط میشود اینست که آنها باید معنی آزادی را بخوبی دریابند : "آزادی انضباط است نه هرج و مرج یا خودسری . " و این تذکر بدان سبب لازم است که مردم ما "معنی آزادی را بخوبی درك نکرده" و تصور میکنند که آزادی یعنی هرج و مرج و خودسری و این معنی بسیار خطرناك است زیرا "بوسیله" تقویت هرج و مرج و خودسری ، ما خدمت بزرگی برای استقرار دیکتاتوری در این کشور مینمائیم . " ۳ مردم باید ضعف ها و اشتباهات دولتها را وسیله ای برای تضعیف آنان قرار ندهند و

۲- سرمقاله شماره ۱۵ ، ۱۴ تیر ۱۳۲۲

۳- سرمقاله شماره ۳ ، ۲۴ فروردین ۱۳۲۲

آنانرا متزلزل نسازند زیرا بقول روزنامه " زحمتکشان حقوق حقی خود را فقط در امنیت و نظم تحصیل مینمایند . " ۴

در این دوره از زمان ، مطبوعات با استفاده از امکاناتی که بوجود آمده بود در انتقاد از دولت ها تا هر جا که دلشان میخواست میباختند . دولت ها نیز هرگاه امکانی مییافتند قدرت نمائی میکردند و با شمشیر حکومت نظامی به توقیف انفرادی و بویژه دستجمعی مطبوعات دست میزدند . از جمله در اوایل بهمن این سال فرمانداری نظامی و اداره کل تبلیغات هریک طی اعلامیه ای به تهدید مطبوعات پرداختند : اولی تهدید کرد که " برای حفظ حیثیت و احترام ارباب قلم " توهین به شاه ، توهین به رؤسای ممالك خارجه یا نمایندگان سیاسی آنها ، توهین و افترا به نمایندگان ملت یا وزراء و معاونین آنها یا رؤسا و مستخدمین دربار سلطنتی ، مأمورین دولتی یا ادارات مجلس یا مأمورین بلدی و اسناد توهین و افترا نسبت به اشخاص ، فحش و ناسزا نسبت به هرکس را بدون مراعات قانون هیئت منصفه مجازات خواهد کرد و دومی - بسرپرستی ابراهیم خواجه نوری - ضمن استدعا در خودداری از هتاکی و تهمت اعلام داشت که از ۱۵ بهمن ۱۳۲۲ شورای مخصوص تشکیل خواهد داد تا اگر روزنامه ای " کوچکترین مطلبی برخلاف قانون مطبوعات " بنویسد جراید و نویسندگان آنرا تعقیب و توقیف کند . روزنامه ایران کنونی در عین حال که مطبوعات ایران را به اعتدال و انتقاد اصولی فرا میخواند به این شیوه برخورد حکومت به مطبوعات

نیز حمله میکند و توقیف روزنامه ها را نشانه وجود يك مرض اجتماعي
میخواند و برای سر و سامان دادن به کار مطبوعات پیشنهاد میکند
که کنفرانسی با حضور تمام مدیران جراید و رئیس دولت تشکیل شود
و دولت موظف به اجرای تصمیمات این کنفرانس بشود .

روزنامه برای جلوگیری از ایجاد هرج و مرج ، و در نتیجه ،
ایجاد دیکتاتوری در عین حال اظهار عقیده میکند که افسران ارتش
نباید در سیاست دخالت کنند و کارکنان دولت نباید رهبری احزاب
را بر عهده گیرند و شاه نیز باید فقط سلطنت کند و در امور سیاسی
دخالت نداشته باشد .

مسئله دیگری که در مورد ایجاد دولت مقتدر میتواند دخیل
باشد مبارزه با رژیم ملوک الطوائفی است . در اوایل این سال
حادثه سمیرم در قلمرو قشقائی که به قتل سرهنگ شقاقی فرمانده
پادگان آنجا منجر میشود اتفاق میافتد و ناصر خان قشقائی رئیس ایل
نامبرده قدرت خود را بر سراسر منطقه گسترش میدهد . روزنامه ایران
کنونی شدیداً به اقدامات قشقائیان حمله میکند و به نوبت وکیل
مجلس شورا ، که او را همدست ایلخانان میخواند ، میازد و او را
متهم میسازد که با سخنرانی بر ضد افسران ارتش از "اشرار" حمایت
میکند . روزنامه در همین زمینه اقدامات سپهبد شاه بختی را در
سرکوب ناصر قشقائی و "ماجرایان" دیگر میستاید ، و سرانجام
از ختم ماجرا و ابراز وفاداری ناصر و خسرو قشقائی و کدخدایان ایل
ابراز خرسندی میکند .

زحمتکشان و سرمایه داران

"ایران کنونی" توجه خاصی به زحمتکشان و بطور عمده دهقانان و کارگران دارد. روزنامه اظهار عقیده میکند که "ملت یعنی دهقانان و کارگران". در مورد ترکیب اجتماع توضیح میدهد که "ملت ایران تشکیل میشود از ۱۵ میلیون نفر دهقانان، کشاورزان، کارگران و لنینپروله ترها. بیشتر از ۹۵ درصد جمعیت کشور ما را دهقانان و کشاورزان تشکیل میدهد، یعنی بیشتر از ۱۴ میلیون نفر از جمعیت ایران مردانی هستند فقیر، نیم گرسنه، نیم لخت، بی سواد یا کم سواد و متعصب. . . شب و روز کار میکنند ولی صاحب ثمره زحمت خود نیستند." ۵

در مورد پیدایش و گسترش طبقه کارگر و لومین پرولترها مینویسد: "در مدت سلطنت رضاشاه پهلوی مؤسسات صنعتی و راه های شوسه و آهن ایجاد شدند، عده زیادی از کشاورزان از دهات فرار و در مؤسسات و در سر راه های نامبرده مشغول کار شدند. و رفته رفته طبقه کارگران پروله تر را تشکیل داده و بکلی از مزارع دور میشوند. . . . عده زیادی هم از دهقانان که در شهرها جمع میشوند بیکار مانده و عادت تنبلی نموده لنینپروله ترها را تشکیل دادند." ۶ LUNPENPROLETAIRES

۵- شماره ۸، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۲

۶- همان شماره

این روزنامه ضمن اشاره به فقر و نادانی زحمتکشان ایران اظهار عقیده میکند که "کارگران و دهقانان نادان و فقیر فقط زمینه" خوب برای استقرار دیکتاتوری و استبداد را حاضر مینمایند. " و برای رفع بدبختی ها و سختی های این طایفه اقدامات دولت و انتشارات چند قانون کافی نیست بلکه در عین حال " مردان تحصیل کرده . . . باید با دهقانان و کارگران نزدیک شوند ، به آنها سواد یاد دهند ، آنها را با اوضاع آشنا نمایند . " ۷ اما هنگامی که " قانون تعلیمات عمومی و اجباری و مجانی " مطرح میشود ، با فقر موجود دهقانان و کارگران ، در اجرا و عملی شدن چنین قانونی اظهار تردید میکند ۸ و مینویسد " بدون بالا بردن سطح زندگانی دهقانان و کارگران قانون تعلیمات عمومی بی اثر خواهد ماند " ۹ زیرا تا زمانی که مردم زحمتکش شهرها و دهقانان فقیر هستند و بچه ها برای کمک به معیشت خانواده مجبورند کار کنند اینگونه قوانین بی اثر خواهد ماند .

" ایران کنونی " که ظاهرا تبلیغ کننده " سوسیال دموکراسی " است ، هر جا فرصتی پیش میآید بالاخص از منافع دهقانان دفاع میکند و حتی هنگامیکه از حوادث فارس و سرکشی های قشقاییان بهیچ یار میکند فراموش نمیکند که بخصوص متذکر شود که " ما فقط مخالف با خوانین و ایلخانی ها و مالکین پر ثروت و با نفوذ و مسلح هستیم نه بر

۷- همان شماره

۸- رجوع شود به سرمقاله " شماره ۱۲ مرداد ۱۳۲۲

۹- شماره ۱۰ ، ۱۱ خرداد ۱۳۲۲

ضد کشاورزان و شبانانی که شب و روز جان میکنند ولی ثمرات زحماتشان (را) ایلخانی‌ها و خوانین میبرند. ۱۰* در مورد دهقانان معتقد است که برای بالا بردن سطح زندگانی آنان "باید صاحب اراضی، بنابراین صاحب ثمره* زحمات و کار خود باشند. ۱۱* بعلاوه "برای پیشرفت فلاح (نیز) لازم است زارع دارای اراضی باشد. ۱۲* مقاله ای که دارای این عنوان است بمناسبت لایحه ای نوشته شده که چند روز قبل از طرف دولت به مجلس تقدیم شده بود. در این لایحه آمده بسود که اربابان از ۵۰ الی ۱۰۰۰ متر مربع زمین برای احداث باغ در اختیار دهقانان بگذارند و گاو و بذر و اعیانی خانه هم در اختیار آنان بگذارند بشرط آنکه رعیت قیمت گاو و بذر را بپردازد و حداقل ده سال برای ارباب کار کند. روزنامه این لایحه را بنفع مالکان میداند و مدعی میشود که تنها راه ازدیاد محصولات فلاحی و جلوگیری از ترك روستاها و هجوم دهقانان به شهر صاحب زمین شدن دهقان است. ۱۳

در روزنامه ضمن انتقاد از فروش املاك خالصه در زمان رضاشاه که به پولداران فروخته شد و حتی يك زرع از آن هم بدست دهقانان واقعی نیفتاد برای حل مسئله ارضی پیشنهاد میکند:

۱۰- شماره ۲، ۱۷ فروردین ۱۳۲۲

۱۱- شماره ۱۰، ۱۱ خرداد

۱۲- شماره ۴، ۳۱ فروردین ۱۳۲۲

۱۳- همان شماره

۱- املای را که رضاشاه پهلوی به دولت واگذار نموده است در بین زارعین که در سرزمین بدون همراهی مزدبران و فقط به همراهی اعضای خانواده خود کار میکنند با قیمت خرید شاه سابق تقسیم نمایند و با قسط قیمت مزبور را دریافت نمایند. ۲- اراضی بایری که مالکشان برای آبادی آنها زحمت نکشیده و پول هم خرج نکرده اند از تصرف دولت تصرف و بین زارعینی که میخواهند اراضی نامبرده را آباد نمایند تقسیم و بتدریج قیمت آنها را دریافت نمایند. ۳- مالکین را موظف باید کرد که قسمتی از اراضی مزروعه خود را با قیمتی که کمیسیون از نمایندگان دولت و زارعین معین میکنند به کشاورزان واگذار نمایند و پول را از دولت بگیرند و دولت نیز به اقساط از زارعین دریافت نمایند. ۴- مالکین را وادار کرد که اصلاحات لازمه را در امور کشاورزی بنمایند و اگر نتوانستند بکنند دولت بتوسط شرکتهای تعاونی زارعین اصلاحات لازمه در اراضی نامبرده بنماید. ۵- قرض های زارعین از طرف دولت و یا مالک پرداخته شوند تا زارعین مجبور به پرداخت نفع زیاد به صرافان نگردد و همچنین شرکتهای اعتبار جز به همراهی بانک کشاورزی و با شرکت زارعین تأسیس نمایند تا زارعین در موقع احتیاجشان با پرداخت نفع کمی بتوانند پول بگیرند.

ضمناً مدیر روزنامه فراموش نمیکند که بگوید حل "مسئله اراضی" در ایران از طریق انقلاب زیان بخش است و بایستی "بوسیله" تصویب و نشر قوانین از طرف سازمان های معمولی سیاسی (مثلاً مجلس شورای ملی) انجام گیرد.

اما در مورد کارگران شهرنشین، روزنامه معتقد است که
"برای بالا بردن سطح زندگانی کارگران بوسیله قوانین باید مـزـد
کافی را تأمین کرد." و در عین حال در زمینه مسائل خاص کارگری
از جمله به مسئله اول ماه مه، برخی اعتصابات کارگری و حزب توده
ایران و اتحادیه کارگران میپردازد.

در مورد اول ماه مه، که جشن جهانی کارگری است مدعی
میشود که در ایران برای اولین بار در سال ۱۲۹۰ این جشن بوسیله
احزاب ارمنی - هنجاکیان و داشناکسیون - برپا گردید و ایمن
احزاب چندین سال این جشن را برگزار میکردند تا اینکه سرانجام
ده دوازده سال قبل از طرف حکومت قدغن شد. ۱۴

یکی از حوادث مهم این سال اعتصاب کارگران کارخانه
سلطنت آباد است که در هفته اول دی صورت میگیرد. برای سرکشی
اعتصاب عده ای از کارگران را بازداشت میکنند و در حضور وزیر پیشه
و هنر اعتصابیان را به گلوله می بندند که یک نفر از آنان کشته و عده ای
زخمی میشوند. روزنامه سرمقالات دو شماره خود را به این موضوع
اختصاص میدهد و تلویحا این اعتصاب را بموقع میخواند. در یکی از
این سرمقاله ها پس از اشاره به اعتصابات و نحوه مبارزات کارگری در
جهان راهنمایی میکند که اعتصاب هنگامی بموقع و درست است که
کارگران و رهبران آنان از تجربه کافی برخوردار باشند، صندوق های
اتحادیه ها دارای ذخیره مالی کافی باشد، گذشته از اینها برای

دست زدن به مبارزه کافی نیست که تنها پیشوایان اتحادیه ها و احزاب سیاسی دارای تجربه کافی باشند بلکه لازم است اکثریت کارگران از چنین تجربه ای برخوردار باشند و بعلاوه مبارزه کنندگان "کلیه" وسایل مبارزه را حاضر کرده باشند. ۱۵۰

ضمن بحث درباره همین اعتصاب است که این روزنامه به حزب توده ایران و اتحادیه کارگران اشاراتی انتقادآمیز میکند. باید دانست که در این زمان حزب توده ایران که مبارزه علیه فاشیسم را شعار اصلی خود قرار داده بود و هیچ نوع نکث و وقفه ای را در تقویت جبهه شمری نمیتوانست بپذیرد با اعتصاب و کم کاری - بخصوص در اسلحه سازی و یا نفت - موافق نبود. روزنامه ایران کنونی ظاهراً با اشاره به موضع گیری این حزب و اتحادیه کارگری تحت نفوذ آنست که از "روزنامه هائی که خود را بطرفداری از کارگران معرفی کرده اند" و یا ارگان های احزاب و اتحادیه های کارگران میباشند یاد میکند و میگوید که اینها اعتصاب کارگران سلطنت آباد را نتیجه تحریكات فاشیست ها تلقی کرده و در نتیجه از دولت خواسته اند که فاشیست ها را مجازات کند و به کارگران نیز هشدار داده اند که آلت دست فاشیست ها نشوند. روزنامه در اشاره انتقادی خویش مینویسد که کارگران زیر نفوذ این "احزاب" هستند و اگر راست میگویند باید فاشیست ها را در صفوف خود جستجو و آنان را از میان خود طرد کنند.

این روزنامه در انتقاد از حزب توده ایران، از جمله به مسئله تعیین نامزد های انتخاباتی ارضی ها و آسوری ها میپردازد و

با يك تكتيك سه جهته از يكسويه كسانى كه قصد دارند به حقوق اين
 دواقليت تجاوز كنند سخت مي‌تازد، از سوى ديگر حكومت را كه مانند
 "پدر مهربان" در حق اين اقليت ها رفتار مي‌كند ميستاييد و از جانب
 سوم دخالت حزب توده^۱ ايران را در مورد آرامنه بشدت انتقاد مي‌كند
 كه "چرا به خود حق مي‌دهد كه براي اين اقليت نامزد انتخاباتي تعيين
 كند" ۱۶ بايد دانست كه همين روزنامه پنج ماه قبل در شماره^{۱۹}
 مرداد ۱۳۲۲ خود در پاسخ كسانى كه از رهبري سليمان ميرزا در
 حزب توده^۲ ايران انتقاد مي‌كردند زير عنوان "بعضى از سرمايه داران
 نيز از منافع زحمتكشان دفاع كرده و مي‌كنند" مقاله‌اي نوشته بود و در
 آنجا نمونه هاي فراواني از رهبران ثروتمند طبقه^۳ كارگر جهاني را ذكر
 كرده بود و در ضمن از حزب نامبرده نيز چنين ياد كرده بود: "حزب
 توده خود را طرفدار زحمتكشان - كارگران و بزرگان - معرفي نموده
 وعده^۴ زيادي از كارگران در شهرستانها و كشاورزان در دهات زير
 پرچم آن جمع هستند. آيا حزب توده كمونيست است؟ سوسياليست
 است؟ دمكرات است؟ نميدانم. زيرا بعضى ها از اعضاي آن خود را
 كمونيست مينامند، ديگران خود را سوسياليست و بعضى ها نيز خود
 را دمكرات مينامند. حزب توده رسماً خود را حزب توده ناميده و
 مدافع منافع توده ميداند. عجالتاً بايد او را طرفدار توده و مدافع
 منافع توده دانست."

"ایران کنونی" که دفاع از منافع زحمتکشان را با حمله به ثروتمندان و سرمایه داران توأم کرده به مناسبتهای مختلف از اینان بد میگوید و پیشنهاد میکند که به انواع وسائل قدرت آنان را باید محدود ساخت. مثلاً یکجا در انتقاد از وضع اجتماعی و نحوه قانونگزاری مینویسد: "در این کشور قانون را تنظیم مینمایند که در آن در بسی برای فرار از اجرای قانون باز باشد و پولداران بتوانند زیر قانون زده و احکام وی را اجرا نکنند" و خود فی المثل در بحث راجع به بودجه پیشنهاد میکند که کسری بودجه را باید از کیسه ثروتمندان تأمین و جبران کرد، و با "سرمایه داران را وادار کنند قروض دولت و مخارج تعلیمات اجباری را بپردازند". ۱۷ هنگامیکه دولت ایران به آلمان اعلان جنگ میدهد و رسماً به متفقین می پیوندد ضمن تأیید مطلق عمل دولت و اظهار این نکته که اعلان جنگ يك فرمالیته نیست و ملت باید نسبت به گذشته فداکاری بیشتری بکند وظیفه دولت میداند که "وسائل زندگی اهالی را تأمین و فرقی را که بین وسائل زندگی طبقات پولدار و طبقات بی بضاعت موجود است از بین ببرد تا ملت قادر به تحمل زحمت های جدید بگردد". ۱۸ و در ادامه همین مقوله دولت سهیلی را موظف میکند که "اتومبیل های ملیاردرها و میلیونرهای ما را گرفته و برای حمل خواربار برای افراد ملت و برای حمل اسلحه برای ارتش استعمال نماید انبارهای ملیونرها و

۱۷- شماره ۹، ۴ خرداد ۱۳۲۲

۱۸- شماره ۲۳ شهریور

و ملیار درها (را) خالی کرده و انبارهای دولت را پر کند و در بین افراد ملت بالتساوی تقسیم کند " زیرا وحدت ملی و موفقیت در جنگ را تنها با این کار میتوان تأمین و تضمین کرد . ۱۹

راه رشد جامعه

روزنامه " ایران کنونی " رشد اقتصادی یا بعبارت دیگر رشد صنعت کشور را در گرو رشد تولید کشاورزی و بالا رفتن سطح زندگی روستائیان میداند . مدیر روزنامه میگوید : " چهارده پانزده سال قبل . . . سرمایه داران بازرگانی ما نفوذی در کشور پیدا کرده و بوسیله . . . اطاق های بازرگانی دولت را تحریک به حمایت از مؤسسات نو ظهور صنعتی و تشویق سرمایه داران برای تأسیس کارخانجات میکردند و جراید ما در مرکز و در ولایات حسب الامر راجع به ترقیات اقتصادی ما مقالاتی نوشته و از دولت تقاضا میکردند که در کلیه " قسمتهای کشور ما کارخانجات و مؤسسات دیگر صنعتی دایر کند و به صاحبان این قسم مؤسسات کمک مادی و معنوی و قانونی بنماید و روشنفکران و میهن خواهان ما میخواستند این کشور را صنعتی دیده و رقابت با کشورهای صنعتی بنماید . " اما وی در همان موقع نوشته است این کار امکان پذیر نیست زیرا " بودجه " دولت ما قدرت پرداخت ضررهای کارخانجات ما را ندارد که محصولات صنعتی ما را در کشورهای خارجه ارزانتر از ارزش اصلی خود بفروش پیرسانند ."

و "تا فلاحات این کشور پیشرفت نکند صنعت پیشرفت نخواهد کرد. " ۲۰
او مجدداً در برابر شوق و استدلال عده ای برای پیشرفت صنعت در
ایران اظهار عقیده میکند که "برای اینکه صنایع ماشینی در یک کشور
پیشرفت نماید لازم است که: ۱- اکثر جمعیت کشور مزبور دارای نیروی
خریداری باشد. ۲- دولت کشور مزبور قادر به مساعدت نقدی به
اربابان مؤسسات صنعتی باشد تا آنها بتوانند امتعه مؤسسات
صنعتی خود را در بازارهای بین المللی ارزانتر از امتعه ساخت
کشورهای دیگر بفروشند. "

و چون ایران مملکتی فلاحتی است و اکثریت عظیم جمعیت آنرا
دهقانان تشکیل میدهد باید ابتدا به رونق کشاورزی کمک کرد، باید
کشاورزان را به تولید تشویق کرد و سطح زندگی آنان را بالا برد تا
بتوانند در برابر محصولات ارزان کشورهای خارجی محصولات گران
داخلی را بخرند و در غیر اینصورت رشد صنعت امکان پذیر نیست.
افزایش قوه خرید زحمتکشان و بخصوص دهقانان منشاء ترقی
در جهت دیگری نیز خواهد بود و آن اینکه کودکان از قید اجبار
برای کار کردن رها میشوند و والدین میتوانند لوازم التحصیل و لباس
و خوراک اطفالشان را تهیه کنند و آنان را بمدرسه بفرستند، و تنها
از این راه است که قانون تعلیمات عمومی اجباری امکان پذیر خواهد
شد.

در عین حال روزنامه برای بالا بردن نیروی خرید زحمتکشان مسئله را بار دیگر چنین مطرح میکند: "برای اینکه اکثریت جمعیت دارای نیروی خریداری امته، صنعتی ماشین ها و پرداخت مخارج تحصیل و تهیه خوراک و لباس اطفالشان باشد لازم است که کشاورزان صاحب اراضی و کارگران دارای مزد ثابت باشند."

مستشاران امریکائی و قرضه خارجی

روزنامه بنظر میرسد که بنوعی طرفدار مستشاران خارجی و بهیژه میلسپور رئیس کل دارائی و اختیارات اوست: گزارش های میلسپو را تمام و کمال چاپ میکند، از لوايح تقدیمی او در مورد مالیات و غیره حمایت میکند، چنانکه مخالفین و انتقاد کنندگان را بطنز مورد خطاب قرار میدهد که "لایحه" قانون مالیات بردرآمد بهر نیست و آدم نمیخورد. "روزنامه در این مورد تقریباً با بسیاری از مطبوعات که با میلسپو و اختیاراتش مخالفند، موضع متعارضی دارد.

اما در مورد استقراض از امریکا نیز در برابر محافل سیاسی و مطبوعات دیگر قرار دارد. در اوایل اسفند این سال دولت سهیلی قصد دارد که از امریکا قرضه بگیرد. بقول روزنامه "ایران کنونی" "جرايد تهران تقريباً باتفاق آراء به مخالفت با قصد دولت قيام میکنند" ولی این روزنامه خود با تذکر این نکته که عمران و آبادی که در گذشته بدون قرضه خارجی صورت گرفته باعث بیچارگی بیشتر ملت شده با استقراض قویاً موافقت میکند و مینویسد: "هیچ کشوری نمیتواند فقط با سرمایه داخلی خود دست به اصلاحات وسیعتری

زده و موفق باشد. " روزنامه استدلال میکند که " فقط کشورهای دیکتاتوری از سرمایه و استقراض خارجی میترسند " و چون ایران يك کشور دیکتاتوری نیست نباید " در اثر نتیجه تلف کردن اولادان زحمتکش خود دست به توسعه و آبادی و عمران و استخراج ثروت زیر زمینی خود بزند. " و سرانجام نتیجه میگیرد که " استقراض خارجی باعث توسعه عمران و آبادی و پیشرفت صنایع کشور گردیده باعث راحتی ساکنین این کشور هم خواهد شد. "

مدیر و اداره روزنامه

در روزنامه همه جا نام صاحب امتیاز و مدیر "گ. یقیکیان" قید شده و هیچ جا از نام كوچك او ذکری بعین نیامده است اما صدر هاشمی از او بنام گریگور یاد کرده است. در مورد شخصیت او، خودش در یکی از شماره های روزنامه که در سال ۱۳۲۷ نوشته است که " من انقلابی بوده ام، شرکت داشته ام در انقلابات ترکیه، روسیه و ایران"، و در جای دیگر خودش را در ردیف " سوسیالیست ها و دموکرات های چپ دنیا " میگذارد، ۲۲ و بالاخره در سال ۱۳۲۷ مدافع سازمان داشناک ها میشود. از سلسله مقالاتی که در مورد انقلاب گیلان نگاشته معلوم است که در جریان این انقلاب بوده. صدر هاشمی در مورد سوابق یقیکیان از قول خود او مینویسد :

۲۱- سرمقاله شماره ۴۶، ۱۷ اسفند ۱۳۲۲

۲۲- رجوع شود به سرمقاله ۱۹ سال ۱۳۲۷

"در سال ۱۸۸۰ میلادی تحصیلات متوسطه خود را در اسلامبول و تحصیلات عالی را در ونیز ایتالیا به پایان رسانیده است. اولین مقاله او بر ضد سلطنت استبدادی سلطان عبدالحمید ثانی بزیان ترکی در روزنامه "میزان" منطقه مصر بوده است. مسافرت‌های وی در جنوب ارمنی و قفقاز سبب آشنائی او با آزادیخواهان ترك - ارمنی - گرجی و روسی گردید و از اینرو در سال ۱۹۰۲ در بادکوبه در تظاهرات کارگری شرکت نمود. در جریان جنبش مشروطیت به همراهی میرزا کریم خان رشتی (اکبر) بمك مشروطه طلبان ایران برخاست و در این هنگام مقالاتی در روزنامه "گیلان" ارگان مشروطه خواهان درج نمود و اولین مقاله او در این روزنامه تحت عنوان "چه میگویند سوسیالیست‌ها" بود. در سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ چند بار برای شرکت در کنفرانس‌ها و مجالس "حزبی" به بادکوبه و تغلیس سفر کرد.

بقیگیان در نامه خود به صدر هاشمی نوشته است که در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۲۱ "همراهی با میرزا کوچک خان در ایام مبارزه خود با بالشویک‌ها ادامه داشت. . . در مدت هفده ماه انقلاب بالشویکی گیلان چند نفر از لیدرهای حزب بالشویک روسیه مانند مدیوانی، میکویان و دیگران برای بازرسی برشت آمدند. با تمام آنها ملاقات کردم و درك کردم که امپریالیزم روسیه است که وارد ایران شده" سپس میگوید در رشت: "در سال ۱۹۲۶ امتیاز روزنامه "ایران کبیر" را تحصیل کرده و شروع به انتشار نمودم" و پس از یکسال و نیم انتشار بدرخواست کنسول دولت ترکیه

در مورد مسئله کردستان و بقصد جلوگیری از تیرگی روابط دو کشور توقیف میشود و یقیناً به تهران میآید. مدتی "در روزنامه های بزرگ ارمنی چاپ بستن، پاریس، نیویورک و قاهره" مقاله مینویسد و بگفته خودش "مدتی هم روزنامه "سعادت بشر" را اداره" میکند. و سرانجام در سال ۱۳۱۳ موفق به گرفتن امتیاز روزنامه ایران کنونی میشود.

"ایران کنونی در بدو تأسیس مدت شش ماه بفارسی و روسی و بعد هم مدتی به روسی و بالاخره بفارسی منتشر شده است." ۲۳ معلوم نیست انتشار روزنامه چه وقت قطع شده تا دوباره در اول سال ۱۳۲۲ انتشار خود را با شماره ۱۳۳ آغاز میکند.

این دوره از روزنامه ایران کنونی نسبتاً سنگین و اصولی است و بحث های اصولی فراوان دارد. گرایش های ضد شوروی روزنامه، برخلاف دوران بعدی، چندان محسوس نیست ۲۴ و حتی با چاپ اسناد مربوط به شوروی و کمینترن بنظر میرسد که تمایلات جانبدارانه ای نسبت به شوروی و کمونیسم دارد. از آنجا که مدیر روزنامه ارمنی است به مسائل و ادبیات ارمنی توجهی خاص دارد و در همین حال زبان روزنامه از نظر فارسی، نقص بسیار دارد که میتواند با توجه به ملیت و زبان مدیر آن قابل توجیه باشد.

۲۳- رجوع شود به صدرهاشی، تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد اول صفحه ۳۴۲-۳۴۵

۲۴- رجوع شود به دوره روزنامه در سال ۱۳۲۲

دوره جدید

نوع کاغذ :

روزنامه ای . بعضی شماره ها سفید ، صورتی (شاید بعلت
کمبود کاغذ)

قطع :

۴۹×۳۵

تعداد صفحات :

۴

قیمت :

قید نشده

نویسندگان :

شیده . بجز مقالات مدیر یا نویسندگان دیگر که بی امضا است
بعضی مقالات با این امضاء است .

تاریخ شماره ۱۳ (۲۸۱) سال یازدهم :

۱۹ فروردین ۱۳۲۷ برابر ۱۷

آوریل ۱۹۴۸

آخرین شماره موجود :

۳۰ (۲۹۸)^۱

۱- در صفحه اول اشتباهها (۲۹۹) چاپ شده است .

تاریخ :

۱۰ شهریور ۱۳۲۷ = سپتامبر ۱۹۴۸

وقته ها :

بین شماره ۲۸ و ۲۹ يك ماه مراد تعطیل است.

علت : " بواسطه سوگواری و تعطیل های عمومی "

كمبود :

شماره ۲۰

از خصوصیات دوره روزنامه در سال ۱۳۲۷ صراحت بیشتر آن در ضدیت با شروی و کمونیسم و درگیری با حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی کارگران است. روزنامه در عین حال از فرقه دموکرات آذربایجان بعنوان متجاسرین یاد میکند و " جنایات آنان را بخاطر میآورد .

در مورد شروی مقاله ای دارد بقلم " یکنفر سوسیالیست دموکرات " زیر عنوان " دولت شروی مبارزه ایدئولوژیک با دول دیگر نمیکند ، دولت شروی نیز يك دولت امپریالیستی درجه اول میباشد و در ظرف چند سال استقلال و آزادی ملك و کشورهای مختلف را معدوم کرده و منتظر بموقع مناسب است تا استقلال و آزادی ملك دیگر را هم معدوم سازد " در مقاله گفته میشود که مبارزه شروی با دول دیگر مانند مبارزه سرمایه داران بزرگ با شروی - مبارزه ایدئولوژیک نیست، مبارزه ایمان و ایدئال و عقاید نوهروری و ترقیخواهی اجتماعی و سیاسی نیست بلکه يك مبارزه امپریالیستی و جهانگیری

است. نویسنده دلیل میآورد که علیرغم ادعای شناختن حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود دولت شغروی هر وقت امکانی یافته کشورها و سرزمین های دیگر را به خود ملحق ساخته است. ۲۵

در شماره ۲۹ بتاريخ اول شهریور ۱۳۲۷ با اشاره به تشنجات سیاسی مملکت و مخالفت هائی که با حکومت میشود هر کسی - و حتی وکلای - را که با حکومت مخالفت میکنند آلت دست آگاه یا نا آگاه کمونیست ها میخواند و مینویسد " طرفداران کمونیست برای برپا ساختن دیکتاتوری سرخ در ایران با اقدامات مشغول هستند ، باید آلت ایشان نباشیم " ، و " شرکت کنندگان وقایع چندروزه دانسته یا ندانسته برای ایجاد و پیدایش غلام یحیی و پیشه وری ها زحمت میکشند . "

در شماره ۱۷ بمناسبت عید اول ماه مه " از دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران " خلع مقام میکند و مینویسد که " کلیه اظهارات لوثی - سایان در ایران یا در جاهای دیگر بی معنی بوده و ارزشی ندارد . " از نگرانی های مدیر روزنامه در این دوران احتمال وقوع جنگ جهانی تازه است که چند بار در این نیمسال انتشار روزنامه تکرار میشود ، و بعد از این احتمال ، تقویت ارتش ایران را تا حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ هزار نفر ، برای دفاع از سرحدات کشور لازم میبندد که در آن همه جوانان از جمله پسران خوانین ، " نجبا " و سرمایه داران نیز باید خدمت کنند و بودجه آن " بتوسط مالیات یکنواخت که جمیع آوری از ملایر درها و ملیونوها خواهد گردید " باید تهیه شود .

۲۵ - شماره ۲۲ ، ۲۰ خرداد ۱۳۲۷

در برابر طرح تشکیل مجلس سنا میگوید " اگر اوضاع کشورمان
احتیاج بوجود دو مجلس داشته باشد من حرفی ندارم. " با اینهمه
هرجا فرصتی مییابد، ضمن دفاع از " طبقات فقیر و بی سرمایه "
همچنان به " مالکین اراضی و مستغلات " می‌تازد و از دولت می‌خواهد
" بر وسایلی که آنها سرمایه خود را جمع آوری کرده اند " بازرسی
لازم تعیین کند و " آنها را به مجازات برساند. "

محمد باقر مو'منی

فامه اراك

شناسنامه :

۱- اسم :

نامه اراك

۲- محل انتشار :

اراك

۳- نوع كاغذ :

روزنامه ای زرد

۴- نوع چاپ :

۱- سری ۲- سیاه و سفید

۵- قطع :

۳۵×۵۰

۶- تعداد صفحات :

۴

۷- تصویر :

ندارد (جزییکی د و مورد خاص) سیاه و سفید

۸- قیمت :

۱- تكشماره ۴۰ دینار، ۵۰ دینار (بعد از دوروزيك ریال)

۲- آبونمان : یکساله ۵۰ ریال ششماهه ۳۰ ریال

خارجہ یکساله ۸۰ ریال ششماهه ۴۰ ریال

۹- صاحب امتیاز:

باقر موسوی

۱۰- همکاران:

خدیدور، عزت‌اله قائم مقامی، ابوتراب جلی،

ف- فراهانی، صدر صدارتی

۱۱- زبان:

فارسی

۱۲- تاریخ اولین شماره موجود (۷۸۱):

سال هشتم ۳۱ فروردین ۱۳۲۰ *

۱۳- آخرین شماره:

۹۳۹

۱۴- تاریخ آخرین شماره:

۶ دی ۱۳۲۱

۱۵- فاصله انتشار:

یکشنبه و چهارشنبه **

۱۶- نوع:

اجتماعی، سیاسی

۱۷- تمایلات سیاسی و اجتماعی:

انتقادی، ملی، محافظه کار

۱۸- محل دسترسی :

کتابخانه ملی

ملاحظات: * مجلد موجود در کتابخانه ملی بصورت درهم و نامرتب
صحافی شده و شماره های مسلسل روزنامه پس و پیش
شده است. اولین شماره در این مجلد ۸۳۰ (۲۰ مهر
۱۳۲۰) آمده در حالیکه اولین شماره موجود (بصورت
درهم) ۷۸۱ است.

از شماره ۷۹۳ (۱۴ خرداد ۱۳۲۰) شنبه ها و
چهارشنبه ها منتشر می شده.

این روزنامه همانطور که از عنوانش پیداست، روزنامه ایست محلی که در شهرستان اراک چاپ می شد. از سابقه و آغاز کار آن اطلاعی در دست نیست ولی از آنجا که در بالای شماره های منتشره در سال ۱۳۲۰ نوشته شده سال هشتم، سال آغاز انتشار آن را می توان حدوداً قبل از ۱۳۱۲ شمسی دانست.

خط مشی و کیفیت روزنامه

از خلال یکی از سرمقاله های "نامه اراک" می توان دریافت که به احتمال قوی، این روزنامه در گذشته در مقام دفاع و تحسین از رژیم رضاشاهی بوده است. در بخشی از این سرمقاله که تحت عنوان "يك خطای بزرگ" نوشته شده چنین آمده است: "... بیست سال در برابر يك موجود مستبد و خود رأی سر تسلیم فرود آوردیم، هرچه گفت کردیم، هرچه کرد پذیرفتیم، قبايح اعمال او را بصورت حسنات جلوه دادیم، مظالم او را به شكل عدالت مجسم نمودیم، مدح و ثنائيش گفتیم، مقام او را از آسمانها و فرشتگان بالاتر بردیم، گذشته از مادیات، معنویات خود را هم در راهش فدا کردیم، زمام اراده و اختیار - دین و ایمان - دنیا و آخرت را در گفش نهادیم، دوره"

بت پرستی را تجدید نمودیم، در مقابل تمثالش رژه رفتیم، هنگام شنیدن نامش کف زدیم و هورا کشیدیم، هرچه دارای ما بود در راه تسکین مطامع بی پایان او نثار کردیم تا جایی که از عنصر فعال و هسته حیاتی ما چیزی باقی نماند . . . " ۱

با توجه به محتویات روزنامه مشی اساسی آن را می توان چنین ترسیم نمود: دارای تمایلات مذهبی - روشنفکری، اصلاح طلب و مخالف استبداد. برخی عناوین مقالات می تواند تا حدودی نشانگر این - خط مشی روزنامه باشد.

عنوان بعضی مقالات: "موسیقی جدید"، "آینده گیتی"، "اصلاح نژاد گوسفند"، "بیعاری سرطان"، "خود را اصلاح کنید"، "فقر در خطرند"، "به شما ای ثروتمندان"، "زندگی رقت بار رعایا - وارده از دهات"، "مردم پرستی تا کی . . . ؟"، "وضع نظامی و سیاست ترکیه"، "وقایع جنگ نروژ"، "چگونگی نبردهای اتحاد شوروی"، "سانسور مطبوعات"، "مقررات بازرگانی ایران باید تعدیل شود".

منابع خبری و مطالب روزنامه به علت مشکلات ارتباطی و عدم امکانات غالباً غنی و دست اول نیستند، زیرا از آنجائیکه روزنامه، نشریه ایست محلی، از نظر مسائل خبری و فرهنگی - با توجه به کمبود امکانات و پائین بودن درصد باسوادها از کیفیت خوبی برخوردار نیست. در زمینه دریافت خبرهای داخلی، تنها منبع تغذیه روزنامه اخباری است که از کانال رادیو "تهران" پخش می شود. همچنین در مورد اخبار خارجی، تنها وسیله خبرگیری روزنامه، از طریق

۱ - نامه اراک، س ۸، ش ۸۴۵ (۳۰ آذر ۱۳۲۰): ص ۱

خبرگزاری (دولتی) پارس بصورت تلگرافی انجام می گیرد، که در بسیاری مواقع به علل گوناگونی از قبیل برقرار نشدن ارتباط و غیره، اخبار مخابره شده به دفتر روزنامه نمی رسد (در این زمینه خود روزنامه اشاره هائی دارد).

بطور کلی چون تشکیلات خبررسانی محلی روزنامه و همچنین سیستم دریافت و ارسال خبر در سطح کشور ضعیف است، نقشی اطلاعاتی و خبری روزنامه — با اینکه هفته ای دو شماره چاپ می شود — به پای روزنامه های پایتخت نمی رسد و معمولاً در سطح مسائل منطقه خلاصه می شود. لذا برای جبران کمبود نقش "خبری"، دست به انتشار "فوق العاده روزنامه اراک" می زند: "نظر به اینکه خبرهای تلگرافی آژانس پارس همه روزه برای این نامه فرستاده می شود و روزنامه ها در هفته ای دو روز (یکشنبه و چهارشنبه) منتشر می گردد، برای اینکه اهالی از اخبار نامبرده استفاده نمایند از روزشنبه ۹ اسفند ماه همه روزه سوای روزهای جمعه اخبار بطور فوق العاده در شهر انتشار می یابد و بهای آن چهارشاهی است. دفتر نامه اراک...".*

عمده منبع گردش کار روزنامه، آگهی هائی است که از سازمان های دولتی دریافت می کند. **

* از چگونگی و نحوه توزیع فوق العاده اطلاعی بدست نیامد.

** در بسیاری موارد، از چهار صفحه روزنامه، دو صفحه آن مخصوص چاپ آگهی های دولتی است.

مسائل اقتصادی و اجتماعی محلی

روزنامه بیشتر به طرح مسائل روزمره محل انتشار خود می پردازد و اهمیت طرح مسائل سیاسی - فرهنگی در درجات بعدی قرار دارد .

در ارتباط با اوضاع نابسامان محلی ، ضمن انتقاد از سیستم اداری و درمانی منطقه ، رؤسای سازمانهای دولتی - به ویژه کارکنان شهرداری را مورد حمله قرار می دهد .

وضع آشفته کشور (پس از سقوط رضاشاه) بطور اعم و اوضاع فقر زده منطقه بطور اخص را می توان در لابلای صفحات روزنامه کاملاً حس کرد .

اهم مسائل مورد طرح در روزنامه در باره اوضاع منطقه را به شکل زیر می توان تقسیم بندی کرد :

۱- انتقاد از کمبود و احتکار ارزاق عمومی (نان ، قند ، شکر و . . .)

۲- افزایش بیکاری و فقر عمومی روستائیان و گروههای متوسط شهری

۳- سیستم نابسامان درمانی و کمبود پزشك و دارو

۴- مسأله اعتیاد و منع کشت خشخاش

۵- عدم تأمین روشنائی (برق) مناطق شهری

۶- عدم امنیت عمومی

در مورد هر يك از مسائل یاد شده كه ارتباط مستقیمی با اختناق "رضاخانی" دارد گردانندگان روزنامه در بسیاری مواقع تصویرهای روشنی از اوضاع فلاکت بار منطقه را بدست می دهند - كه در بعضی فرصتها با رعایت اصول محافظه کاری روزنامه نویسی همراه

است. بهر تقدیر بازگو کردن مشکلات و تصویر بخشیدن دشواریهای منطقه در روزنامه جای برجسته ای دارد.

اوضاع اقتصادی و اجتماعی پس از شهریور ۱۳۲۰ را می توان بروشنی در سر مقاله^۱ یکی از شماره های این روزنامه حس کرد: "صبح روز پنجشنبه ۲۴ مهر ماه عده ای از بازاریان اراك بنام اعتراض بر افزایش بهای نان دکانهای خود را بستند، پس از اندکسی سایر پیشه وران و صاحبان مغازه ها نیز کار را تعطیل نموده و همگی راه اداره شهرداری را در پیش گرفتند. اشخاص ولگرد و اطفال بیگانه نیز که تعداد آنها در اراك از همه جا بیشتر است از گوشه و کنار سر بیرون آورده و باین جمعیت پیوستند. رفته رفته این شهرستان صورت و خیمی بخود گرفت و دامنه^۲ اغتشاش و بی نظمی وسعت یافت. . . علت اساسی این اغتشاش و بی نظمی را باید افزایش غیر قانونی بهای نان دانست که در ظرف چند روز از سه ریال به چهار ریال و پنجاه دینار الی پنج ریال می فروختند و هیچ يك از مأمورین شهرداری به نانوایان هائی که مرتکب این احجاف شده بودند حتی اعتراض هم نکردند . . . مساله دیگر که بی نهایت موجب تأثر و تأسف ماست این است که بر اثر این حرکت زشت و ناپسند که بدست چند نفر جاهل و شریر انجام یافت و منتهی به غارتگری و چپاول اموال مردم گردید بار دیگر معلوم شد که پایه تربیت ما بی نهایت متزلزل است و هنوز ما مردم نتوانسته ایم درست معنی و مفهوم آزادی را دریابیم و حقا باید گفت با بودن این همه افراد بیکار، دزد، قمار باز، بی سواد، نادان امکان ندارد که بتوانیم شهرستان خود را سر و صورتی بدهیم. . . ۲۰"

۲- نامه اراك، ش ۸۳۲ (۳۰ مهر ۱۳۲۰): ص ۱

دفاع از آزادی بیان و مبانی مذهبی

در زمینه آزادی بیان و نقش مطبوعات آزاد - با توجه به فضای سیاسی بعد از شهریور ۱۳۲۰ - گردانندگان روزنامه به شیوه محافظه کارانه به دفاع از آزادیهای فردی و اجتماعی پرداخته و در برخورد با سانسور مطبوعات موضعی کاملاً انتقادی بخود گرفته اند. در ارتباط با "سانسور مطبوعات" در بخشی از سرمقاله شماره ۸۴۷ می خوانیم: "۰۰۰۰ بیش از دوسه ماه نیست که برحسب تصادف و اتفاق نسیم آزادی در این کشور به اهتزاز درآمده و مهتر از زبانهای حقیقت گو و قلمهای حقیقت نویس برداشته شده است و هرگاه این آزادی بیان با منافع برخی اشخاص اصطکاک پیدا نموده و بخواهند دوباره با برقرار ساختن سانسور، مطبوعات کشور را به حالت پیش برگردانند واقعاً امری ناگوار و عملی ناشایسته است و امید داریم همانطوری که جناب آقای نخست وزیر فرموده اند در مملکت ما کار به اینجا نکشد." ۳

همچنین در دفاع از مبانی مذهبی و اینکه "حکومت سیاه رضاخانی" به بهانه اینکه "ملت ایران را همدوش ملل ارمیائی سازد"، فشارهای فراوانی به جامعه روحانیت آورده، به انتقاد پرداخته و می نویسد: "یکی از خطاها و اشتباهات بزرگ و جبران ناپذیر دولت سابق که تذکر آن برای حال و آینده ما بسیار سودمند است این بود

۳- نامه اراک، س ۸، ش ۸۴۷ (۳ دی ۱۳۲۰) بخشی از سرمقاله

"سانسور مطبوعات"

که بنام مبارزه با اوهام و خرافات بنای معتقدات ملی را متزلزل گردانید و نهایت جدیت را در این باره بخرج داد که توجه توده را از مقررات دینی و مقدسات مذهبی منصرف گرداند و آنان را به نظام و قوانین تازه ای که فرسنگها با عقاید آباء و اجدادی این ملت تفاوت داشت آشنا و نزدیک سازد ، دولت نمیخواست در قلمرو نفوذ خود حتی یک نفر روحانی را ببیند و حاضر نبود که هیچ امری با مداخله مردان دینی فیصله یابد ، سعی کرد که این طبقه را تا آنجا که ممکن است در انظار خوار و خفیف مخدول و منکوب و گمنام سازد و نگذارد در هیچ مجمع و محفلی عرض وجود نمایند . ترس بی جا از نفوذ روحانیان چندان شدت یافت که ناچار به قلع و قمع آنان پرداخته و در صدر ناپود کردن آنان برآمد . بدیهی است از میان برداشتن مردان روحانی بزرگی مانند مرحوم مدرس با آن طرز فجیع نمونه روشنی از سوءنظر دولت وقت نسبت به طبقه روحانیان بود . در نتیجه این رفتار غلط که تأثیر نامطلوب آن سالیان دراز در میان ما باقی خواهد ماند شعائر مذهبی و مراسم دینی تدریجا اهمیت و عظمت خود را از دست داد و کار به جایی رسید که مدعیان دیانت و تقوی مسرود اهانت و استخفاف قرار گرفتند آسمان صاف و شفاف دیانت را ابرهای تیره فروپوشید روحانیت و معنویت جای خود را به بی دینی و ماده پرستی داد . در مدارس تعلیم اصول و شرایع دینی موقوف شده و اطفال را از خرد سالی طوری تربیت کردند که اساسا آشنائی به مبادی دیانتی نداشته و بوی از خداشناسی بمشامشان نرسیده بود می گویند منظم دولت از این اقدام آن بود که

ملت ایران را همدوش ملک اریها سازد . . . ۴

مسائل سیاسی داخلی

در ارتباط با انعکاس مسائل سیاسی کشور، مذاکرات مجلس شورای ملی را غالباً بصورت فشرده چاپ می‌کند. از شماره ۸۴۸ به بعد دو ستون از روزنامه (ص ۲) تحت عنوان "نگاهی به جراید کشور" به چاپ مقالاتی از جراید کشور اختصاص دارد. در زمینه مسائل اقتصادی و بازرگانی گاهی به مطالبی برمی‌خوریم از جمله مقاله "مقررات بازرگانی ایران باید تعدیل شود." را می‌توان نام برد. همچنین در بعضی از سرمقاله‌ها ضمن اعتراض به حضور متفقین در ایران نتایج حاصل از آن را بازگو می‌کند.

مسائل سیاسی خارجی

در این مورد به عمده‌ترین مساله آن روزگار یعنی جنگ جهانی دوم پرداخته و اخبار مربوط به آن را مرتب چاپ می‌کند و خبر پیروزی‌های جنگی شوروی و شکست آلمانی‌ها را همواره با خوشحالی عنوان می‌نماید.

مسائل ادبی، هنری و تاریخی

با اینکه بیشتر مطالب روزنامه مسائل عمومی منطقه را در بر

۴- نامه اراك، س ۸، ش ۸۴۴ (۲۳ آذر ۱۳۲۰): ص ۱

۵- " " " " ش ۸۳۳ (۴ آبان ۱۳۲۰): ص ۳

دارد ، اما گاهی به مسائل فرهنگی و هنری کشور هم توجه دارد
از جمله در يك سلسله مقالات ادبی تحت عنوان " محاکمه کلمات "
به انتقاد از فرهنگستان (زبان) می پردازد و غیر مستقیم با تجدید
طلبی در کلمات سر ناسازگاری دارد . همچنین سلسله مقالات دیگری
دارد تحت عنوان " جنبش ملی ادبی " - به نقل از مجله ارمغان - به
قلم سید حسن تقی زاده .

در زمینه مسائل تاریخی هم گاه مقاله ای چاپ می کند از جمله
" يك صفحه از تاریخ " در باره دولت برامکه (به قلم ا . خدیو) .
در هر شماره از روزنامه ، تقریبا شعری از ابوتراب جلی به
چشم می خورد .

در زمینه چاپ داستان نیز از شماره ۷۷۸ تحت عنوان
" افسانه بطوری در پی ، در هر شماره از روزنامه ، قسمتی از
" مکث " شکسپیر به چاپ رسیده است .

همچنین در زمینه موسیقی جدید در یکی از شماره های
روزنامه مقاله ای آمده است .

محمود معتقدی

اردیبهشت ۵۹

میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں

میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں

میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں
میں نے اس کے لئے ایک خط لکھا تھا جس میں

ضیاء

شناسنامه تحلیلی مطبوعات

- | | |
|---|---|
| <p>۱-۱ صاحب امتیاز:</p> <p>۱-۲ سردبیر:</p> <p>۱-۳ همکاران:</p> <p>نویسندگان ثابت</p> <p>نویسندگان اتفاقی</p> <p>خطاط</p> <p>نقاش یا کاریکاتوریست</p> <p>۱-۴ زبان:</p> <p>۱-۵ تاریخ شماره اول:</p> <p>۱-۶ آخرین شماره:</p> <p>۱-۷ تاریخ آخرین شماره:</p> <p>۱-۸ فاصله انتشار:</p> <p>۱-۹ وقفه ها:</p> <p>۲-۰ نوع:</p> <p>۲-۱ تمایلات سیاسی و اجتماعی یا هنری:</p> <p>۲-۲ شعار سرلوحه:</p> <p>۲-۳ ارزش و برد اجتماعی (تیراژ)</p> <p>۲-۴ وابستگی:</p> <p>۲-۵ محل دسترسی:</p> <p>۲-۶ کمبود یا موجودی:</p> <p>۲-۷ علت تعطیل:</p> <p>ملاحظات:</p> | <p>۱- اسم:</p> <p>۲- عناوین دیگر:</p> <p>۳- محل انتشار:</p> <p>۴- نوع کاغذ:</p> <p>روزنامه ای زرد</p> <p>سفید: معمولی</p> <p>ممتاز</p> <p>۵- نوع چاپ:</p> <p>سنگی</p> <p>سربی</p> <p>سیاه و سفید</p> <p>رنگی</p> <p>۶- قطع:</p> <p>۷- تعداد صفحات:</p> <p>۸- تصویر:</p> <p>سیاه و سفید</p> <p>رنگی</p> <p>۹- قیمت:</p> <p>تک شماره</p> <p>آبونمان: یکساله . . . ششماهه</p> <p>تهران</p> <p>شهرستانها</p> <p>خارج</p> <p>۱۰- ناشر:</p> |
|---|---|

No. 239

Published by Iranian Documentation Centre 1188 Enqelāb Ave.,
Tehran, Iran

Tehran Book Processing Centre Card Number M58-356

Printed in 300 copies at the Print House of the Institute
for Research and Planning in Science and Education.

Price: \$2.00



Islamic Republic of Iran
Institute for Research and Planning in Science and Education
Iranian Documentation Centre
(IRANDOC)

Iranian Press

Analytical Index of Periodicals

*ĀTASH, ĀZAR, ĀREZU, ĀRSHITEKT,
ĀZĀDEGĀN, ĀSIYĀ, IRĀN - E KONUNI,
NAME - YE ARĀK*

Available at the
Iranian National Library

No 1

BY :

BIZHAN BIJĀRI

SĀDEQ PUR HASAN TANĀBCHI

ĀLI - AKBAR ĀTRAFI

MAHMUD MOṬAQEDI

MOHAMMAD - BĀQER MOṬMENI

Tehran, 1980